

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۳۹۱

- ۰۱- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)- ۸ فروردین ۹۱
- ۰۲- دل نوشته‌ی اولین ندبه‌ی سال- ۱۱ فروردین ۹۱
- ۰۳- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت اول- ۱۷ فروردین ۹۱
- ۰۴- خطبه‌ی حقیقت فاطمیه- ۱۸ فروردین ۹۱
- ۰۵- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم- ۶ اردیبهشت ۹۱
- ۰۶- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)- ۲۲ اردیبهشت ۹۱
- ۰۷- خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)- ۵ خرداد ۹۱
- ۰۸- خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع)- ۱۲ خرداد ۹۱
- ۰۹- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع)- ۱۵ خرداد ۹۱
- ۱۰- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)- ۱۷ خرداد ۹۱
- ۱۱- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)- ۲۷ خرداد ۹۱
- ۱۲- خطبه‌ی عید مبعث- ۲۹ خرداد ۹۱
- ۱۳- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه- ۳ تیر ۹۱
- ۱۴- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج)- ۱۵ تیر ۹۱
- ۱۵- خطبه‌ی شب اول ماه مبارک رمضان- ۳۰ تیر ۹۱
- ۱۶- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۱۴ مرداد ۹۱
- ۱۷- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۱۷ مرداد ۹۱

- ۱۸- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۱۹ مرداد ۹۱
- ۱۹- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۲۱ مرداد ۹۱
- ۲۰- خطبه‌ی عید فطر- ۲۹ مرداد ۹۱
- ۲۱- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)- ۲۲ شهریور ۹۱
- ۲۲- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)- ۷ مهر ۹۱
- ۲۳- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)- ۲۵ مهر ۹۱
- ۲۴- خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)- ۲ آبان ۹۱
- ۲۵- خطبه‌ی روز عرفه- ۴ آبان ۹۱
- ۲۶- خطبه‌ی عید قربان- ۵ آبان ۹۱
- ۲۷- خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)- ۱۰ آبان ۹۱
- ۲۸- خطبه‌ی عید غدیر- ۱۳ آبان ۹۱
- ۲۹- خطبه‌ی روز مباهله- ۱۹ آبان ۹۱
- ۳۰- خطبه‌های محرم و صفر- آبان، آذر و دی ۹۱
- ۳۱- خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س)- ۲۷ آذر ۹۱
- ۳۲- خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)- ۱ دی ۹۱
- ۳۳- خطبه‌ی روز اربعین- ۱۴ دی ۹۱
- ۳۴- خطبه‌ی رحلت پیامبر (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع)- ۲۱ دی ۹۱
- ۳۵- خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)- ۲۳ دی ۹۱
- ۳۶- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)- ۳۰ دی ۹۱

۳۷- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج) - ۲ بهمن ۹۱

۳۸- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع) - ۱۰ بهمن ۹۱

۳۹- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع) - ۱ اسفند ۹۱

۴۰- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س) - ۲۵ اسفند ۹۱

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۸ فروردین ۹۱

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

حمد و سپاس مخصوص خداوند کریم است هر زمانی که ستایش کند موجودی خداوند را چنانکه خدا دوست دارد که ستوده شود، همان‌طوری که جمال با کرامت و عزیز و ارجمندش سزاوار آن است. نیست معبودی جز خداوند هر موقعی که به یگانگی یاد کند خدا را موجودی همچنان که دوست می‌دارد که به یگانگی یاد شود و همان‌طوری که جمال کریم و عزیز و ارجمندش سزاوار آن است. پاک و منزّه است خداوند هر زمانی که به پاکی یاد کنند موجودات او را و همان‌گونه‌ای که دوست می‌دارد تا به پاکی یاد گردد، همان‌گونه‌ای که جمال رحیم و عزیز و گرمی‌اش سزاوار آن است.

سلام بر جان‌هایی که چونان مشعلی در قالبشان فروزان هستند و انوارشان آینه‌ای است که جهانِ جان، به مدد آن قادر است تا خلیفه‌ی کواکب گردد و پروردگار عالم آن را نجمُ الثاقب نام نهد، پس مرگ، مشتاق آن است تا به رمزش آگاه شود رمزی که کلیدش تحیت پروردگار عالم است که فرمود سلام بر آمدنش و سلام بر رفتنش و سلام بر برانگیخته شدنش پس منتظرانش به استقبال آن تحیت پر شکوه می‌روند و گنجینه‌ی جانشان را به رمزش می‌گشایند و فرشتگان عرضه می‌دارند: پروردگارا تو منزهی، جز آنچه به ما آموختی دانش دیگری نداریم.

با این سلام زیبای سرور عالمیان حضرت زهرا (س) ما نیز در این شب خجسته و هر روز و شب از خداوند کریم می‌خواهیم که خداوندا بر خاتم انبیاء، حضرت محمد مصطفی (ص) و اهل‌بیت و خاندان پاکش درود فرست درودی بی‌شمار بر آمدن و رفتن و برانگیخته شدنشان، همانا آنان ستارگانی فروزان و درخشنده هستند، هر زمانی که زمین در ظلمت و تاریکی قرار داشت با نور خود، راه نجات و رستگاری را نشان دادند که امشب مصادف است با میلاد یکی از ستارگان، میلاد سپیدار بلند شکیبایی، اسوه‌ی تقوا و شجاعت، اقیانوس مهر و محبت و صفا، نمایشگر اطاعت همراه با عشق

خداوندی و پرورش یافته در مکتب امیر مؤمنان (ع) و نور دیده‌ی مادرش حضرت زهرا (س) سیده‌ی بانوان دو عالم حضرت زینب کبری (س)، که در مورد ولادت ایشان حضرت زهرا (س) چنین فرمودند که: پدرم رسول گرامی اسلام (ص) آنگاه که دخترم زینب را در آغوش گرفتند فرمودند: اکنون دخترم زهرا از نعمت دختری برخوردار شد که رسالت مرا با صبر و استقامت خود زنده خواهد داشت آنگاه که دشمنان سعی می‌کنند تا با دهان خود نور الهی را خاموش کنند او آن را منور خواهد کرد. سپس شال مبارکشان را از دور گردن باز کردند و به دور زینب پیچیدند و آن را به آغوش من دادند و فرمودند: از خاندان من فرزندی به دنیا خواهند آمد که دین خدا را با وعده‌های حقه‌ی آن، به زمان‌های گذشته و آینده نشان می‌دهند و رسالت مرا یاری می‌کنند.

حضرت زینب کبری (س) نمونه‌ی بارز فضایل خاندان اهل بیت پیامبر گرامی اسلام بودند شاخصه‌ی بارز شخصیتشان شجاعت و اطاعت در مقام بندگی و پیروی از ولایت و امامت بود؛ ایشان مجری دستورات قرآن و ظلم ستیز و کوبنده‌ی باطل و پرچمدار حق بودند. امشب، میلاد وجود مبارکشان را جشن می‌گیریم، وجودی که مظلوم ماند و در اثر عدم شناخت، شخصیتی غیر از واقعیت مقام و منزلت و عملکردشان در ذهن‌ها جا گرفت و روایت‌های کاذبی که نقل مجالس شیعه در حال حاضر است مغایر با شأن و مقام ایشان است به طوری که نقش مؤثر و جهادگرانه و همراهانه‌ی ایشان با امام حسین (ع) در کربلا را علاقه و ارتباط خواهر و برادری مثل احساسات مردم عادی تلقی می‌کنند در حالی که ایمان و استواری در اوج عشق و بندگی و اطاعت و یاری ولایت و امامت ایشان را نادیده گرفته‌اند و از بازگو کردن هیچ روایت کذبی در این مورد خودداری نمی‌کنند. یک نمونه از این اکاذیب که در مجالس میلاد ایشان گفته می‌شود این است که حضرت زینب بعد از تولد، در آغوش جد بزرگوارشان پیامبر (ص) و پدرشان امیر مؤمنان (ع) و مادرشان حضرت زهرا (س) بی‌قراری و گریه کردند ولی در آغوش برادرشان امام حسین (ع) که در آن زمان، کودکی خردسال بودند آرام شدند؛ باید از آنان پرسید این چه دروغی است که نوزادی که توانایی شناخت برادر خود را دارد چطور جدش پیامبر اسلام رحمت للعالمین (ص) و پدرش امیر مؤمنان (ع)

ولی آدم و خاتم و مادرش، سرور عالمیان حضرت زهرا (س) را نشناخته و در چنین آغوش‌های بی‌نظیر و بزرگی بی‌تابی می‌کند؟ باعث تأسف است که تخریب شیعه به وسیله‌ی خود شیعه کارسازتر از تخریبی بوده که دشمنان شیعه انجام داده‌اند.

چگونه می‌شود درباره‌ی حضرت زینب (س) سخن گفت؟ کلماتی نیست تا او را توصیف کند و عقل و باوری نیست تا او را درک کند؛ حَقّاً که دختری امیر مؤمنان و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) شایسته و برازنده‌ی اوست و بس.

باید باور کرد و یقین داشت که قلب حضرت زینب از عجایب خلقت است در عین حال که همچون گلبرگ گل لطیف بود برای مبارزه با باطل و کسب رضایت الهی چنان محکم و قوی می‌شد که فولاد را شرمنده می‌کرد. باید حضرت زینب را شناخت و به او عشق ورزید همان‌گونه‌ای که مادر گرمی‌شان فرمود: عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت پس حقیقتِ خلقت او رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود است.

در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه سرور و مولایمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها ما را قلبی زینبی عطا بفرما تا با دوستانت مهربان و با دشمنانت محکم و استوار باشیم.

بار الها به ما زبانی زینبی عطا بفرما تا از حق، چنان دفاع کنیم که حضرت زینب (س) دفاع کرد.

بار الها به ما چشمی زینب گونه عطا فرما تا زیباییِ بندگی تو در اوج جهاد را با فدا کردن جان و مال و فرزند بینیم همان‌گونه‌ای که حضرت زینب (س) در کربلا دید.

بار الها ما را گوشی زینبی عطا فرما تا در شنیدن دستورات مولایمان امام عصر (عج) شنوا و در اطاعت از اوامرشان پایداری کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۱ فروردین ۹۱

دل نوشته‌ی اولین ندهی سال

اولین ندهی سال است

بر مهدی و آن هاله‌ی نورش صلوات

بر خال لب و جام ظهورش صلوات

بی‌پرده همه انس و ملک می‌گویند

بر سال و مه و وقت ظهورش صلوات

آنگاه که قدوم بهاران بر خاک، فرشِ سبزی می‌گستراند و شکوفه‌های آفرینش بر شاخسار درختان، جوانه می‌زند، شعله‌های غم هجرانِ یار، در دل زبانه می‌کشد که حول حالنا الی احسن الحال.

رحمت الهی در نسیمی است که وقت آن را وعده الهی می‌شناسد و پاسخش را در بارور شدنِ جانش می‌دهد، جانی که انتظار، بزرگ‌ترین گنجینه‌ی آن است تا همواره بر الطاف بی‌پایان پروردگارش سر تعظیم فرود آورد و نعمت‌هایش را غنیمت جانِ بی‌قرارش کند، سر بر سجده‌ی شکر گذارد و از آنچه در صندوقچه‌ی جان ذخیره نموده را با خود همراه کند.

چه زیباست فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که در این مورد فرمودند: نعمت‌های درون جان انسان همانند صندوقچه‌ای است که اطاعت را در خود به ودیعه دارد، اگر آن ودیعه را با فرمان کتاب آسمانی قرآن کریم به مصرف برساند، جانش مکان نزول رحمت الهی است، مانند زمین که فرمانش در آفرینش صادر شد و اطاعتش آینه‌ای شد که نگرستن در آن آینه می‌تواند عبرتی باشد بر آبادانی جان پس جانتان را باغی کنید که روی آن بنشینید تا جوی‌ها در زیر آن جاری گردد و نعمتش

پایان نپذیرد و گنجینه‌اش را زوالی نباشد و طبیعتی باشید که زیباترین مثال قرآن کریم است.

با این توصیف زیبای سرور عالمیان باید به زمین، آفرین گفت در استواری در اطاعت فرمان الهی و تجدید بیعت، زیرا همه ساله آمدن فصل بهار، تجدید حیات طبیعت و بارش شکوفه‌هاست، چشمان سبز طبیعت بر روی هر بیننده‌ای بازگشته و چشمه‌های کوهساران، نسیم پاک بهاری را بر دیار بنفشه‌ها می‌رساند پس موسم تجدید عهد و پیمان ما با بهار بهار آفرین است؛ پیوند دوباره با آرمان‌ها و آرزوهایمان.

بهار، فصل نو شدن و تولد دوباره است؛ نوروز، نشانه‌ی آغاز است و تحول، آغاز راهی نو برای نیل به آرزوهای کهن؛ بهار، فصل غبار رومی از آرزوی دیرینه برای نیل به ظهور عدالت و حاکمیت توحیدی، پیروزی حق و زدودن چهره‌ی باطل از جامعه‌ی انسانی است که تنها تحقق این آرزوست که بهار را برای همیشه در زمین جاودانه خواهد ساخت.

آری دیگر بار از میان سبزه و گل، بهار از راه رسید؛ شکفتن بهار که سرآغاز فصل زیبایی‌هاست، نمود قدرت یگانه‌ای است که هستی می‌بخشد و جلوه می‌نماید.

در آستانه‌ی ظهور زیبایی و طلوع عظمت خداوندی بر چهره‌ی زمین، خداوند کریم و جلیل و جمیل را سپاس می‌گوییم برای سالی که گذشت، سالی که پر از رحمت و نعمت و هدایت برایمان بود و عاجزانه از او در برآورده شدن آرزو و درخواستمان که همانا تعجیل در فرج مولا و سرورمان، جوهر هستی، امام زمان (عج) است یاری و مدد می‌جوییم.

من حسرت گل دارم و امید وصال

شد بهار دگر و طی ز عمرم یک سال

بلبلان با من سرگشته، هم آواز شوید

از فراق گل زهرا بنالید و همساز شوید

همچنین از وجود پر برکت مولایمان امام عصر سپاسگزاریم که در سال گذشته، الطاف خاصی را بر ما منتظران و عاشقان خود، بی‌دریغ مبذول نموده و در راه هدایت و نجات ما از باورهای غلط، نهایت عنایت و محبت را فرمودند؛ در اولین دعای ندبه‌ی سال جدید از حضور مقدسشان تقاضا داریم که این الطاف خاصه را بر ما برکت ببخشند، اگر چه شایستگی آن را نداشته و نداریم ولی مشتاقانه منتظریم که در این زمانه‌ی پر از فتنه، نفاق و فساد و کفر و مصائب فروانی که بر جامعه‌ی انسانی حکم فرماست ما را از راهنمایی‌ها و نصایح گران‌قدر خود بهره‌مند فرمایند.

در خاتمه با تبریک و تهنیت سال نو خدمت شما عزیزان و آرزوی سالی پر از برکت و سلامتی برای شما و خانواده‌ی محترمتان، انتظار داریم که با همدلی و همیاری در تحقق یک زندگی توأم با معنویت، آرامش و امید در سایه‌ی امام عصر (عج) یکدیگر را یاری نموده و از گناه و آلودگی دوری و در حفظ هویت و شخصیت اسلامی مطابق با دستورات قرآن کریم و اولیاء مخصوصاً امام عصر کوشا باشیم.

إن شاء الله

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۷ فروردین ۹۱

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)


به نام آفریننده‌ی جان‌ها، پروردگاری که جان‌های مشتاق را آیها المخلصون نامید و به همگان عرضه داشت: آنان از پلیدیِ نفس اماره در امان هستند.

کلمه‌ی مخلص به چه معناست؟ آیا در اطاعت اخلاص دارد؟ این وظیفه‌ی همگان است که از آنچه به آن‌ها فرمان داده شده اطاعت کنند. برای کشف، به اقیانوسِ رحمت الهی چنگ می‌زنیم و در قلبمان، شعله‌ی محبتِ اهل‌بیت را در سر راه قرار می‌دهیم؛ می‌خواهیم به قصص قرآن کریم سفر کنیم تا روزنه‌ای باشد برای سؤالی که مطرح شده.

پروردگار عالم در این سوره‌ی مبارکه فرموده: (سوره‌ی قصص آیه‌ی ۵۰) ﴿ پس اگر اجابت نکردند بدان که از پی هوای نفس خویش می‌روند و کیست گمراه‌تر از آن کس که بی آنکه راهنمایی از خدا خواهد از پی هوای نفس خویش رود زیرا خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند ﴾

اکنون دانستیم اخلاص قلعه‌ی مستحکمی است که راهِ نفوذِ هوای نفس را مسدود می‌کند و حاصلش جانی است که شیطان، در آن راهی ندارد پس نقابِ چهره‌ها در عمل آن‌هاست چه آن زمان که بر چهره می‌آویزند و چه وقتی که نقاب را بر می‌دارند. امروز جانِ ما بر کرسی عدالتِ قرآن کریم متوسل است تا نقاب از چهره‌ی دنیا طلبان بردارد و طبق وعده‌ی الهی، ستمکار را معرفی کند پس به خانه‌ی امیر مؤمنان می‌رویم.

چه روزِ سختی است! چهره‌ی مولایمان را در غمِ جهل مردمان تصور می‌کنیم؛ کدام غم سنگین‌تر است؟ آیا شهادت کوثر الهی و یا باورِ مکر مکارانی که در خانه‌ی حق، به دنبال باطل بودند؟ و پروردگار عالم فرمود: (آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی قصص) ﴿ چیزهایی که

به شما داده شده است، برخورداری و آرایش این زندگی دنیوی است حال آنکه آنچه نزد خداست بهتر و ماندنی‌تر است، چرا در نمی‌یابید؟ 

اینک در مقابل آینه‌ی زمان می‌نشینیم و شهادت می‌دهیم که سرور عالمیان در میدان جهاد حق، به آنچه نزد پروردگارش بود دل و جان را تسلیم نمود و راهی را پیمود که وعده‌ی خالقش بود پس آنچه این مصیبت را برای تمام زمان‌ها سنگین‌تر می‌کند همان جهل است که سایه‌ی شیطان‌اش محو نمی‌شود و همواره بر جان عاشقان خاندان نبوت می‌تازد، تازیانه‌اش آن‌چنان اثری دارد که قلب‌ها را در سینه مجروح می‌کند و جان‌ها را به باوری می‌کشاند که خود، آن را تزیین و نامش را سند دینی می‌خواند که خود آن را نگاشته است درحالی‌که سینه را باید از هجران کوثری شکافت که ام ابیها بود، دریایی که هرگز علمش را پایانی نبود پس به دریا متوسل می‌شویم و ابراز می‌داریم: ای دختر پیامبرمان و ای سیده‌ی زنان عالم بر جان سوخته از فراقتان نظری کنید تا در پرتو هدایتتان، از جهل نجات یابد و همواره جانی مشتاق که در این دوره‌ی سخت که میدان آزمایش الهی در آزمودن حق از باطل برپاست ما را از سفره‌ی احسانتان اطعام کنید تا مدافع حقی باشیم که به آن یقین داریم.

در خاتمه‌ی خطبه، به بیانات مولایمان امیر مؤمنان در غم از دست دادن سرور عالمیان متوسل می‌شویم تا مرهمی باشد بر دل مجروحمان.

(نهج البلاغه خطبه ۲۰۱)

«ای رسول‌الله (ص) سلام من و سلام دختری که در ملحق شدن به تو تسریع کرد و اینک در مجاورت تو قرار گرفته بر تو باد. ای رسول خدا، شکیبایی من اینک از دوری برگزیده‌ی تو بسیار کم است به طوری که طاقتم را از دست می‌دهم.

درد جدایی از تو ای رسول‌الله (ص) برای من بسیار سخت و طاقت فرسا بود و درحالی‌که کالبد مطهر تو روی سینه‌ی من قرار داشت روح مقدست به سوی علین پرواز کرد و من تو را در قبر نهادم با آن وصف، آن مصیبت بزرگ را تحمل کردم چون ودیعه‌ی تو نزد من بود (مقصود حضرت فاطمه‌ی زهرا است) و اینک إنا لله و إنا الیه

راجعون (قرآن سوره ی بقره) ودیعه مسترد گردید و رهینه پس گرفته شد لیکن اندوه من سپری نمی‌شود و شب‌های من به بیداری خواهد گذشت تا خداوند مشیت کند و مرا در مکانی که تو در آن هستی جا بدهد.

ای رسول‌الله اینک که دخترت به تو ملحق گردیده تو را از ظلمی که از طرف امت تو بر ما رفت، مطلع خواهد کرد و هر چه در این خصوص و از حال ما می‌خواهی کسب اطلاع کنی از او پپرس در صورتی که از زمان تو مدتی طولانی نگذشته و یاد تو از خاطره‌ها نرفته است.

من به شما دو نفر سلام می‌دهم و سلام من به هر دو از روی کمال محبت است نه از روی دل‌تنگی و اگر بعد از سلام بروم از بی‌علاقگی و ملالت نیست و اگر توقف نمایم از این جهت نمی‌باشد که نسبت به لزوم صبر و بردباری که خداوند به ما توصیه کرده است بی‌توجه هستم.»

پس ابراز می‌داریم ای مولای ما، یا علی، ما شیعیان، با تمام توانِ جانمان، از جهل گریزانیم تا شایسته‌ی عزاداری بر سرور عالم باشیم.
به امید پیروزی حق بر باطل فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۸ فروردین ۹۱

خطبه‌ی حقیقت فاطمیه

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَ
 أَيَّهُمْ فَلَيْتُنْدِبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَضْجُ
 الضَّاجُونَ، وَ يَعِجُّ الْعَاجُونَ.

پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیه و آلهما گریه
 کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از
 دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند.

این فراز از دعا نه تنها دوستداران و شیعیان، بلکه بشریت را از عمق فاجعه و مصیبتی
 که بر تمامی انسان‌ها تا قیامت شده با خبر می‌کند.

آنانی که ذره‌ای شأن و مقام والای پیامبر و اهل بیت او را درک کردند، باید گریه کنند،
 نه باید شیون و زاری و فغان کنند و به جای اشک، خون ببارند، چون عده‌ای به خاطر
 قدرت‌طلبی و جاه و مقامی که دوامی هم نداشت و به آنان وفا نکرد، اهل بیت پیامبر
 را اسیر و زندانی و شهید کردند، به فرموده‌ی خداوند کریم در قرآن «چه بد معامله‌ای
 کردند و چه ارزان، دنیا و آخرتشان را فروختند.»

اگر آنان تهی مغز نبودند باید که در مقابل چنین خیانت و جنایت‌هایی، حکومت تمام
 دنیا را طلب می‌کردند که باز هم کم بود در مقابل آنچه کردند، چه آنانی که بنیان
 ظلم به اهل بیت را نهادند و چه آن‌هایی که ادامه دهنده‌ی راه آنان بودند.

این مردم فرومایه نه آیات الهی را در نظر گرفتند که خداوند فرمود: «من اهل بیت
 پیامبر را از هر پلیدی پاک کردم» و یا فرمود: «ای پیامبر به آنان بگو من از شما امت،
 اجر و مزد رسالتی جز دوستی اهل بیتم نمی‌خواهم که در این هم خیر کثیر برای
 شماست.» و نه حدیث طیبیه‌ی کساء را که خداوند فرمود: «ای فرشتگان من و ای
 ساکنان آسمان‌هایم به راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه

ماه تابان و نه خورشید درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر به خاطر دوستی پیامبر خاتم (ص) و اهل بیتش». لعنت الله علی قوم الضالمین.

بله این مردم کوردل و پلید حتی خطبه‌ی غدیر که مورد تایید شیعه و سنی است را نیز نادیده گرفتند که در آن خطبه پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) فرمودند: «که علی برادر و وصی من است، گوشت و خون او گوشت و خون من است، دشمن او دشمن من و دوست او دوست من است.» پس وای بر آن‌هایی که خون امیر مؤمنان و حضرت زهرا (س) و فرزندان‌شان که همان خون پیامبر بود را ریختند.

بله باید گریه، نه باید شیون و فغان کرد از این همه جهالت و پستی و باید باور کرد که آنان نه تنها پیامبر را نپذیرفته بودند بلکه مسلمانی‌شان و ایمان‌شان به قرآن و خداوند نیز ظاهری و برای فریب عوام و رسیدن به مقاصد شومشان بود.

در این روزها که به سوگ گوهری بی‌همتا، سرور عالمیان و مادر هستی و پیامبران حضرت زهرا ی اطهر (س) نشستیم بزرگی خیانت و جنایت و ظلم آنان بیشتر دل شیعیان و دوستداران اهل بیت را می‌سوزاند. آری به راستی که باید گریه و ضجه و ناله و فغان سر داد، چون بشریت را از وجود مقدسی محروم کردند که خداوند به پیامبر و امتش به واسطه‌ی عطای وجود او که کوثر هستی بود منت گذاشت و هم‌چنین در معرفی خاندان رسالت، محور اصلی را حضرت زهرا (س) نام برد که در حدیث کساء نیز چنین آمده: خداوند عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و معدن رسالت‌اند آن فاطمه است و پدرش و شوهر و فرزندان‌ش.

پس باید فریاد برآورد که لعنت الله علی قوم الظالمین و غاصبین و قاتلین و بنیان‌گذاران آن و پیروان آنان باد. چه بد مردمی بودند و هستند که سی سال امیر مؤمنان علی (ع) را مورد اذیت و آزار قرار دادند و تنها همدم او همسر گرامی و گران‌قدرش را شهید کردند، همان‌گونه که در شب شهادت حضرت زهرا (س) به پیامبر فرمودند: که انا لله وانا الیه راجعون، ودیعه مسترد گردید و امانت پس گرفته شد لیکن

اندوه من سپری نمی‌شود و شب‌های من به بیداری خواهد گذشت تا خداوند مشیت کند و مرا در مکانی که تو در آن هستی جا بدهد (خطبه‌ی ۲۰۱ نهج‌البلاغه).

شب‌های مولا به دل‌تنگی و بیداری در فراقِ بانوی دو عالم گذشت، مونسِ شب‌هایش درختان نخل بودند که به آن‌ها می‌فرمود: ای مونسان من، پروردگار کریم در نعمت مرا بی‌همتا آفریده آنچه من داشتم ثروتی بود بالاتر از گنج‌های زمین و آسمان، گنجینه‌ام به منزلگاه رفت و من در بیابانی بدون رونق ماندم، فاطمه، جانِ من بود، اکنون من در جانِ خودم غمی را احساس می‌کنم که از فراقِ کوثر است.

عجبا، خدایا صبرِ امیر مؤمنان (ع) و رضا بودن او به مشیت پروردگار، انسان را شگفت‌زده می‌کند درحالی‌که مولا شب‌ها در فراقِ همسرش بسوزد و روزها مجبور باشد برای رضای خدا و پایداری دین اسلام صورت قاتلین او را تحمل کند درحالی‌که می‌توانست به یک اشاره همه‌ی آنان را گردن بزند.

در این روز جمعه، بیایید همان‌گونه‌ای که دعای ندبه سفارش کرده به فرزند زهرا (س) یعنی مهدی فاطمه یوسف زهرا امام، مولا و سرورمان بقیةالله ارواحنا لک فدا (عج) با اشک و فغان و ناله شکایت ببریم که مولا: دلِ ما در سوگِ مادرت زهرا به خون نشسته و سال‌ها می‌گذرد و این داغ و مصیبت قلبمان را هر سال بیشتر آتش می‌زند و پیروان قاتلین مادر گرامی‌ات، هنوز ادامه دهنده‌ی راه آنان هستند. یا منتقم ما را دریاب که صبرمان لبریز شده چون در این خانه‌ی مقدس شما هر سال بیشتر از سال قبل از شأن و مقام مادر و پدران‌تان آگاه شده و قلبمان برای حق که شما هستید مشتاق شده و دل‌تنگ می‌شود.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۶ اردیبهشت ۹۱

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)


به نام آفریننده‌ی جان‌ها، پروردگاری که جان‌های مشتاق را آیها المخلصون نامید و به همگان عرضه داشت: آنان از پلیدیِ نفس اماره در امان هستند.

کلمه‌ی مخلص به چه معناست؟ آیا در اطاعت اخلاص دارد؟ این وظیفه‌ی همگان است که از آنچه به آن‌ها فرمان داده شده اطاعت کنند. برای کشف، به اقیانوسِ رحمت الهی چنگ می‌زنیم و در قلبمان، شعله‌ی محبتِ اهل‌بیت را در سر راه قرار می‌دهیم؛ می‌خواهیم به قصص قرآن کریم سفر کنیم تا روزنه‌ای باشد برای سؤالی که مطرح شده.

پروردگار عالم در این سوره‌ی مبارکه فرموده: (سوره‌ی قصص آیه‌ی ۵۰) ﴿ پس اگر اجابت نکردند بدان که از پی هوای نفس خویش می‌روند و کیست گمراه‌تر از آن کس که بی آنکه راهنمایی از خدا خواهد از پی هوای نفس خویش رود زیرا خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند ﴾

اکنون دانستیم اخلاص قلعه‌ی مستحکمی است که راهِ نفوذِ هوای نفس را مسدود می‌کند و حاصلش جانی است که شیطان، در آن راهی ندارد پس نقابِ چهره‌ها در عمل آن‌هاست چه آن زمان که بر چهره می‌آویزند و چه وقتی که نقاب را بر می‌دارند. امروز جانِ ما بر کرسی عدالتِ قرآن کریم متوسل است تا نقاب از چهره‌ی دنیا طلبان بردارد و طبق وعده‌ی الهی، ستمکار را معرفی کند پس به خانه‌ی امیر مؤمنان می‌رویم.

چه روزِ سختی است! چهره‌ی مولایمان را در غمِ جهل مردمان تصور می‌کنیم؛ کدام غم سنگین‌تر است؟ آیا شهادت کوثر الهی و یا باورِ مکر مکارانی که در خانه‌ی حق، به دنبال باطل بودند؟ و پروردگار عالم فرمود: (آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی قصص) ﴿ چیزهایی که

به شما داده شده است، برخورداری و آرایش این زندگی دنیوی است حال آنکه آنچه نزد خداست بهتر و ماندنی‌تر است، چرا در نمی‌یابید؟ 

اینک در مقابل آینه‌ی زمان می‌نشینیم و شهادت می‌دهیم که سرور عالمیان در میدان جهاد حق، به آنچه نزد پروردگارش بود دل و جان را تسلیم نمود و راهی را پیمود که وعده‌ی خالقش بود پس آنچه این مصیبت را برای تمام زمان‌ها سنگین‌تر می‌کند همان جهل است که سایه‌ی شیطان‌اش محو نمی‌شود و همواره بر جان عاشقان خاندان نبوت می‌تازد، تازیانه‌اش آن‌چنان اثری دارد که قلب‌ها را در سینه مجروح می‌کند و جان‌ها را به باوری می‌کشاند که خود، آن را تزیین و نامش را سند دینی می‌خواند که خود آن را نگاشته است درحالی‌که سینه را باید از هجران کوثری شکافت که ام ابیها بود، دریایی که هرگز علمش را پایانی نبود پس به دریا متوسل می‌شویم و ابراز می‌داریم: ای دختر پیامبرمان و ای سیده‌ی زنان عالم بر جان سوخته از فراقتان نظری کنید تا در پرتو هدایتتان، از جهل نجات یابد و همواره جانی مشتاق که در این دوره‌ی سخت که میدان آزمایش الهی در آزمودن حق از باطل برپاست ما را از سفره‌ی احسانتان اطعام کنید تا مدافع حقی باشیم که به آن یقین داریم.

در خاتمه‌ی خطبه، به بیانات مولایمان امیر مؤمنان در غم از دست دادن سرور عالمیان متوسل می‌شویم تا مرهمی باشد بر دل مجروحمان.

(نهج البلاغه خطبه ۲۰۱)

«ای رسول‌الله (ص) سلام من و سلام دختری که در ملحق شدن به تو تسریع کرد و اینک در مجاورت تو قرار گرفته بر تو باد. ای رسول خدا، شکیبایی من اینک از دوری برگزیده‌ی تو بسیار کم است به طوری که طاقتم را از دست می‌دهم.

درد جدایی از تو ای رسول‌الله (ص) برای من بسیار سخت و طاقت فرسا بود و درحالی‌که کالبد مطهر تو روی سینه‌ی من قرار داشت روح مقدست به سوی علین پرواز کرد و من تو را در قبر نهادم با آن وصف، آن مصیبت بزرگ را تحمل کردم چون ودیعه‌ی تو نزد من بود (مقصود حضرت فاطمه‌ی زهرا است) و اینک انا لله و انا الیه

راجعون (قرآن سوره‌ی بقره) ودیعه مسترد گردید و رهینه پس گرفته شد لیکن اندوه من سپری نمی‌شود و شب‌های من به بیداری خواهد گذشت تا خداوند مشیت کند و مرا در مکانی که تو در آن هستی جا بدهد.

ای رسول‌الله اینک که دخترت به تو ملحق گردیده تو را از ظلمی که از طرف امت تو بر ما رفت، مطلع خواهد کرد و هر چه در این خصوص و از حال ما می‌خواهی کسب اطلاع کنی از او بپرس در صورتی که از زمان تو مدتی طولانی نگذشته و یاد تو از خاطره‌ها نرفته است.

من به شما دو نفر سلام می‌دهم و سلام من به هر دو از روی کمال محبت است نه از روی دل‌تنگی و اگر بعد از سلام بروم از بی‌علاقگی و ملالت نیست و اگر توقف نمایم از این جهت نمی‌باشد که نسبت به لزوم صبر و بردباری که خداوند به ما توصیه کرده است بی‌توجه هستم.»

پس ابراز می‌داریم ای مولای ما، یا علی، ما شیعیان، با تمام توانِ جانمان، از جهل گریزانیم تا شایسته‌ی عزاداری بر سرور عالم باشیم.
به امید پیروزی حق بر باطل فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ اردیبهشت ۹۱

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)

حمد و ستایش خداوند حکیم، عزیز و قهار را سزاست که پدید آورد آسمان‌ها و زمین را و گواه نگرفت کسی را بر آن. آفرید جانداران را و از کسی یاری نخواست. شریک نگرفت در معبودیت‌اش و پشتیبانی نگرفت در یگانگی‌اش.

ناتوان است زبان‌ها از وصفش و عقل‌ها از حقیقتِ کبریایی‌اش. فروتن‌اند گردن کشان در برابر شکوه و عظمتش و فرمان‌بردار است هر بزرگی در برابر بزرگی‌اش.

نیست معبودی جز خداوند یکتا. فقط اوست قابل سپاس و ستایش. زنده می‌کند و می‌میراند؛ می‌بخشد و عطا می‌کند؛ هدایت می‌کند و جزا می‌دهد.

بار الها درود فرست بر پیامبر خاتم، رسول گرامی حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش، درودی بی‌شمار و بی‌پایان. خداوندا در گشایش کارشان تعجیل بفرما؛ نابود کن دشمنانشان از انس و جن و از گذشتگان و حال و آیندگان.

«برکات پروردگار عالم آنگاه که آفرینش، در حجاب بود و رازِ جان‌ها در ملکوتشان مستور، ندای جاء الحق و زهق الباطل برخاست و زیباییِ حق، نمایان گشت و زمزمه‌ی عشق آغاز گردید؛ باطل، به فغان آمد و ابراز کرد: ای خالقِ هستی، بر آنچه آفریدی و مرا در دانشش به اطاعت وا داشتی و فرمودی بر عظمتِ خلقت سجده کنم و من سرپیچی کردم، آنگاه از حق، مأیوس شدم و به باطل، دل بستم تا مخلوقات را به دنبال خویش کشم، در این عجز و ناتوانی به فغان آمدم و در سیمایِ حق نگریستم و به یقین اعلام کردم: حق پیروز است و باطل، مانند کفی که جز راهِ نابودی، راه دیگری را نمی‌پیماید.»

بله این است اعترافات شیطان در دشمنی با انسان، انسانی که اشرف مخلوقات و خلیفه‌ی خالق بود و چیزی که موجب این اعتراف به شکست و عجز و ناتوانی شیطان گردید عملکرد خلیفگانی از خاندان پیامبر گرامی اسلام (ص) است و چه زیبا آن را

توصیف فرمود مادر هستی، سرور عالمیان، کوثر خداوند، ام ابیها، صدیقه‌ی کبری، حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) که در چنین ایامی وجود با برکت و نعمتش را خداوند تبارک و تعالی به بندگانش عطا فرمود که درود و تحیت خداوند بر او و پدر گرامی‌اش، رسول گرامی، حضرت محمد (ص) و بر همسر و فرزندان‌ش باد که ایشان کوثر خداوند منان، راست‌گو و پاکیزه، با تقوا و پسندیده، پرهیزکار و رستگار که اقیانوس علمشان بی‌کران، تقوا و عبادتشان بی‌مثال، ستم ستیز و کفر ستیز و رسوا کننده‌ی منافق بودند و هر ثانیه از حیات پر برکت و نعمتشان، هزار ماه شب قدر را معنا می‌کرد.

در این روز مبارک بهره می‌گیریم قطره‌ای از کوثر جاری ابدی ایشان را که فرمودند: «پروردگار عالم آنگاه که اراده فرمود تا مکانی به نام زمین را بیافریند، نقش‌ها اعلام اطاعت کردند و به تسبیح خالقشان پرداختند؛ گل‌ها سر از خاک بیرون آوردند؛ جوی‌ها جاری شدند و کوه‌ها در اطرافش کشیده شدند؛ اقیانوس‌ها از دلش جوشیدند؛ حیات مخلوقاتش اعلام گردید و همگی حیات یافتند و اعلام بندگی نمودند؛ روزی حیاتشان تعیین گردید؛ به آن سیر ادامه دادند تا زمانی که خلیفه‌اش بر روی آن قرار گرفت آنگاه همگی به فرمانش درآمدند و به آنچه فرمان داد گردن اطاعت نهادند مانند نوح نبی (ع) که حیات، با فرمانش به حرکت درآمد و زندگی، با او همراه شد و با او ایستاد و به همین گونه ادامه پیدا کرد. خلیفگان پروردگار عالم بر زمین سلطنت نمودند و آنان که در خدمت خلیفه بودند، در فرمانش رستگار شدند.»

ایشان همچنین در مورد لحظه‌ی قیامت چنین می‌فرمایند که: «پروردگار عالم امر می‌فرمایند، آنچه در میان پرده‌ی دنیا محصور بود از میان می‌رود؛ انرژی محصور شده آزاد می‌شود؛ جانی طاقت آن را نخواهد داشت جز به رحمت خاصه پس بی‌هوشی صور پدیدار خواهد شد؛ در آن بی‌هوشی، اندیشه‌ها به ظهور می‌رسد، اگر در اختیار اولیاء الله است که به گلستان می‌رود و اگر در اختیار شیطان نفس بوده که به وعده‌گاه تعیین شده رفته و منتظر فرمان بعدی می‌شود.»

با توجه به این سخنان گهربار و زیبا،

اولاً: متوجه می‌شویم که خداوند کریم، زمین را برای خلیفگان خود آفرید و وعده فرمود وارثان آن نیز همان‌ها هستند و کسانی به سعادت خواهند رسید که در خدمت آنان باشند.

ثانیاً: این است دریای علم حضرت فاطمه (س) که خداوند متعال به پدر بزرگوارشان، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: به تو کوثر عطا کردم. ایشان مادر انبیا و سرور عالمیان لقب گرفتند پس چگونه می‌توان باور کرد شخصیتی را که شیعیان، از روی جهل، از وجود مبارکشان ساخته و تحریف می‌کنند؛ فردی را که اینان معرفی می‌کنند در حد یک خانم عادی و شاید کمتر از آن است.

پس در می‌یابیم که تنها دشمنان اهل بیت نبودند که در مورد ایشان ستم روا داشتند بلکه ستم دوستدارانشان که به دسیسه‌ی شیطان، شأن و مقام و منزلت ایشان را تحریف نمودند کاری‌تر است. باید با این ظلم و ستم مبارزه کرد و یقین داشت چیزی که حضرت فاطمه (س) را کوثر الهی نمود، علم و مقام والای ایشان نزد خداوند کریم و پیامبر اسلام و امامان و همه‌ی پیامبران است نه افسانه‌هایی که از ایشان تعریف می‌شود.

باید عاجزانه از درگاه خداوند بخواهیم که به ما توفیق شناختن شخصیت حضرت فاطمه (س) را عطا فرماید که سعادت و رستگاری دنیا و آخرت را به دنبال خواهد داشت که خودشان در این مورد چنین فرمودند که: «فاطمه را بشناسید تا عالم الست و قیامت برایتان معنی شود.»

در این روز مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت یوسف زهرا، سرور و مولایمان، اباصالح المهدی (عج) به مناسبت میلاد گهربار یک دانه‌ی الهی، مادر گرامی‌شان حضرت زهرا (س) دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها ما را نیز فرمان‌بردار خلیفه و ولی‌ات، امام عصر (عج) قرار بده.

بار الها درود فرست بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) درودی که به واسطه‌ی آن بر قرب و مقامش نزد تو افزوده شود و ما را به خاطر دوستی ایشان از فضل و احسان و

آمرزشت بهره‌مند ساز و در ظهورِ دولتِ حقه‌ی فرزندِ گرامی‌شان امام عصر تعجیل
بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵ خرداد ۹۱

خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)

حمد و سپاس از آن خداست؛ حمد و سپاسی که شایسته‌ی اوست، بی‌شمار و بی‌پایان، با زبان گویای اولیایش، از قولِ حامدان و عارفانِ وجودش و از زبان پیامبران و فرشتگانِ تسبیح گویش. نیست معبودی جز خداوند بی‌شریک و یکتا، خداوندی که کریم‌ترین کریمان، مهربان‌ترین مهربانان، آمان دهنده‌ی ترسندگان، بهترین رفیقِ غریبان و مونس بی‌کسان، نگهدارِ گمشدگان و هدایتگرِ گمراهان است. پاک و منزّه است ذات کبریایی‌اش که تسبیح و ستایش می‌کنند همه‌ی جانداران و جامدات و گیاهان در همه‌ی طول شب و روز او را.

سلام و درود و رحمتِ خداوند تبارک و تعالی بر رسول امجد، نبی مرسل، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاک و طاهرینش باد.

برکات پروردگار کریم در پایان هر عبادتی مانند گنجینه‌ای است که یابنده‌ی آن به تماشای ضمیر خویش می‌نشیند زیرا توانسته است الفاظِ جلاله‌ای را بر زبان جاری کند که سرچشمه‌ی محبتِ خالق است بر مخلوق؛ خالق‌ی که ستایش را بر بنای نیازِ بندگانش، از درون‌های حجاب به ظاهری که نامش ذکر و دعاست استخراج نمود تا سکوتِ عالمِ زر معنا شود و الفاظ، بیانگر شوقی شود که عشاق کوی‌اش با آن به صدا درآیند و یا رب گویان ندایی را در جانشان به گوش جان بشنوند که: ای بنده‌ی من، تو را آفریدم تا زبانت مسخر قدرتی باشد که همواره تپش قلبت را در احاطه‌ی خویش دارد و آنگاه که اراده کند، ساعتِ عمر از حرکت می‌ایستد و ساعتی آغاز می‌شود که یا ربِ زبان‌ها از حجاب خارج شده و حاصلِ عملی را درو می‌کند که عمری آن را در مزرعه‌ی جان کاشته است.

بله چه زیباست توصیفِ عبادت از زبان گهربار سرور عالمیان، حضرت زهرا (س) و چه شیرین است ذکر و دعا و عبادتی که عاشقانه در این ماه رجب، مؤمنان و مشتاقان

درگاه با کرامت خداوند با اخلاص عمل به جا می‌آورند و چه شیرین‌تر است حاصل این یا رب‌ها را پس از مرگ دیدن.

در این روز که مصادف است با شهادت دهمین اختر امامت و ولایت، هدایت کننده، صابر و عادل، عالم و هادی، حضرت امام علی النقی (ع) گوشه‌ای از زندگانی پر برکت ایشان را بازگو می‌کنیم.

نام آن بزرگوار علی و لقب‌های مشهورشان نقی و هادی است. عمر شریف ایشان چهل سال بود. در نیمه ذی‌الحجه سال ۲۱۲ متولد و در سوم رجب سال ۲۵۴ به دست معتز عباسی لعنت الله مسموم و به شهادت رسیدند. مدت امامت ایشان سی و سه سال است. هفت ساله بودند که حضرت امام جواد (ع) پدر گرامی‌شان شهید شدند و امامت به ایشان منتقل گردید. سیزده سال در مدینه به سر بردند و متوکل عباسی که امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه او را شقی‌ترین خلفای عباسی به شمار آورده ایشان را جبراً به بغداد آورد. در مدت بیست سالی که وجود مبارکشان در بغداد بودند متوکل لعنت الله، هم ایشان را به زندان می‌انداخت و هم در زمانی که امام در خارج از زندان بودند نیز به آزار و اذیت ایشان می‌پرداخت.

لعنت خدا بر دشمنان اهل‌بیت که هنوز هم بر ابراز این دشمنی اصرار دارند. این کوردلان، غافل‌اند که عزت را خداوند کریم به اهل‌بیت عطا فرموده و هیچ کس توان ندارد که ذره‌ای از آن کم کند؛ ما شیعیان و دوستداران امام علی النقی (ع) از دشمنان ایشان که به ساحت مقدسشان جسارت کردند ابراز تنفر و انزجار و براءت می‌کنیم که این جسارت و توهین نیز از دسیسه‌ی شیطان و نفس پلید آن مکاران سرچشمه گرفته زیرا وجود مقدس امام هادی (ع) رهبریت منتظرین فرزند گرامی‌شان، امام حق، منجی عالم بشریت، اباصالح المهدی (عج) را عهده‌دار هستند.

در پایان چند سفارش از ایشان را بیان می‌کنیم که فرمودند: ایمان چیزی است که در دل جایگزین شده است و اعمال و گفتار و کردار، آن را تصدیق می‌کند. هر که از خدا بترسد و تقوا پیشه‌ی خود کند همه از او می‌ترسند و از او حساب می‌برند و هر کس که اطاعت خداوند کند همه از او اطاعت می‌کنند.

ما در این روز با دلی آکنده از غم و اندوه به پیشگاه امام و مولا و سرورمان، اباصالح المهدی (عج) تسلیت عرض می‌کنیم و دست به دعا بر می‌داریم که:

بار خدایا ما را با پیروی و دوستداریِ اهل‌بیت به‌میران و دشمنان ایشان را که هر روز دسیسه‌ای از کینه‌ی خود و شیطان سرچشمه می‌گیرد را عرضه می‌کنند نابود و رسوا بگردان.

بار خدایا ماه رجب را برای ما به‌واسطه‌ی ایمان و تندرستی و دین‌داری مبارک گردان.

بار خدایا شیرینی ماه رجب را برای ما با درک شعبان و رمضان کامل گردان.

بار خدایا یاری کن ما را بر روزه‌داری، شب‌زنده‌داری، نگهداری زبان، پوشاندن چشم از گناه و از روزه‌داری و عبادات بهره‌ی ما را گرسنگی و تشنگی قرار مده.

بار الها در ظهور مولا و سرورمان، امام عصر و زمان بقیة الله ارواحنا لک فدا تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۱۲ خرداد ۹۱

حمد و ستایش مخصوص خداوند کریم و رحیم است و تنها او سزاوار ستایش کردن است و ستایش، حق اوست؛ چنان ستایشی که شایسته‌ی اوست؛ ستایشی بسیار و بیرون از شمار که اوست خدایی که هنگام خلقت آسمان‌ها و زمین هیچ کس را گواه نگرفت و هنگام آفریدن مخلوقات، کمک و یاری نخواست. در الاهیت و خداوندی، بی‌شریک و در یکتایی و وحدانیت، او را پشتیبان و یآوری نیست.

درود و سلام خداوند بر حضرت محمد (ص) که خاتم پیامبران است و تمام کننده‌ی رسولان و خاندان او همگی از پاکان و پاکیزگان هستند و سلام و تحیت پروردگار کریم بر بندگان باد که به وعده‌های الهی چونان دم و بازدم خویش عمل می‌کنند و آنگاه که دمی را فرو برند، جانشان در اقیانوس محبت خالقشان فرو می‌رود تا جانانشان چه اراده‌ای کند، آیا دشمنان را برآورد و یا در سینه محبوس کند.

و سلام بر مولود مبارک و پر برکت امروز، نهمین خورشید امامت، شجاع در علم و دیانت و کمال، ابا جعفر ثانی، محمد بی علی، حضرت امام جواد الائمه (ع) که همچون پدران و فرزندان بزرگوارش در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی، همت والا داشته و در زمانه‌ای که حاکمان، با جسارت علیه سنت و اهل بیت پیامبر دشمنی می‌کردند، ایشان با عقل و درایت، در راه هدایت مردم کوشا بودند.

حضرت امام جواد (ع) در دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری در مدینه به دنیا آمدند و پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام رضا (ع)، عهده‌دار امامت شدند. مأمون عباسی بعد از به شهادت رساندن امام رضا (ع) به بغداد آمد و مقر حکومت خود را در آنجا قرار داد و چون با خبر شد که علمای دین به مدینه رفته و امام جواد (ع) را به امامت پذیرفته‌اند به هراس افتاد و امام را به بغداد احضار کرد و با حيله از او تجلیل کرد و دخترش ام الفضل را به عقد ایشان درآورد و زمانی که مأمون به هلاکت رسید معتصم

عباسی برادر مأمون، به وسیله‌ی همین زن، امام را در سن ۲۵ سالگی به شهادت رساند.
(لعنت الله علی القوم الظالمین)

عمر امام جواد (ع) گرچه کوتاه بود و غالباً در تبعید گذشت ولی باید گفت عمر با برکتی بود به طوری که در تاریخ آمده در آن زمان عده‌ای از بزرگان و علما از شهرهای مختلف به مدینه رفتند و سی هزار مسئله را در چند روز از حضرت سؤال کردند و امام بدون درنگ، جواب تمامی سؤالات را دادند.

ایشان می‌فرمودند: اعتماد به خدای متعال، بهای هر چیز گران قیمتی و نردبان برای هر جای بلندی است. عزت مؤمن، بی‌نیازی او از مردم است و همچنین می‌فرمودند: چگونه به خود واگذارده شود کسی که خدا را کفیل خود قرار داده است و چگونه نجات می‌یابد کسی که خدا در صدد اوست؟ کسی که اعتماد به غیر خدا پیدا کند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد و کسی که بدون علم، کاری را انجام دهد فساد آن بیشتر از صلاح آن است.

با توجه به زندگانی امام جواد (ع) و همه‌ی امامان معصوم، متوجه می‌شویم مردمان هواپرست و جاهل، بشریت را از چه نعمت‌های ارزشمندی محروم کردند و به این یقین می‌رسیم که خداوند کریم و مهربان برای هدایت بندگان خود، از سر رحمت چه اولیایی را خلق نموده و در قرآن کریم نسبت به قدرشناسی آنان و بهره‌گرفتن از فضایل ایشان سفارش نموده و به پیامبر خود فرموده:

﴿بگو که من از شما برای رسالت، مزدی نمی‌خواهم جز دوستی اهل‌بیت که در آن هم یقیناً سود و بهره‌ای است برای عمل‌کنندگان.﴾ اما متأسفانه نه در گذشته و نه در عصر حاضر به دو امانت پیامبر خاتم (ص) که قرآن و عترت می‌باشد توجه و عمل درست نشد و نمی‌شود، درحالی‌که جان‌عالم گویای عظمت رسالتِ آخرین رسول است و ما امت او هستیم، امتی که وظیفه‌ای جز نجاتِ حیاتش ندارد و به سفارش پیامبرش باید دامن کتاب و عترتش را بگیرد درحالی‌که امت حاضر، قرآن را تلاوت می‌کند، آیاتش را با دقت روخوانی می‌کند تا ذخیره‌ی آخرتش شود، از تمام فرصت‌های نجات

می‌گذرد، می‌خواند، حفظ می‌کند، با اقوام گذشته زندگی می‌کند، نتیجه‌ی اعمالش را در آینه‌ی تاریخ در ترازوی عقل می‌سنجد ولی خودش امتی دیگر است که در کارهای اقوام گذشته دخالتی نداشته، او نبوده، فقط شنونده است، پس خیالش راحت است، این قوم عاد و ثمود بوده‌اند که خطا کردند و ناقه‌ی حیاتشان را سر بریدند، معاویه و یزید و مأمون و امثالهم بودند که در مورد امامان ظلم کردند، آنان را زندانی و شهید کردند و مردم کوفه و مدینه بودند که امامان را یاری نکردند و همان خطا آنان را از نعمت‌های رحمت محروم کرد و به غضب الهی مبتلا شدند ولی در واقع، غضب الهی در مورد نادانی عقلی است که بزرگ آفریده شده بود ولی قادر به درک مصلحتش حتی با راهنمایی خداوند در قرآن و پیامبرش هم نبود؛ دیگر خاکِ دانا او را نمی‌پذیرفت و کارگزاران ملکوتی از دیدنش متحیر می‌شدند؛ باید آن عقل می‌رفت تا عبرتی باشد برای عقلِ سالم؛ همان‌گونه که کتاب آسمانی می‌فرماید:

﴿ آیا در احوال اقوام گذشته تعقل نمی‌کنید؟ ﴾ تعقل یعنی عقلی برتر، عقلی که بتواند آینه‌ی نور باشد در ظلماتِ جهل، پس چه شده که عقلمان دنباله رویِ جهلِ جاهلان تاریخ است و نتوانسته تا به فرموده‌ی کتاب آسمانی، آن مردم بروند و مردم دیگری بیایند؟ آیا مردم عصر حاضر مردم دیگری هستند؟ چگونه می‌شود مزدِ رسولان را بدهیم؟ مودت دروغین که مزد نمی‌شود، مودتی مزد است که مردم دیگری باشیم با عقلی برتر که امامش را بشناسد و راهش را در صراطِ مستقیم ببیند.

پس در این روز مبارک بیایید عهد ببندیم که مردمی دیگر باشیم نه از مردم عصر امامان معصوم بلکه از شیعیانِ راستین عبرت گرفته با امام عصرمان آن‌گونه باشیم که آنان بودند در غیر این صورت تکرارِ تاریخ خواهیم بود.

همچنین این روز مبارک مصادف است با میلادِ مجاهدِ شش ماهه، حضرت علی اصغر (ع) که ره شصت ساله پیمود و در کربلا حماسه‌ای جاودان آفرید و رسم و آیین اطاعت از امامت را در دفترِ زمان با خون گلوی خود نوشت و امضا کرد که متأسفانه تحریفاتی که در نهضت کربلا شده شامل رشادت و جانبازی حضرت علی اصغر (ع) نیز گردیده درحالی‌که ایشان نشان داد که آیا در امر ظهور عدالت، بچه‌ی شش ماهه

معذور از اطاعت امام است یا نه؟ این پیامی است که همه باید بدانند نه چیز دیگری که نقل مجالس ماست و به آن اندیشه نمی‌کنیم که آیا کودک حضرت ابراهیم (س) شش ماهه نبود که پیامبر با مادرش در بیابان رهایشان کرد و آنها را به خدا سپرد؟ آیا حضرت اسماعیل (ع) از تشنگی هلاک شد یا فضل الهی از زمین، شامل حالش گردید؟ پس چه شد که فرزندان پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) باید سرنوشت دیگری داشته باشند؟ چه شد که فضل خدا در مورد انبیاء دگرگون می‌شود، گاه بر یک پیامبر عادل است و بر یک پیامبر نعوذ بالله جز این است؟

باید بدانیم کربلا، نمایش عزت و بزرگی بود در پیروی از حق، در مبارزه با باطل، در ایثار و از خود گذشتگی در راه خدا؛ برای درک بهتر این موضوع روایتی را بازگو می‌کنیم.

قبل از عزیمت امام حسین (ع) به کربلا، در مکه اباعبدالله الحسین (ع) بعد از طواف کعبه، حضرت علی اصغر (ع) را از مادر می‌گیرند و در مقام حضرت ابراهیم (س) می‌گذارند و می‌فرمایند:

ای خلیل خدا، به کوچکترین سربازم قوت جهادی بده که نامش پرچم بت شکنان دهر شود و بازوی کوچکش، تبر اطاعت را حمل کند و جان چونان گلش در خون پاکش بشکفت تا زمان، گلی به زیبایی او را به یاد نیاورد. بله این است نمایش بندگی، ایثار، عشق و توانمندی در مبارزه با باطل که باید الگوی حق مداران باشد.

ما ضمن عرض تبریک و تهنیت این روز خجسته و مبارک خدمت مولا و سرورمان، امام و ولی امرمان، ابوالصالح المهدی (عج) دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها یاری فرما تا قرآن کریم را آن چنانکه اراده‌ی تو از نزول آن بوده درک و به آن عمل کنیم.

بار الها یاری فرما، مودتی با امام زمان خود داشته باشیم که صلاح ما و خشنودی تو و رسول و امام عصرمان در آن باشد.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی سرور و مولایمان، امام زمان (عج) تعجیل بفرما و ما را
جزء یاوران و شیعیان آن حضرت قرار بده.

آمین

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۵ خرداد ۹۱

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

شکر و سپاس پروردگار عالمیان را سزااست که انسان را آفرید و مقامش را بزرگ داشت؛ به‌وسیله‌ی پیامبران و اولیاء، او را به سوی خود هدایت کرد. هر که هدایت یافت بر هدایتش افزود و هر که مشتاق شد، بر قرب خود وارد کرد؛ هر که اطاعتش نمود رستگارش فرمود؛ هر که عبادتش کرد عزیزش فرمود. نیست معبودی جز خداوند با جود و کرم. خداوندی که سود بخش، روزی ده، توانا، سبب ساز، دادرس و نگهدارِ بندگان است.

بار الها درود فرست بر رسول مکرم، نبی معظم، پیامبر اعظم، حضرت محمد (ص) و بر خاندان گرامی و پاکش.

سلام و رحمت پروردگار عالم در ندای جانی است که در دم و بازدمش چراغ فروزانِ اطاعت، نهفته است تا قلبی را منور کند که آینه‌ی جلوه‌ی آیات الهی است تا حق، نام خود را بیابد و از شرِ باطل، به آستان رحمت الهی پناهنده شود سپس آنچه بماند جانی است که پروردگار عالم فرمود: آنان رستگاران‌اند.

چه زیبا و بجاست این سلام در مورد مولودِ امروز که در تمام عمر غیر از رضای الهی نفسی نکشید و قدمی برنداشت و وجودش تجلی انوار الهی و آینه‌ی تمام نمای حق بود ایشان مولود کعبه، ولی آدم، مظهر تقوا و ایمان، حکمت و عرفان، عدالت و میزان، ناطق قرآن، امیر مؤمنان، علی (ع) هستند.

از بزرگی شأن و مقام ایشان نزد خداوند کریم، زبان‌ها از توصیف قاصر و قلم‌ها در نگاشتن عاجز است و به جز شکر گذاری به درگاه خداوند کریم به‌واسطه‌ی عطای وجود گران‌قدر و بی‌قرینش در این روز به بشریت، چیزی نمی‌توان گفت.

پروردگار کریم را شاکریم که در عمرمان برکتی قرار داد تا قبل از پایان رسیدنش بتوانیم در آیات کریمه‌اش تعقل کنیم و به نعمتِ پیامبر و امامش سر شکر بر زمین

گذاریم و چند آیه از آیاتِ زیادی که شیعه و سنی اعتراف دارند این آیات در شأنِ علی (ع) نازل شده را بیان کنیم.

(آیه‌ی ۲۰۷ سوره‌ی بقره): ﴿کسی از مردم برای جستنِ خشنودی خدا جان خویش را فدا کند خدا بر این بندگان مهربان است.﴾

(آیه‌ی ۲۴۷ سوره‌ی بقره): ﴿آنان که اموال خویش را در شب و روز، در پنهان و آشکار انفاق می‌کنند اجرشان با پروردگارشان است؛ نه بیمناک می‌شوند نه غمگین.﴾

(آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی مائده): ﴿جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و همچنان که در رکوع‌اند انفاق می‌کنند.﴾

(آیه‌ی ۱۹ و ۲۰ سوره‌ی توبه): ﴿آیا آب دادن به حاجیان و عمارتِ مسجدالحرام را با کرده‌ی کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده برابر می‌دانید؟ نه نزد خدا برابر نیستند و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند و آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند در نزد خدا درجتی عظیم‌تر دارند و کامیافتگانند.﴾ این آیات، نمونه‌ای از آیاتِ کثیری است که خداوند کریم در مورد امیر مؤمنان علی (ع) فرموده.

حال امیر مؤمنان علی (ع) را از زبان گهربار پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) توصیف می‌کنیم. البته این مقدار، گوشه‌ی کمی از سخنان پیامبر (ص) در مورد ایشان است که فرمودند: من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن. یا علی، تو برادر و وصی و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من و خون تو از خون من است. تو فردای قیامت جانشین من بر حوض کوثری. تو دین مرا کامل و به وعده‌هایم وفا می‌کنی. اگر ای علی تو نبودی مؤمنان پس از من شناخته نمی‌شدند. او و من از یک شجره هستیم. هر که من مولای اویم علی نیز مولای اوست.

حال می‌خواهیم امیر مؤمنان علی (ع) را از زبان خودشان بازگو کنیم که فرمودند: آنگاه که کودک بودم پیامبر مرا در کنار خود نهاد و بر سینه‌ی خویش جا داد و در

بستر خود می‌خوابانید چنانکه تنم به تن ایشان می‌خورد و از بوی خوش خود به من می‌داد. من در همه جا با پیغمبر بودم همچنان که بچه شتر مادر خود را پیروی می‌کند او را پیروی می‌کردم و او همواره مکارم اخلاق خود را به من تلقین می‌کرد و من هم از جان و دل، آنچه می‌گفت به کار می‌بستم. من کسی هستم که با رسول خدا نور وحی و رسالت را دیدم و بوی روح بخش پیغمبری را استشمام کردم و هنگامی که وحی بر رسول خدا نازل گردید فریاد توأم با ناله‌ی شیطان را شنیدم و گفتم یا رسول الله این صدا چیست؟ پیامبر فرمود: این صدای شیطان است و چون از عبادتش نومید شد این صدا را برآورد؛ بعد فرمود: آنچه تو می‌شنوی من می‌شنوم و آنچه تو می‌بینی من می‌بینم به جز این که تو پیامبر نیستی اما وزیر و جانشین من هستی و عمل تو خیر و پسندیده است.

اکنون توصیف امیر مؤمنان علی (ع) را با فرمایشات سرور عالمیان، حضرت زهرا (س) پی می‌گیریم که چنین فرمودند: بانوی گرامی فاطمه بنت اسد، آنگاه که بار ولایت را در جانش حمل می‌کرد و متوجه شد چه کودک بزرگی را در جانش به ودیعه نهاده‌اند از پروردگار عالم تقاضا کرد تا امانت‌دار این رسالت عظیم باشد و آنگاه مهمان پیامبران الهی گردید و همه‌ی اولیا او را تکریم کردند و طفلش را در آغوش فشردند و ابراز داشتند: این پاداش احسانت به خاتم انبیا (ص) است؛ اکنون منتظر باش تا از کعبه خارج شوی آنگاه امانت را به صاحبش بسپار تا در آغوشش، به وعده‌ی پروردگار رسد و تو اولین جانی باشی که جانشین پیامبر را در جانت جای دادی. فاطمه بنت اسد امیر مؤمنان را آورد و به پیامبر تسلیم نمود و سفارش پیامبران را به محضرش اعلام کرد، از آن پس پدرم، رسول خدا (ص) همواره در مراقبت و تربیت امیر مؤمنان (ع) لحظه‌ای درنگ نکرد.

فاطمه بنت اسد می‌آمد و دستان پسر کوچکش را می‌بوسید و بر سینه می‌چسباند و به او سفارش می‌کرد همان‌گونه که خود، کنیزی وفادار برای رسول خدا (ص) بوده او غلامی مطیع و فرمان‌بر باشد و امیر مؤمنان به مادر قول می‌داد، از مادر جدا می‌شد و به آغوش پیامبر (ص) می‌رفت و سر را بر سینه‌ی مبارکش می‌گذاشت و به فاطمه بنت

اسد می‌گفت: مادر، از آمدن به خانه‌ی محمد (ص) همواره شاکر پروردگارِ کعبه هستم؛ و پدرم به فاطمه بنت اسد می‌فرمود: ای مادر خوانده‌ام، مرا تکریم کردی و عزیز داشتی، تو را به سرورت سیده‌ی زنان عالم می‌سپارم.

پس محبت، گنجینه‌ای است که بهترین هدیه‌ی الهی است پس با آن عملتان را از آتشِ قهر الهی نجات دهید تا نسیمِ رحمتی را بچشید که طعمش هرگز دگرگون نمی‌شود و آثارش محو نمی‌گردد بلکه همواره به آن افزوده می‌شود تا خود از احسانش بخورید و در سایه‌اش بنشینید و از صراط، به آسانی عبور کنید پس قلبتان را به آن بسپارید تا رستگار گردد.

در این روز مبارک همان‌گونه که حضرت فاطمه بنت اسد به واسطه‌ی خدمت و دوستی عاشقانه به پیامبر گرامی اسلام (ص) خداوند کریم بهترین‌ها را به او عطا کرد و رستگار شد ما نیز ایشان را سرمشق قرار داده و عمل‌کننده به مودتِ اهل‌بیت، مخصوصاً مولا و سرورمان، امام عصر و زمان، بقیة الله ارواحنا لک الفدا (عج) باشیم.

ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت امام عصر (عج) به مناسبت میلاد پر شکوه پدر ارجمندشان امیر مؤمنان علی (ع) و سالروز افتتاح این خانه‌ی مقدس و با برکت که کوی عشقِ عاشقان وجود مبارکشان است به نام ارجمندشان دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها ما را یاری فرما تا از شیعیان و پیروان مطیع و فرمان‌بردار امیر مؤمنان علی (ع) و فرزند گرامی‌اش امام عصر (عج) باشیم.

بار الها نام شیعه و عمل به آن را به ما عطا فرما و ما را در دنیا و آخرت با آن نام، مشهور و محشور بفرما اگر چه دشمنان را خوش نیاید.

بار الها فتنه و کینه‌ی دشمنان را از ما دفع و مکر و حيله و آزارشان را عذابشان قرار بده.

بار الها باطل را با ظهور دولت حقه‌ی امام زماغان نابود بفرما.

بار الها تو را سپاس می‌گوییم به واسطه‌ی رخصتِ قرار دادن این خانه‌ی مقدس برای هدایت و نجات بشریت، و تقاضا داریم در عمل به درس‌های گهربار آن ما را یاری فرمایید.

اللهم عجل لولیک الفرج

همچنین این روز مبارک را به پدرانِ مؤمن که در پرورش خانواده و فرزندانِ مؤمن و با تقوا کوشا هستند، تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم، مردانِ مؤمنی که در این جامعه‌ی پر از فساد و کفر، از آرمان‌ها و دین مبین اسلام و راه و شأن چهارده معصوم مخصوصاً امام عصر (عج) دفاع و در جهت هدایت گم‌کردگان راه، کوشش می‌کنند. برای پیروزی همه‌ی آن‌ها صلواتی عنایت فرمایید و همچنین برای شادی روح پدرانِ مؤمنی که از این جمع فوت شدند فاتحه‌ای قرائت بفرمایید.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۷ خرداد ۹۱

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

خطبه‌ی این روز بزرگ را با فرازهایی از دعای پر برکت ام داوود آغاز می‌کنیم.

راست فرمود خداوند جلیل و جمیل و حمید و مجید که نیست معبودی جز او و اوست زنده و پایدار، بخشنده و بردبار، گرمی و بی‌شریک. بار خدایا حمد و ستایش تو راست؛ بزرگواری و عزت و شکوه تو را سزاوار است؛ فرمانروایی آنچه در زمین و آسمان‌هاست از آن توست.

خدایا درود فرست بر ملائک و مقربین، بر انبیاء و مرسلین و حضرت محمد (ص) خاتم نبیین، بر خاندانش، درودی بی‌شمار و بی‌پایان مخصوص گردان بر آنان بر جانشینانشان و شهیدایشان، بر هدایت کنندگان و عبادت کنندگان، مؤمنین و پاکان و پاکیزگان.

بار خدایا ای معبود من و آقای من، بر خواری و فقیری و بی‌نوایی‌ام دل بسوزان؛ منم دل شکسته و هراسان، بیچاره و بی‌پناه، دل سوخته و اندوهگین که به درگاه با جود و سخا و با کرامت چشم دوخته و پناهنده شده. از تو درخواست می‌کنم به احترام این ماه حرام و مسجدالحرام و رکن و مقام که باز کنی درهای احسانت را، بیامرزی گناهانم را، برطرف کنی سختی و مشکلاتم را، گوارا و شیرین کنی بر من عبادتم را، دور کنی از من فتنه‌ی زمانه و دشمنانم را، خوار کنی ستمگران و حیل‌های کافران را، جدایی نیندازی میان من و فرمان‌برداری کردنت را.

بار الها زمان و مکانِ اجابت دعاهایم را نزدیک و آسان گردان برآورده شدنشان را.

آمین

سلام بر آتشی آنگاه که فروزان شد، از درونش ندای عشق به ملکوتِ عالمِ زبانه کشید و پاسخی آمد و فرمود: ای عبد من، به آغوشم بنگر و به راهی که تو را بر فرازِ محبتم بر آن جاده‌ی نور، هدایت خواهم نمود تا گوشت و پوستِ جانِ مادیات به فغان آید و معترف شود که ای وای بر شعله‌ی فروزانی که جانم را در محبتش آن‌چنان سوزاند که به فغان آمدم که ای پروردگارم به ستمی که بر خود کردم ترحم کن تا بار دیگر در پیشگاهت به آنچه به من ارزانی فرموده بودی بایستم تا فرشتگانت مرا در تاجِ خلیفگی‌ام ببینند و آنگاه گواهی دهند که با علمِ این عشق، بیگانه هستند و درک آنچه در مقابلشان است را ندارند و من درحالی‌که جان شیفته‌ام را در قالبِ بندگی‌ات متلاشی نموده‌ام به تمنا بگویم به من بنگرید که من ذره‌ای هستم که به محبتِ خالقم محتاجم.

بله، حضرت آدم (ع) با فرزندانش، آنانی که عشق و بندگی را در قالب خلیفگی، در دنیا به نمایش گذاشتند و از این عشق، هر لحظه سوختند و از هجران، ناله‌ها سر دادند و برای رهایی از زندانِ دنیا لحظه شماری کردند و برای رسیدن به قرب الهی، جان و مال و فرزند را فدا کرده و سخت‌ترین مصیبت‌ها و دشواری‌ها را همچون کوهی استوار تحمل کردند. در قیامت همه‌ی ملائک و جنیان را با اشتیاق، به سجده در می‌آورند؛ از جمله‌ی این خلیفگان، حضرت زینب کبری (س) هستند که قلب مهربانشان، اقیانوسِ مهر را به برهوت تبدیل می‌کرد، عشقشان در بندگی، آتش‌فشان‌ها را به خاموشی مبدل می‌کرد و همین عشق بود که بر همه‌ی عواطف خواهری و مادری پیروز شد و آن همه مصیبت و غم و اندوه را همچون کوهی مرتفع و سربلند تحمل نمود.

چگونه می‌شود درباره‌ی حضرت زینب (س) گفت؟ کلماتی نیست تا او را توصیف کند و عقل و باوری نیست تا او را درک کند. حَقاً که دختریِ امیر مؤمنان و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) شایسته و برازنده‌ی اوست و بس؛ کسی که برادران و برادرزادگان و فرزندان و همه‌ی بنی‌هاشم از مهر و عطوفت او سیراب می‌شدند و او را برای خود عزیزتر از مادر می‌دانستند.

باید باور کرد و یقین داشت که قلب حضرت زینب (س) از عجایب خلقت است؛ درحالی که به لطافت گلبرگ گل بود، برای رضایت الهی چنان محکم می شد که فولاد را شرمنده می کرد. باید حضرت زینب (س) را شناخت و به او عشق ورزید همان گونه که مادر گرامی شان فرمود: عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت پس حقیقت خلقت او رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود است.

حضرت زینب کبری (س) که تربیت یافته در مکتب امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) هستند پس از نهضت عاشورا با مردم مدینه در مورد حال خود چنین سخن گفتند که:

«ای مردم مدینه، تربیت فرزندان در خاندان نبوت، ریشه از اصل آفرینش دارد و همراه شدن من و فرزندانم و برادرم و برادرزاده هایم در سفری که در آن با کفر و زشتی مبارزه کردیم و توانستیم تا لحظاتی را برای خودمان جاودانه کنیم که حرارت حق را در وجودمان احساس کنیم و شمشیر را بر فرق باطل بکوبیم. من هنگامی که سر خونین پدرم امیر مؤمنان را در آغوش گرفتم چشمان خود را گشود و فرمود: زینب جان، تو را برای تحمل مصائبی تربیت کردم که تحملش برای عموم مردم سخت است پس منتظرم تا دست پرورده ی خویش را در جامه ی عزت ببینم.

پیشانی پدر را بوسیدم و خود را آماده ی پذیرش مسئولیت های بزرگی کردم، آنچه داشتم را در اطاعت الهی قرار دادم و در کنار برادرانم آشیانه ی وحی الهی را به محل مبارزه با شیطان های نفس مبدل کردم و عمرم را در آنچه به من سپرده شده بود سپری کردم و در حماسه ی عاشورا دیدم از ناباوری های رسالت جدم و دلم زخم خورد بیشتر از زخمی که شهدا برداشتند، زخم آنان با استقبال جدم رسول خدا التیام یافت ولی زخم های من را کسی مرهمی نگذاشت».

حال در این روز بزرگ ما نیز به دامن بانو و سرور عالم امکان حضرت زینب (س) چنگ می زنیم و با ناله ای که زمان، شاهد آن است تمنا می کنیم که: ای ریشه ی نبوت، شما را پرچم دار کاروانی می بینیم که مصیبتش، جهل جاهلان بود. ای دخت امیر مؤمنان، تنهایی و غربتمان، رmqمان را برده؛ ای دخت پیامبر (ص)، شما شاهد زمان ما هستید

پس به فریاد امت جدتان برسید که امامشان را دوست دارند و یادش را فراموش می‌کنند، اگر کیسه‌ی زری بیابند شمشیر را به طرفش نشانه می‌روند و مانند نمرود، تیر را به آسمان جهلشان می‌اندازند تا خورشید را هدف قرار دهند غافل از اینکه خود را خاموش می‌کنند چون مولا و سرورمان صاحب عصر و زمان با وعده‌ی خدا، جاء الحق و زهق الباطل هستند اگر چه باطلان را خوش نیاید.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به حرمت بانوی مکرم، حضرت زینب (س) ما را حق بین و حق مدار و حق گو، قرار بده.

بار الها ما را در جهاد با نفس، پیروز کن و صبر و استواری حضرت زینب (س) را الگوی ما قرار بده.

بار الها در ظهور دولت حقه امام زمان (عج) که آرزوی همه‌ی حق مداران مخصوصاً عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب (س) بود تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ خرداد ۹۱

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس، پروردگار کریم را سزاست. خداوندی که هیچ کس، در هیچ حالی، نمی‌تواند به حدّ کمال، شکر و سپاس او را بجا آورد. چون شکرِ بندگان نیز نعمت و احسان اوست پس بر آن نیز شکری واجب است. هر کس هر قدر هم در طاعتش بکوشد باز هم در مقابل آنچه شایسته‌ی فضل اوست، اندک است پس سپاسگزارترین بندگان از شکرش عاجز و عابدترین ایشان در طاعتش ناتوان، پس هر که را بیامرزد از کرم و احسان است و خشنودی‌اش از بندگان، از مهربانی و فضل اوست.

پس خدایا تو را حمد و ستایش می‌کنیم بر آنچه از نعمت‌های عالم که به ما عطا فرمودی آن‌چنان حمد و سپاسی که حمدِ تمام ستایش‌کنندگانِ عالم را پشت سر گزارد و از آن هم فزون‌تر باشد و زمین و آسمانِ تو را مملو از حمدِ حضرتت سازد. خدایا همانا تویی که بر ما منت داری و نعمت‌های بزرگی را به ما عنایت کردی و ما را به وسیله‌ی اولیاء و برگزیدگان‌ت هدایت فرمودی و سعادت بخشیدی که امتِ آخرین ایشان، یعنی خاتم انبیا و افضل اوصیاء حضرت محمد مصطفی (ص) باشیم و باز، عزت ما را افزودی که دوستدارِ اهل‌بیت و فرزندانِ طاهرینش باشیم، نه از دشمنان و بد خواهان آن‌ها و نه از کفران نعمت‌کنندگان.

سلام و برکات الهی در دو عالم، عالم ظاهر و عالم باطن که باعث رشد و نمو آفریده‌های خویش است، آنانی از این برکات برخوردارند که جرقه‌های اتصال را در جان‌هایشان افروخته‌اند و لحظه‌ای را بدون یادِ پروردگارشان نگذرانند.

خدایا ما امروز به درگاهت، به واسطه‌ی یکی از این برکات رو آورده و امید داریم در دنیا و آخرت به آبروی او ما را آبرومند سازی که او ولی تو، فرزند ولی‌ات، حجت تو، فرزندِ حجت، صفی تو، فرزند برگزیده‌ات، امین تو فرزند امینت و نور تو در تاریکی‌های زمین است یعنی امام موسی کاظم (ع).

سلام بر شما ای امام هدایت، صاحب علم دیانت و تقوی، خزانه دار دانش پیامبران، معدن وحی و صاحب علم یقین. امام شایسته، عابد و زاهد، مولای ما موسی بن جعفر (ع)، رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

خواهران و برادران همان گونه ای که می دانید با انتخاب امیر مؤمنان علی علیه السلام و امامان بعد از او در غدیر به عنوان جانشین پیامبر، تمام امیدهای منافقین در برگرداندن عقاید دوره ی جاهلیت و از بین بردن دین اسلام بعد از پیامبر به یأس تبدیل شد، در نتیجه، آنان چاره ی کار را در فریب مسلمانان سست عنصر و جاه طلب دیدند و به ظاهر، موفق هم شدند ولی غافل از اینکه کسی را توان آن نیست که مانع اراده ی خداوند توانا شود چون امیر مؤمنان و امامان بعد از ایشان نسبت به افشاگری و هدایت مردم، همت فراوان داشتند در نتیجه یکی بعد از دیگری تبعید و زندانی و شهید شدند ولی در همه حال از آنان ضربه خوردند و ترسیدند که نمونه اش، امام موسی کاظم (ع) است که هارون عباسی با وجود اینکه سالها ایشان را در زندان نگهداری می کرد ولی باز هم از امام می ترسید و این ترس به قدری بود که در زندان، ایشان را مسموم و شهید کرد چون امام و امامت را نمی شناخت و تصور می کرد که می تواند خورشید را در سیاه چال، زندانی کند و فرموده ی خداوند کریم را در قرآن که فرموده: اینها غافلاند، می خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند را نفهمید. لعنت الله علی قوم الظالمین.

امام موسی کاظم (ع) همچون پدران پاک و نیاکان خود، بر آزارها شکیبا بود، آنچه از جانب خدا به عهده داشت به خوبی انجام داد. برای مردم، احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می کرد و عالم و عادل و صادق بود و با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کرد و شهید شد.

در این روز بزرگ دست به دعا بر می داریم که:

بار الها ما را از پیروان فضایل اخلاقی و توحیدی و عبادی امام موسی کاظم (ع) قرار بده.

بار الها امام موسى بن جعفر (ع) سالها زندان را تحمل کرد که به ما راه و رسم زندگی بیاموزد پس یاری فرما که این تعلیمات را به درستی درک کرده و به آن عمل کنیم.

بار الها در ظهور انتقام گیرنده‌ی راه و خونِ امامان و افشا کننده‌ی شخصیت واقعی آنان، امام زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید مبعث

۲۹ خرداد ۹۱

حمدِ مخلوقات عالم بر آستان کبریایی خالقِ باد که از مهر بی‌پایانش چشمه‌ی هدایت را جوشاند و بر سرچشمه‌ی لطفش، پیامبران را هادیِ انسان‌ها نام نهاد تا با هدایتشان جان فرو افتاده از ملکوت را بر سرمنزلِ عافیت رهنمون شوند و سلام جانشینانشان، بر آنان باد و بر عزم ملکوتی‌شان که همواره جانِ مبارکشانشان را، ندای نجاتِ انسان‌های در بندِ نفس اماره کردند تا جوهره‌ی وجودی‌شان متبلور شود و از ظلمت، به نور، هدایت شوند.

اکنون آخرین جمعه‌ی ماه رجب است. جمعه‌ای که عالم، در نجوای عاشقانه، صورتِ اطاعت بر آستان کبریایی پروردگارش نهاده تا شکر گذارِ نعمتی باشد که اسرارِ کتاب مبین را از درگاه پر شکوهِ ملکوت، بر سینه‌ی پیامبرش نازل فرمود.

چه مبارک سحری بود آن دقایق که ضربانِ حیات، در جان مبارک آخرین رسول الهی بانگ جاویدِ جاء الحق را نواخت و آنگاه باطل، بر روی در افتاد و عجز و ناتوانی‌اش را اعلام کرد؛ آسمان به نم نم اشکی متبرک شد و زمین به ناله‌ای اعلامِ آمادگی کرد؛ ستارگان در درخشششان بر یکدیگر پیشی گرفتند و ماه، نور لرزانش را بر شکاف غار متمرکز کرد تا از نعمت پروردگارش بی‌نصیب نماند؛ آنگاه آسمان شکافت و از وسط دو نیم شد؛ فرشته‌ی وحی، دو بالِ خود را بر کناره‌ی آن نهاد و نامِ جاوید آخرین پیامبر الهی را خواند: ای محمد، به آسمان بنگر و آنچه را که به جانت القا می‌شود را بخوان و پیامبر خواند؛ همه‌ی آفرینش بر او درود فرستاد و جانِ جهان، منور به نزولِ وحی شد. تاریکیِ سحر به سفیدی صبح بدل شد و خورشید، با اشتیاق از مشرق طلوع کرد. درخشش تاج رسالت، بر سرِ آخرین مأمور الهی چونان گنجی بود که همه در تماشایش بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند و روز آغاز شد؛ چه روز زیبایی! چه جمعه‌ی مطهری! هوایش هوای زمین نیست بلکه منور به نزولِ برکاتی است که از الطاف و احسانِ خالقش جانش منور است. قرآن آمد و خود را مولودی مبارک نامید و معجزه‌ای که

دریای علم و رحمتش را پایانی نیست؛ جهان، همواره بر عظمتش معترف است و از درکِ علمش عاجز؛ پروردگار عالم، خود را حامی‌اش معرفی فرمود و جانِ عزیزش را در حمایتِ خویش گرفت و دست ناپاکان را از ساحت مقدسش دور نمود و همواره جلالتش را بر دوران‌ها حاکم گردانید تا عاشقانِ کوی‌اش از آستان پر عظمتش جانِ بی‌رمقشان را زنده کنند و از مرگی که نامش جهل است برهند.

پس پیامبر برگزیده شد تا معجزه‌ی خویش را از ریشه‌ی جانش بیرون آرد و بر امتش عرضه دارد. افسوس که دنیای افسون شده‌ی نفس اماره، با هزاران آب و رنگِ دست‌ساز بشر، به میدان آمد و گنجِ بی‌پایانش را از سینه‌ها تهی کرد، بر جلالتِ ظاهری‌اش افزود و از عملِ باطنی‌اش کم کرد تا آن را همان‌گونه که پیامبر (ص) معترف آن است که «ای وای بر امت من که قرآن را مهجور کرد» امت‌هایی که در رسالتِ پیامبر آمدند و رفتند و اینک ما مدعیانِ مبعث، دور یکدیگر جمع شده‌ایم تا روز مبارکش را چونان منظره‌ای بر جانِ بی‌رمقمان بخورانیم و چشم بر احسانش بدوزیم و از درگاه کبریایی‌اش تمنا کنیم و بگوییم که ما امتِ غریبی هستیم که حرف دلمان را در قالب اشک و دعا بر پروردگاران عرضه می‌کنیم؛ دست بر سینه‌ی مجروحمان می‌گذاریم که مشتاقِ دولتِ آخرین وصیِ رسولمان است و همان‌گونه که امامان در دعای کمیل فرمودند اسلحه‌ای جز اشک نداریم پس بر سر راه این سیلاب می‌نشینیم تا خورشیدِ مبعث، تاج رسالت را بر سر آخرین وصی رسولمان مژده دهد تا جهان، با انوارِ قرآن ناطق، از جهل نجات یابد و انوارِ جاء الحق متجلی گردد.

پس با صدایی متفاوت با هر روزِ دیگر می‌گوییم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

۳ تیر ۹۱

حمد و مدح و ثنا خداوندِ رحمان و رحیم را سزااست؛ خداوندی که مثل و مانندی ندارد و یکتا و بی‌همتاست؛ خداوندی که صاحبِ نعمت‌های گسترده و رحمتِ فراوان، بخشاینده و کریم، عذر پذیر و پرده پوش، دانا و حکیم، جبار و مهربان، دادرس و نگهدار، شفابخش و عزیز است. نیست معبودی شایسته‌ی ستایش، جز ذات کبرایی او. سلام و صلوات خداوندِ سبحان بر پیامبر خاتم، رسول اکرم، حضرت محمد (ص) و بر خاندانش که روشنایی راه هدایت و رستگاری بودند.

سلام بر لحظه‌های با برکتی که آمدنشان نوید است و رفتنشان نجات، نجات از مرگی که بستر را نمی‌شناسد؛ بسترش، جانی پر معماست که زنده بودنش را یحیی خوانده‌اند و مردنش را یُمیت، یُمیتی که یحیی را به دنبال دارد تا مرگ را در زنده بودنش در اسارت گیرد، بندهایش را محکم ببندد و زندانش را نگشاید تا طعم زندگی ابدی را دریابد.

سلام بر سرور و سالار شهیدان، اسوه‌ی شجاعت و تقوا، آزادگی و جهاد، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) که امشب، زمین و آسمان به برکتِ قدوم مبارکش پر از نور و شادمانی است. چه شب بزرگی است و چه مولودی که همه‌ی بشریت و فرشتگان را متحیر نمود. امام حسین (ع) کیست که عقل‌ها را می‌برد، جان‌ها را به تپش می‌اندازد و سینه‌ها با تکرارِ اسمش هر لحظه در حالتِ انفجار احساسات قرار می‌گیرد؟ آیا می‌تواند قلبی با شنیدن نامش بی‌تفاوت باشد؟ نه، حتی اگر مسلمان هم نباشد، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد چون امام حسین (ع) ایمان و مردانگی و حریت و استواری و حق را معنا کرد و با رهنمودهایش همواره انقلابِ انسان بودن را در مکتبش تدریس نمود و دل‌های مرده را با ضربه‌ای، آن‌چنان احیا نمود که داستانی شد عبرت آموز.

در این شب، یکی از مناجات‌های ایشان را می‌خوانیم تا پی به بزرگی و وسعتِ ایمان و عشقِ امام حسین (ع) به خداوند را شاید دریابیم که فرمودند «ای آفریننده‌ی

هستی، به آنچه که آفریدی نظر کردم و بزرگی خلقت تو را در همه‌ی آنها دیدم و به یقین رسیدم و بعد به ظاهر مردم نگاه کردم، هیچ‌گونه جای سؤالی در تکاملِ ظاهری آنها ندیدم و وقتی به باطن آنها توجه کردم، عظمتِ انوار روح را در آنها کاملاً مشاهده نمودم و هیچ‌گونه جای سؤالی در باطن آنها نیافتم پس آنچه که به‌عنوان خلیفه آفریدی بدون نقص و در تکاملِ آفرینش، غیرقابل وصف است ولی ای آفریننده‌ی جانم، تمام تلاشِ آنچه که به‌عنوان مأمور انتخاب کردید، برای معرفی این تکاملِ گذشت و هرگز هیچ کدام نتوانستند جز اندکی از مردم را به وجود بزرگی خود آگاه کنند. اکنون من با تو ای پروردگار، عهدی می‌بندم که تمام تلاش خودم را همچون پدرانم در تحقق این امر انجام دهم» امام حسین (ع) این وعده‌ی خود را حَقاً به مرحله‌ی اجرا گذاشت پس سلام بر اقیانوس مهر و گذشت و سلام بر سرور کائنات.

خواهران و برادران، امشب ما در این خانه‌ی عشق جمع شده‌ایم که به غیر از جشنِ مولودیِ امام حسین (ع) میلادِ فرزندشان، سید ساجدین، زینت عابدین، مرد مناجات، معلمِ مکارمِ اخلاق و دعا، امام علی بن حسین (ع) را نیز جشن بگیریم.

امام سجاد بعد از واقعه‌ی عاشورا، با همراهی بانوی بزرگوار، حضرت زینب (س) چنان از راه و قیامِ امام حسین (ع) دفاع نمود که یزید و کارگزارانش رسوا شدند و در آن زمانه‌ی خفقان به‌وسیله‌ی صحیفه‌ی سجادیه در قالب دعا و مناجات، نسبت به تربیت و آگاهی شیعیان، همت گماشتند. امام سجاد (ع) صحیفه‌ی سجادیه را به جهان عرضه داشت؛ صحیفه‌ای که مانند آن نیامده و نخواهد آمد؛ صحیفه‌ای که در ضمن دعا، معارف اسلام و اخلاقِ اسلامی اهل‌بیت، اجتماعات اسلام، حقانیت شیعه، حقانیت اهل‌بیت، انتقاد از ظلم و ظالم، سفارش به حق و حقیقت و بالاخره یک دوره معارف اسلامی را آموزش می‌دهد. صحیفه‌ای که محققین، اسم آن را اخت‌القرآن و زبور آل محمد (ص) نهاده‌اند. امام سجاد به غیر از صحیفه، سخنان بسیار بزرگ و زیبایی در تربیت شیعیان دارد که فرمودند: «ای یاران من و ای برادران، مواظبِ خانه‌ی آخرت باشید؛ من سفارش دنیای شما را نمی‌کنم زیرا شما حریص هستید و به آن چنگ زده‌اید؛ آیا نشنیده‌اید که حضرت عیسی (ع) به حواریون می‌گفت: دنیا پل است، از روی آن

بگذرید و به تعمیرش پردازید. چه کسی روی موج آب، خانه می‌سازد؟ موج دریا این دنیا است، به آن دل‌بستگی نداشته باشید». این است امامت، زمانی با شمشیر و زمانی دیگر با دعا و علم خود به تیزی شمشیر بر سر باطل می‌کوبد. در این شب، جشن مولود دیگری که اسوه‌ی شجاعت و تقوا، رشادت و ایمان، استواری و وفاداری در پیمان و اطاعت‌گر واقعی امام عصر خود، قمر منیر بنی‌هاشم، حضرت ابوالفضل العباس را نیز جشن می‌گیریم.

از شخصیت‌والای ایشان که در پس پرده‌ی مشکی آب پنهان کرده‌اند، چند کلمه‌ای را بیان می‌کنیم:

ایشان پرورش یافته در مکتب پدر بزرگوارش امیر مؤمنان (ع) و برادرانش امام حسن و امام حسین (ع) و بانو حضرت زینب کبری (س) بود. از کودکی در ادب و کمال، بی‌نظیر بود چنانچه ایشان تعریف فرمودند که: «من هرگز به خانه‌ی خودمان، یعنی خانه‌ی امیر مؤمنان، بدون برادرانم داخل نمی‌شدم، اگر آن‌ها نبودند در بیرون در می‌نشستم تا آن‌ها بیایند و شفاعتشان مرا به داخل خانه ببرد. یک بار ساعت‌ها منتظر شده بودم و پشت در خوابم برد، پدرم امیر مؤمنان (ع) مرا روی زانوی مبارکش نشاند و فرمود: رسول خدا (ص) بارها دست مبارکش را بر سینه‌ی پر جلالتش گذاشت و به اهل این خانه سلام گفت و اهل خانه، سجده‌ی شکر نمودند که اهل بیت خاتم رسولان هستند و اینک تو منتظر امامت هستی تا تو را وارد خانه‌ای کند که فاطمه (س) در آن، به دنیای خاکی نظر فرمود پس با امامت داخل شو؛ من همراه پدر وارد خانه شدم و آرزو کردم تا یک روز که وارد خانه شدم، مادرم حضرت زهرا (س) را ببینم».

بله به واسطه‌ی این ادب و دانش و ایمان و احترام و پیروی از امامت بود که ایشان، لقب ابوالفضل گرفتند، یعنی پدر کمال و دانش، ولی چه شد که شیعه از ابوالفضل افسانه‌ای غیر او ساخت و هر روز با حضرت عباس بیگانه‌تر شد؟ فقط یاد گرفته که صدا بزند یا ابوالفضل، پدر فضیلت، کدام فضیلت؟ آیا می‌تواند درکش کند؟ یا فضیلت ابوالفضل را در افسانه‌های ساختگی ذهنش به تماشا ایستاده تا شیطان، فضیلت را برایش معنا کند و او را در آینه‌ی روحش، قهرمانی تصور کند که می‌تواند چونان

پهلوانان و قهرمان از میان تیغ‌های برکشیده، به طرف هدفش که هدفی کودکانه است بتازد و جانِ گرمی‌اش را در مشکی آب از دست بدهد تا افسانه‌ی ذهنِ گروهی باشد که اطاعت را در برآوردنِ حوائج زنان و کودکانی که از فرطِ نیاز، او را صدا می‌زدند و پروردگار کریم را فراموش کرده بودند باشد؟ پس باید گفت، وای بر احوالِ شیعیان و دوستدارانِ خاندانِ نبوت، چه قدر بیگانه با شخصیتِ واقعیِ آن‌ها هستند.

باید در این روزها و شب‌های مبارک، در عمل و افکار خود تجدید نظر کنیم و راه و رسمِ اطاعت از امامت را از حضرت ابوالفضل العباس و دیگر یاران امام حسین (ع) بیاموزیم.

خداوند را شاکریم که با وجود ناسپاسی‌مان، درِ رحمتِ خود را در شناختِ حق از باطل، برویمان باز نمود که در این خانه‌ی عشق که متعلق به فرزندِ خلف امام حسین (ع)، برپا کننده‌ی پرچمِ حق، منجیِ عالم بشریت، سرور و مولایمان، ابوالفضل المهدی (عج) است دور هم جمع شویم و پروردگار کریم را شاکر باشیم در زمانی به دنیا آمدیم که در عدالتِ امام زمان (عج) قرار گرفتیم و منتظرِ امامی هستیم که نامش، قلبمان را به طرفِ دولتی متوجه می‌سازد که باطل‌های دروغین، نقاب از چهره بر می‌دارند و باطنشان آشکار می‌شود، حجاب‌های چهره‌های باطل فرو می‌افتد و انوارِ امامت ظاهر می‌گردد.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها به حرمت این سه مولد مبارک، ما را در شناخت حق و باطل که همان شناختِ امامت و دشمنان امامت است یاری فرما.

بار الها یاری فرما که در اطاعت از امام زمائمان، زندگی و عملکرد یاران امام حسین (ع) را سرمشق قرار دهیم.

بار الها در دولتِ حقه‌ی عشق، تقوا و عدالتِ امام زمائمان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۵ تیر ۹۱

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

سلام بر آستان قدرتمند خالق توانا که هر چه را اراده کرد امر به موجودیت فرمود و او موجود شد، زنده شد تا تپش قلبش را در عشقِ به خالقش معنا کند پس صورت اطاعتش را بر آستان کبریایی‌اش نهاد تا نامش را بیابد؛ او را بنده خواندند و لاله‌ی گوشش را به آن حلقه آراستند و لباسِ عزت را بر جان عاشقش پوشاندند و آنگاه به ضیافتی با شکوه مهمانش کردند؛ ساعت ضیافت آشکار شد و پروردگار عالم فرمود: (آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی مبارکه احزاب): ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، درحالی‌که (قبل از موعد نیاید و) در انتظارِ وقت غذا ننشینید اما هنگامی‌که دعوت شدید داخل شوید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت ننشینید این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید ولی از شما شرم می‌کند و (چیزی نمی‌گوید) اما خداوند از (بیان) حق، شرم ندارد! ﴿

و مهمانانی که از این امر اطاعت نمی‌کنند بر آزار رسولشان می‌کوشند و همان‌گونه که پروردگار عالم می‌فرماید: «خدا از گفتن حق، شرم ندارد.» آیا به طعامی که در مقابلمان می‌گذارند نگریسته‌ایم؟ در داخل این طعام چیست؟ آذوقه‌ی زمینی است یا انوارِ آسمانی؟ شکم‌هایی که عادت به خوردن پیشکشی‌های باطل دارد ضیافت برایش حکم وقت‌گذرانی و سرگرمی در ساعات آن ضیافت است پس می‌آید و برای سرگرمی سخن آغاز می‌کند؛ نام ملکوتیان را در ظرفِ جان‌ش به هوسی می‌آراید که خود آن را می‌پسندد و برایش نوای عشق سر می‌دهد؛ پیامبر (ص) به تماشا می‌نشینند؛ ای وای بر امتی که مانند گوساله پرستان امت موسی بر گرد ساخته‌ی ذهنشان می‌چرخند و جواهرات وجودشان را در آتشِ گداخته ذوب می‌کنند تا نماد خودپرستی را معنا کنند. چه شده که پرچم اسلام در آتش عشقی می‌سوزد که عاشقانِ نامش مدعیانی هستند که آتش امیالشان پرده بر حقیقتِ هدایتش انداخته و آن را در بازار داد و ستد به

بهای پای اندک واگذارده است پس به انتظار عدالت نشسته و برای آمدنش پای کوبی می‌کند؛ عدالت می‌آید و ریسمانش نرم‌تر از اشکی که در چشم منتظران واقعی است بر دست و پای منافقان و مستکبران می‌پیچد تا لطافتش چونان رحمت الهی، جانشان را در افسوس افسانه‌های خیالشان به آتش حسرت بدل نماید، درحالی‌که گوش‌هایشان به نوای حق آذین شود، پاهایشان در رفتن به انکار افتد و زبانشان در اعتراف به کام بچسبد و بر جای خویش بخشکند و آثارشان نمادی از عشقی دروغین را ترسیم کند.

چه شب با برکتی است شبی که رسول خدا (ص) آن شب را بابِ رحمت الهی معرفی فرمود و دست رحمتش را بر آسمان لطف پروردگار عالم بلند کرد و فرمود:

«یا رب! در کرانه‌ی رحمت ستاره‌ای را می‌بینم که بر قلبم نور افشانی می‌کند و مرا به نام می‌خواند و می‌گوید: ای رسول خدا! به من بنگر؛ می‌آیم تا زمان رسالت را تا قیامت جاودانه کنم و وصی دینت باشم و حامی امت، آیا مرا به آغوش می‌پذیری؟ و من (رسول خدا) پاسخ می‌دهم: به آغوشم بیا تا بار دیگر عظمت نزول را تماشا کنم و آن را به سینه‌ی پر رمز و رازم بفشارم.» و آن شب با برکت به صبحی مبارک متصل می‌شود و امانت رسالت قدم بر جهانِ خاکی می‌گذارد؛ جاء الحق طنین انداز می‌شود و به برکت آمدنش باطل‌ها می‌رود و ۱۵ شعبان در جمال ملکوتی‌اش تا ابد منادی حق می‌گردد.

اینک در این ساعات روحانی به خانه‌ی مولایمان آمده‌ایم تا حقیقت وجودشان را در شادی ساعتِ عمرمان جاودانه کنیم و از سفره‌ی گسترده‌ی رحمتش لقمه‌ای تناول کنیم که جان سوخته از هجرانشان را با طعمش به ملکوتِ رحمت الهی پیوند بزنیم و باز با صبری جمیل فریاد بزنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ تیر ۹۱

خطبه‌ی شب اول رمضان

حمد و ستایش خداوند کریم و رحیم و رحمان را سزااست که ما را به ستایش خود و برخورداری از رحمانیتش راهنمایی فرمود تا از سپاسگزاران و شکر کنندگان لطف و احسان او باشیم که نجات و سعادت ابدی را در پی خواهد داشت و برای رسیدن به خشنودی‌اش راه‌ها و مکان‌ها و زمان‌هایی را قرار داد که بندگان با درک و عملش زودتر به مقصد برسند از جمله آن زمان‌ها را، ماه مبارک رمضان، ماه روزه، ماه اسلام، ماه پاک شدن، ماه بپا خاستن، ماه توبه، ماه استواری قرار داد که وسیله‌ای باشد برای خودآزمایی، غبار رومی از نفس لوامه، سرکوبی نفس اماره و خودشناسی و تقویت ایمان و توحید برای آنانی که طالب نجات خویش هستند.

پس برکات الهی در ساعاتی است که چونان گنجینه‌ای جان‌ها را در احاطه‌ی خود می‌گیرد تا دقیقه‌ها به مخزن اسرار متصل شود آنگاه منادی ندا دهد: ای بندگان، برخیزید که محشر عشق آغاز گردید؛ جسمتان را در گورِ نفس بخوابانید تا جانی زنده شود که طعامش انواری است که صندوقچه‌ی جان را می‌گشاید و حدیثِ جان‌ش را تلاوت می‌کند؛ با اشتیاق، به خطوطش می‌نگرد تا رمز قفل را بیابد آنگاه در قفل جان‌ش بچرخاند تا خزائن جان‌ش استخراج شود، با ثروتش ماهی را به پایان برساند که نامش رمزِ جان است.

چه زیباست فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در مورد امشب و این ماه، پس باید سعی کنیم گوش شنوا پیدا کنیم تا مزده‌ی منادی پروردگار را در این شب که شروع محشر عشق را مزده می‌دهد بشنویم و تلاش کنیم که رمز این ماه را پیدا کنیم و با آن، صندوقچه‌ی جانمان را بگشاییم و کتاب وجودمان که با انوار عشق به الله نوشته شده را بخوانیم و برای تمام عمر، عاشق و سرمست او باشیم و ماه رمضان یکی از نشانه‌های قدرت خداوندی است که در ذات انسان‌ها نهاده شده است ولی افسوس که حتی معنی آن را درک نمی‌کنند و برای رضای الهی از اوامر پروردگار کریم اطاعت

می‌کنند و همه می‌توانند این اطاعتِ ظاهری را ببینند؛ پس سجده‌ی شکر کنید که ماهی را درک می‌کنید که در آن از لذت‌های جسمانی به لذت‌های معنوی صعود می‌کنید و لذت‌های معنوی بالاترین نعمت الهی می‌باشد که باید ساعتِ این نعمت‌ها را غنیمتِ عمر به حساب بیاورید.

سلام می‌کنیم بر لحظاتی که جان‌ها در پیشگاه خالقشان به عزتی دست می‌یابد که وعده‌ی جانانشان است؛ وعده‌ای که رمز گشودن را در معمای جان منتظر، در کلید جان می‌چرخاند آنگاه صندوقچه‌ی جان باز می‌شود، گنجینه نمایان می‌شود، مأموران الهی در تماشایش صف در صف ایستاده‌اند و ابراز می‌دارند: ای پروردگار ما، آنچه آفریدی محشری بود که شعله‌اش بر آنچه عرضه شد ابرازِ ناتوانی نمود تا عظمت در انوار وجودهایشان گویای جانشینی باشد که وعده فرموده بودید.

پس در این مهمانیِ خداوند مهربان که وصف آن را شنیدیم باید با اشتیاق و عشق بر سر سفره‌ی احسانش بنشینیم و دهان و درون ظاهری را بسته و خالی نماییم تا از انوار الهی حداکثر تغذیه را کرده و بهره ببریم.

از جمله فضیلت‌های ماه رمضان این است که خداوند کریم قرآن را در آن برای ارشاد و راهنمایی مردم و نشانه‌هایی از هدایت و مشخص نمودن حق از باطل فرو فرستاد و بدین وسیله برتری آن را بر سایر ماه‌ها بر پایه‌ی احترام‌های فراوان و فضیلت‌های آشکار، روشن نمود؛ چون خداوند حکیم و عزیز قرآن را نوری قرار داده تا در پرتو آن، بندگان از تاریکی‌های گمراهی و نادانی بیرون آمده برای هر کس که از سر تصدیق به آن گوش بدهد شفایی و نجاتی باشد و چراغ هدایتی باشد که فروغ برهانش و علمش بر عالمیان خاموش نشود.

خواهران و برادرانی که ماه رمضان را در این کوی عشق، خانه‌ی مقدس مولا و سرورمان، منجی عالم بشریت، اباصالح المهدی (عج)، روزه‌دار حقیقی که زمین و آسمان عاشقانه و مشتاقانه منتظرند با صوتِ تلاوت قرآن و دعای افطار و سحر ایشان هم نوا شوند در مراسمات و جلسات قرائت قرآن شرکت می‌کنید باید که قرائت‌های قرآن کریم در این خانه‌ی مقدس با توجه و عمل به سفارش و تأکید خداوند کریم مبنی بر

تفکر و تعقل در مورد آیات قرآن باشد و سعی کنیم که آیات الهی را سرمشق زندگی و عملکرد خود قرار دهیم تا به سعادت دنیا و آخرت نائل آییم.

در این مورد سرور عالمیان حضرت زهرا (س) چنین فرمودند: یکی از بهانه‌های مشرکان این بود که می‌گفتند اگر کتابی نوشته شده، از آسمان برایمان می‌آمد ما به آن ایمان می‌آوردیم و پروردگار می‌فرماید: اگر این گونه می‌شد باز ایمان نمی‌آوردند؛ دلیلش در ذخیره نمودن انوار کتاب است؛ آنچه به‌عنوان کتاب قرائت می‌شود از آن گوی نورانی است که در زبان مقدس رسول الهی جمع شده و به صورت کتابی در آمده که اکنون همگی می‌توانند انوار جدا شده از زبان رسول خدا را حس کنند، آن را لمس کنند و از معرفتش لذت ببرند؛ جواهراتی را از زبانشان جدا کنند و آن را در کیسه‌ی جان ذخیره کنند پس همواره قلبتان حامل نوری است که زبانتان به آن معترف است و هر نقطه‌ای که در رابطه با آن خارج می‌شود دری گران‌بهاست که بهایی برایش نمی‌توان در نظر گرفت.

حال ضمن تبریک و تهنیت به مناسبت آغاز ماه مبارک رمضان خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان بقیةالله ارواحنا لک الفدا از حضورشان استدعا داریم برای ماه پر فیضی که در پیش داریم ما را یاری و راهنمایی فرمایند تا به برکت وجود مقدسشان ما نیز جزء نجات یافتگان این ماه باشیم و این خطبه را با سلامی خدمت مولایمان مزین می‌کنیم: سلام بر سلامتی جانی که ساعات عمرش بر برکت آفرینش می‌افزاید و آنگاه که به سخن در می‌آید جهان، منور به الفاظش می‌شود و آنگاه که سکوت می‌کند عالم، لباس اسرار از تن خارج کرده و به قلب منورش متوسل می‌شود و آنگاه که می‌خواهد روح‌القدس به خود افتخار می‌کند که روحی را به امانت نگه داشته که ساعتی را از قالبش جدا گشته تا تسلیم حیاتی شود که برایش مقرر گردیده، روشنایی روز در انوار وجودش به تاریکی مبدل گشته و سیاهی شبش در تلالؤ وجودش به روزی منور، تغییر ماهیت داده است.

حال با مناجات زیبایی از زینت عابدان و سرور ساجدان، امام سجاد (ع) دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها بر محمد و خاندان او درود بفرست و در شناخت فضیلت این ماه و حفظ حرمتش و پرهیز از محرمات و نگه داشتن اعضا از گناهان و به کار گرفتن آنان در راه خشنودی‌ات ما را یاری فرما.

بار الها یاری فرما اموال خود را از شبهه و حرام مبرا سازیم و با دادن زکات آن را پاک گردانیم.

بار الها ما را از انحراف و انکار توحیدت و کوتاهی و تقصیر در ثنا گویی و ستایشت و شک و تردید در دینت و کوری و گمراهی از راه آیینت و فریب و حیل‌های دشمنت، شیطان رجیم محافظت فرما.

بار الها قرآن را در تاریکی شب‌های جهل، مونس ما گردان و در برابر وسوسه‌های شیطان نگهبان ما قرار بده.

بار الها ما را از کسانی قرار ده که به رشته‌ی محکم قرآن چنگ می‌زنند و جز از قرآن جویای هدایت نمی‌شود.

بار الها بر حضرت محمد (ص) که خطیب قرآن است و خاندان او که خازنان علم قرآن‌اند درود بفرستد.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۴ مرداد ۹۱

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

خداوندا حمد و سپاس سزاوار توست. حمدی در شب، چون تاریک شود و روز چون روشن گردد و به شماره‌ی ستارگان و فرشتگان آسمان و دانه‌هایی که سر از خاک درآورند و برگ‌های درختان و ماهیان دریا، سنگ‌ها و شن‌ها، خزندگان و پرندگان، حمدی مبارک و پاک آن‌چنان که تو می‌پسندی و شایسته‌ی جلالت و کبریایی توست. حمدی سزاوار توست که خود فرمودی: مرا در سحرگاهان و شبانگاهان بسیار حمد کنید. آیا زبانی در کام به بزرگی‌ات معترف است که جز تو را نخواند؟ پروردگارا همگان به پیشگاه جبروتی‌ات ذلیل و خوارند و دست‌های تمنایشان گواه خردی و کوچکی جانی که در اقیانوس محبت چونان آتش‌فشانی است خروشان، آتش‌فشانی که در جسم، به ظاهر سرد است و در روح با گدازه‌های سوزنده به بیرون می‌ریزد تا هر چه بر سر راه دارد را به خاکستری بدل نماید.

رحمت پروردگار عالم در اراده‌ی خلقتش آن‌چنان گویا و منور است که جهان، معترف به جلالتش همواره در ذکر نعمت‌هایش به دامن رحمتش پناهنده است تا عجز و ناتوانی‌اش را در آینه‌ی جلالتش تماشا کند آنگاه جان مرده‌اش را به آن نسیم، لباس عزت و زیبایی بپوشاند و تماشاگران دهر را مژده دهد به عظمتی که نامش خلقت است.

چه زیبا است توصیف اولیاء از عظمتِ خلقتِ جان و روح انسان، اما چه ضعیف و ناتوان است درک و شکر او برای این لباس عزت و بزرگی‌ای که خداوند کریم به‌عنوان خلیفه بر قامت انسان پوشاند. زبان‌ها قاصر و عقل‌ها عاجز است از شکرِ نعمت و رحمتِ واسعه‌ی پروردگار که فقط یاری او کارساز آن است و آن یاری ممکن نشود مگر با استعانت و توسل جستن به وجود پربرکت افضل انبیاء، خاتم اوصیا، اکرم رسولان، حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش که درود بی‌پایان بر آنان باد.

امشب مصادف است با میلاد دومین نور ولایت و امامت، کریم اهل بیت، اسوه‌ی صبر و گذشت، بلندای رضا و شکیبایی، حضرت امام حسن مجتبی (ع) امامی که مظلوم زیست و مظلوم و غریب، در تاریخ ماند. این امام همام نه تنها مظلوم دشمنان بود بلکه مظلوم شیعیان جاهل نیز بود. شیعیانی که بزرگواری و صبر و گذشت امام را درک نمی‌کردند و با زخم زبان، ایشان را می‌آزردند ولی امام با تحمل همه‌ی رنج‌ها، برای رضای الهی و رسوایی منافقین همت گماشتند.

جد بزرگوارشان، رسول خدا (ص) امام حسن (ع) را بسیار دوست می‌داشتند و از افکار و عملکرد مردم زمان او که امتش بودند آگاهی کامل داشتند به همین جهت برای برخورد با آن مردم سست عنصر و صد رنگ، امام را روی زانوان مبارکشان می‌نشاندند و آیه‌های کریمه‌ی سوره‌ی توبه که در مورد چهره‌های صد رنگ منافقین بود را برای ایشان تلاوت می‌فرمودند.

امام حسن (ع) با قبول پیشنهاد صلح، دشمنان و منافقین را که با حيله و مکر تصور می‌کردند ایشان این پیشنهاد را قبول نمی‌کند، آنان را در گودال مکر خودشان سرنگون کردند ولی متأسفانه یاران نادان ایشان به علت عدم شناخت مقام امامت و یقین و باور آن، ایشان را ذلیل کننده‌ی شیعیان لقب دادند ولی بعدها متوجه و پشیمان شدند و این برایشان سودی نداشت.

با بررسی و تفکر و اندیشه در مورد نهضت کربلای امام حسین (ع) متوجه می‌شویم که در آن زمان فقط خانواده‌ی امام و عده‌ای انگشت‌شمار از شیعه‌ی واقعی وجود داشته در نتیجه به بزرگی حرکت امام حسن (ع) و حکمت قبول صلح ایشان با معاویه پی خواهیم برد. در

نهضت کربلا، یاران واقعی امام حسین (ع) حرکت و تصمیم امام در مورد ماندن و رفتن و به شهادت رسیدن را مبتنی بر علم و حکمت امامت می‌دانستند و بی چون و چرا و با عشق قبول کرده و اطاعت می‌کردند و از هر فرصتی برای ابراز این موضوع استفاده می‌نمودند. مثلاً در کربلا دور امام حلقه زدند و گفتند: چونان غلامی، بر

گرددت جمع شده‌ایم تا جان گداخته‌مان از جام جانتان بهره گیرد و با فرمایش‌های گهربارتان به وعده‌ی الهی نزدیک شود.

در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت خدمت مولا و سرورمان امام زمان (عج) به مناسبت میلاد عموی بزرگوارشان امام حسن (ع) به ایشان اعلام می‌داریم: ای یادگار امامت، ما در این خانه‌ی مقدستان جمع شده‌ایم و با عشق و یقین ابراز می‌داریم: ما آمده‌ایم تا جام جامان با فرمایش‌های گهربارتان به وعده‌ی الهی نزدیک شود. ما را یاری کنید تا مقام امامت و شأنِ والای شما را درست بشناسیم و در عمل به فرامینتان با یقین و عشق کوشا باشیم.

حال در این شب مبارک، خطبه را مزین می‌کنیم به توصیف زیبا و حقیقی و گران‌قدر امام زمان (عج) در مورد فضیلت امام حسن مجتبی (ع) که فرمودند:

«آنگاه که پروردگار عالم فرمود: ای فرشتگان، من مخلوقی را می‌آفرینم که اسم اعظمِ حُسن را معنا کند همگی بر آستانش به تماشا ایستادند آنگاه جانی را در قالبش دریافتند که در حُسنِ جمال، بی‌همتا بود؛ عرضه داشتند: ای پروردگار ما، این جمالِ بی‌نظیر از آن کیست و خداوند عالم فرمود: این نوری است که عالم را به حسنش جلوه دادم و ستارگان را به انوارش افروختم، نامش را برگزیدم و او را به کوثرم هدیه کردم، بر کرم این جان با شرافت افزودم و او را حَسَن نام نهادم، عاشقانش را بر سفره‌ی احسانش مزده دادم؛ احسانی که بر سر سفره‌ی رمضان مهمان شد تا پیامبر خاتم او را در آغوش گیرد و دستان پر برکتش را به آسمان بگشاید و عرضه دارد: ای پروردگارم، ثمره‌ی میوه‌ی جانِ علی بر من گوارا باد که از این میوه همواره رسالتم تغذیه خواهد کرد و جهان به هدایتش منور خواهد شد.»

بار الها قلبِ رنج کشیده‌ی امام بزرگوارمان، امام حسن مجتبی (ع) از مکر و حيله‌ی منافقین و باطلین و جهل جاهلین را با ظهور مولایمان و آشکار شدن چهره‌ی آنان شاد بفرما.

بار الها به ما یقین و باور و عشق به مقام امامت را همچون یاران امام حسین (ع) در اطاعت و فرمان برداری از امام عصرمان عطا بفرما.

بار الها ما را در قبول حکمتِ غیبتِ امامِ عصرمان و صبر بر آن یاری فرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی سرور و مولایمان امام عصر و زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۷ مرداد ۹۱

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ.

ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم؛ تو چه دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است؛ در آن شب، فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای انجام فرمان نازل می‌شوند؛ آن شب تا طلوع صبح همه سلام و درود است.

امیر مؤمنان علی (ع) در مورد این شب چنین می‌فرمایند: تو چه می‌دانی که قدر چیست؟ همان روشنایی است که راه می‌نماید و بشارت می‌دهد که وعده‌ی خداوند حق است.

خواهران و برادران روزه‌دار که طی ۱۸ روز و شب قرائت قرآن کریم و توبه و توسل، در این کوی مقدس حضور یافتید باید خداوند رحمان و رحیم را شاکر باشیم که اولین شب قدر، شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را توفیق داد درک کنیم چون همان‌گونه‌ای که خداوند در سوره‌ی قدر، بزرگی و عظمت شب قدر را یادآوری فرموده برای وارد شدن به این ایام، نیاز به پاکی و شفافیت درون است و این مهم ممکن نیست مگر با هجده روز روزه و شب‌ها عبادت و قرائت قرآن که شما ان‌شاءالله موفق به انجام آن شده‌اید و امشب در این شب بزرگ در خانه‌ی امام عصر (عج) سعادت حضور پیدا کرده‌اید پس باید با اخلاص و توبه حداکثر بهره را ببریم.

حال در خلوت و تاریکی شب بیایید با پشیمانی از گناهان سال گذشته توبه کرده و با عشق و ایمان و خشوع درون و با اخلاص با خداوند مهربان صحبت کنیم. بنده این کار را با حرف دلی شروع می‌کنم که اطمینان دارم حرف دل شماست پس چشم‌های ظاهر را ببندید و قلب و روحتان را با آن همراه کنید.

بار الها در این نیمه شب که شب قدرش نامیده‌ای با دلی شکسته و چشمی اشک‌بار، با قلبی نادم و پشیمان و خجل در آستانه‌ی بارگاه با کرامت و کبریایی‌ات ایستاده‌ام. مرا ببین، فهم بنده‌ای که کوله‌بار گناه و معصیت بر پشتش سنگینی کرده است و توان پرواز به ملکوت را از او گرفته ولی امید و چشم‌گدایی بر پیشگاه جود و سخایت دوخته؛ تو را با تمام وجود آلوده‌اش می‌خواند و زبان به عذرخواهی و اعتراف به قصور و کوتاهی گشوده که: بار خدایا شکر و سپاس تو را سزااست که اجازه دادی به من دعا و خواهش از خود را پس بشنو ای شنوای دعا و مناجات بندگان، صدایم را، دعایم را، مدحم را، عذرخواهی‌ام را و اجابت کن دعوتم را تو ای خدای مهربانم؛ چه بسیار گرفتاری‌هایم را رفع کردی، اندوه‌هایم را برطرف نمودی، از لغزش‌هایم درگذشتی، خطاها و زشتی‌هایم را پوشانیدی و به گناهایی که فقط تو بر آنها آگاهی رسوایم نکردی؛ به نادانیم مؤاخذه نکردی، به کفران نعمت، نعمت از من دریغ نفرمودی، به نافرمانی‌ام صبر کردی و از بلا و عذابم درگذشتی. وای بر من وای بر من چه کردم؟ چقدر جسارت کرده و ظلم به خودم کردم! واعجبا با این همه بدی و ناسپاسی باز در پیشگاهت ایستاده‌ام و با تو آغاز سخن کردم. خجلم ولی خدای من، ای خدای مهربان، ای فریادرس بندگان، ای بخشاینده‌ی گناهان، ای پناه دهنده‌ی بی‌پناهان، ای قبول‌کننده‌ی عذر عذرخواهان، ای توبه‌پذیر توبه‌کنندگان، ای مهربان‌ترین مهربانان و ای کریم‌ترین کریمان، تو به من جرئت بخشیدی و در قرآن کریمت به پیامبر خاتم که درود بی‌پایانت بر او و خاندان پاکش باد فرمودی: که به بندگانم آنانی که زیاده روی و اسراف نموده‌اند بگو از رحمت و بخشش من نومید نباشند پس من نیز امید بستم به رحمانیت و کرمیت ولی زبانم قاصر و دلم نادم است پس توسل می‌جویم به درگاهت به وسیله‌ی پیامبر و امامانم و با کلمات ایشان که از دریای علم و یقین و شناخت تو سرچشمه گرفته در این شب بزرگ با تو مناجات می‌کنم و تو را قسم می‌دهم به آبرو و حرمت ایشان نزد خودت مرا مورد لطف قرار دهی و گناهانم را ببخشی.

از پیامبر عظیم‌الشان رحمت للعالمین آغاز می‌کنم که در مناجاتی فرمودند: بار الها پناه آورده‌ام به نور وجه تو که روشنی گرفت بدان آسمان‌ها و زمین و از بین رفت

تاریکی‌ها، از اینکه به ناگهانی عذابم کنی و عاقبتم را به خیر نکنی و نعمتت را از من دریغ گردانی؛ خیال و دلم معتقد است به بزرگواری و بخشندگی‌ات ای بزرگ و ای عظیم، ببخش خطاها و گناهان بزرگم را و روزی کن به من دلی پرهیزگار و پاک و دور از شرک و بیزار از کفر.

بار الها به امیر مؤمنان علی (ع) که امشب، چهره‌اش به خون عشق گلگون شد و زمین و آسمان مخصوصاً مسجد کوفه در غم محروم شدن از مناجات‌های زیبای شبانه‌ی ایشان به سوگ نشست تو را قسم می‌دهیم امشب ما را از درگاهت ناامید برنگردانی.

می‌خواهیم با زبان ایشان از تو طلب مغفرت کنیم که: بار الها ای مولای من، رحم کن بر من چون منم بنده‌ی تو، تویی مولای من، منم ذلیل تویی عزیز، منم گدا تویی کریم، منم حقیر تویی عظیم، منم گنه‌کار تویی بخشنده، منم فانی تویی باقی، منم گمراه تویی راهنما، منم ضعیف تویی توانا، رحم کن به مهربانی‌ات و راضی شو از من به سخاوتت ای صاحب کرامت و احسان و جود و بخشش.

در خاتمه دست یاری برای برآورده شدن دعا و مناجاتمان به سوی صاحب کوی عشق و معرفت، مولا و سرورمان امام عصر و زمان (عج) می‌کشاییم که شب‌های قدرمان با وجود منور و کلام زیبای ایشان پر برکت و نجات بخش شود که فرمایشاتشان همیشه در خود نوید رهایی و سعادت دارد که فرمودند: کیست که در برابر اراده‌ی خالق به خاک در نیفتد و تسلیم امرش نشود؟ جانی عاشق پا بر عرصه‌ی زمین می‌گذارد، زبانش از کام جدا می‌شود: یارب، به جان سوخته از هجرانت ترحم کن؛ آن وقت گوشش ندای پروردگارش را می‌شنود که او را به وصلش مژده می‌دهد؛ دلش گلستانی را ترسیم می‌کند که خزانی را نمی‌شناسد و خود را در قالب عبد، به پروردگارش عرضه می‌کند و می‌گوید: ای پروردگار عالم، به مخلوقات فرمودی: ای بندگان من، از آنچه برایتان فرو فرستادم اطاعت کنید تا رستگار شوید. رستگاری برکتی است که خزانه‌ی آن میراث زمین و آسمان است و شکری خالصانه بر درگاه خالق که خلیفه‌اش را میراث بران این برکت عظیم معرفی فرمود.

بله باید که نجات را در دستورات خداوند و سفارشات چهارده معصوم جستجو کرد تا با عمل به آنها سعادت دنیا و آخرت را کسب کرد.

حال دستمان را که گیرنده‌ی مائده‌های آسمانی است به درگاهش می‌گشاییم و با تضرع اعلام می‌داریم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۱۹ مرداد ۹۱

شکر و سپاس، خالق را که خود فرمود: ﴿اگر فضل و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی‌بود، هیچ یک از شما هرگز، روی پاکی نمی‌دید ولی خدا هر کس را که بخواهد پاکیزه می‌سازد و خدا شنوا و داناست﴾ (سوره‌ی نور آیه‌ی ۲۱). چگونه می‌شود، فرق سیف الله را شکافت و جان مبارکش را در تحمل رنج زهری نشانند که سزاوار حیدر نبود، حیدری که زهرِ جهل، بارها قلب مبارکش را مجروح ساخته و اشکِ چشمانش را جاری نموده بود و افسوس و هزاران افسوس بر مسلمانانی که پیشانی‌شان، جز رنگِ نیرنگ نداشته و ندارد؛ سیاهیِ جانشان چونان بنیانِ مسجدی است که بر کناره‌ی سیل‌گاهی که آب، زیر آن را شسته باشد نهاده است تا با او در آتشِ جهنم سرنگون گردد و ﴿خداوند مردم ستمگر را هدایت نمی‌کند﴾ (سوره‌ی توبه آیه‌ی ۱۰۹) مردمی که با ستمشان، پیشانیِ توحید را شکافتند و پایه‌ی ظلمی را نهادند که آثارِ کفر انگیزش اکنون در جامعه‌ی مسلمین هویدا است.

امشب، خاک نجف بر خود می‌بالد؛ شهیدی را در آغوش می‌گیرد که کعبه، جایگاهِ آمدنش بود و سنگِ صبور رنج‌هایش؛ اکنون سال‌ها از آن سحر گذشته است و هر ساله شبِ قدرها با نامش آغاز گردیده و با عزایش پایان پذیرفته؛ نامش، چلچراغِ قدری بوده که از هزار ماه بهتر است؛ مهمانانِ شب زنده‌دارِ قدر، شیرینیِ آن را در نامِ مولایشان در سینه‌ی مجروح از جهل زمان احساس کرده‌اند و خونشان در حق، جوشیده و چاره‌ای جز صبر نیافته، صبری که باید از آن مدد جوید تا فرقِ زمان، نشکافد و جهان، از مدارِ حرکت باز نایستد؛ جانشین و فرزندِ آخرینش، بر ستمی بگرید که زمان‌ها را در شهادتِ فرزندانش جسور ساخته و گل‌های نبوت را از دامنِ توحیدِ جامعه برچید تا نعمت را دگرگون سازد و اکنون، شاهدِ دگرگون شدنش هستیم و پروردگار عالم فرمود ﴿من نعمت شما را دگرگون نمی‌سازم مگر خود دگرگون شوید﴾ آیا ما مسلمانان درحالی‌که سینه‌هایمان سرشار از محبتِ مولا و صاحبِ عصرمان است خواهان

دگرگونیِ نعمت ولایتش هستیم؟ اگر نیستیم، باید حق طلب و حق جو باشیم، اگر نبودیم، قاتلِ علی هستیم، قاتلی که به کتابِ الهی قسم خورد که فرقِ حق را بشکافد، نعمتِ هدایتش به کفری خانمان برانداز تبدیل شد که باعثِ سوختنِ وجود خودش در کفر شد و هم دلِ زمان‌ها و دوران‌ها را در آتشی سوزاند که همواره از چشمه‌ی جان‌ها روان است.

حالا می‌خواهم از عشاقِ علی (ع) بپرسم، غربتِ حمل نادانی و جهل، چه قدر سنگین است؟ آیا آن را بر پشتت احساس می‌کنی؟ اگر می‌کنی، به جانت نهیب بزن و بگو: پروردگارم، جانم را از پرده‌ای که به آن افکنده‌ام نجات بخش تا آن را بگشایم و در صفِ یاران و مددکاران مولایم بایستم و مانند ابوذرِ غفاری در رِبْذَه جان دهم و بر سر سفره‌ی حرام ننشینم.

آنچه امشب تقدیرم را می‌نویسد، انتخاب است که اگر حق را خواستم با آن هستم و اگر باطل را، باز با آن پیمان می‌بندم تا قرآن کریم در روزِ قیامت شهادت دهد که من آن را و هدایتش را در مقابلم داشتم و باز راهِ باطل را برگزیدم و به عهدها و پیمان‌ها وفا نکردم. اکنون تماشاگرانِ قدرِ جان‌ها، به شما می‌نگرند تا تصمیمتان را ثبت کنند و بارِ شانه‌هایتان را یا با حق سبک کنند و یا با باطل، سنگین؛ قلمِ قدر در دستتان است، آن را بنگارید تا در سایه‌اش بنشینید و از بهره‌اش بخورید. عمرتان در رمضان، برکت می‌یابد و خداوند کریم از فضل و رحمتش بر آن می‌افزاید اگر رضانی باشید.

حال دستمان را به دعا بر می‌داریم تا پروردگار کریم پرده‌ی خانمان را کنار زند تا بتوانیم فضل و رحمتش را درک کنیم و بزرگ‌ترین نعمتش که ولایت و امامت است که خود فرموده: **﴿**دین را با آن کامل کردیم **﴾** را در چنین شبی با بیعتِ با امام زمان کامل نماییم و در خانه‌ی مولایمان عرضه داریم: ای جانشینِ علی، ما شیعیانِ پدرتان با محبتمان به وجودِ مقدستان، آرزو داریم در صفِ حق طلبان باشیم پس ما را یاری فرمایید تا استواری قدمان گویای پیمانمان باشد.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

۲۱ مرداد ۹۱

حمد و سپاس پروردگار قادر و توانا را سزااست؛ پروردگاری که آفرینش را به نام خود آغاز فرمود و رحمانیت را مدار خلقت خود نمود و فرمود: ای بندگان، از بخششم نومید نشوید، به ریسمان محبتم چنگ زنید تا جانتان را به بهشتی که وعده داده‌ام متصل کنم پس حمد و شکرِ الله آفریننده‌ی مخلوقات عالم را سزااست که در کتاب آسمانی فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم؛ ما می‌خوانیمش به یگانگی و بخشندگی پس پروردگارا به خلیفه‌ات رحم کن، جانشینت در زمین را در لقای رحمت جای ده تا همواره سر بر آستان بندگی و شکرست بساید و جز تو را نخواند؛ ولی کدام جان و زبان قادر به شکر نعمت‌ها و شکرِ دفع بلاها و گرفتاری‌ها است چون خداوند خود فرمود: مثقال ذره خیر یره مثقال ذره شر یره؛ از دست و زبان که برآید که از عهده‌ی شکرش به درآید؟ به ذره ذره‌های عطاها و نعمت‌ها و رحمت‌های بی‌شمار پروردگار و دفع ذره ذره‌های گمراهی و بلا و شر باید شکر به جا آورد پس شکر و سپاس پروردگار غفور و غفار و رحمان را سزااست که بر عجز و ناتوانی بندگان آگاه و عذر آنان را می‌پذیرد و از شکر گذاری اندک آنان راضی می‌شود و رحمت پروردگار عالم در دل‌هایی است که همواره بر درگاه بندگی، صورت تواضع بر آستان کبریایی‌اش می‌سایند و آنگاه که منادی نامشان را می‌برد صورت بر خاک اطاعت می‌گذارند و بر دامن رحمتی چنگ می‌زنند که آنان را عبد خواند و فرمود: ای بندگان من، از رحمت من مأیوس نشوید و دستان ضعیفتان را بر قدرت کبریایی من بگشایید تا گناهانتان را بیامرمز و از عذاب سخت رهایتان بخشم.

چه زیبا فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که پروردگار عالم در کتاب آسمانی فرموده‌اند: من روزی بسیاری را تنگ و یا فراوان قرار می‌دهم و این مشیت به معنای فهمِ درکِ جانِ انسان‌ها از برخورداری از نعمت‌ها است؛ آنانی که قرص نان را در نعمتش دریابند، از نظر درک و فهم دارای روزی فراوانی هستند و آنانی که ثروتشان

را در بی‌عقلی فنا کنند همواره در روزی تنگ قرار دارند پس روزی تنگ و یا فراوان، درک انسان‌ها از نعمت‌ها است.

بله با این فرمایشات سرور عالمیان درک نعمت است که معرفت و شکر و حمد را به دنبال خواهد داشت حتی اگر این نعمت در نظر خیلی‌ها ناچیز باشد و با هر شناخت و شکر، این عقل و درک و روزی افزایش خواهد یافت.

حال باید ساعت‌های رمضان و شب قدر را شناخت و از روزی بی‌حساب و سرشار آن بهره گرفت ما در آخرین شب قدر در این خانه‌ی مقدس دور هم جمع شده‌ایم تا قدر لحظه به لحظه‌های آن را بدانیم تا جزء روزی خورندگان آن باشیم چون این روزی برای ما مقدر شده است اگر زنده‌ی حقیقی باشیم. در این مورد امیر مؤمنان علی (ع) چنین فرمودند که: «در این شب، ارواح مؤمنین به ما می‌نگرند، دعا می‌کنند تا با برکات آیه‌های کریمه‌ی انا أنزلنا همراه شوند ولی نمی‌توانند، آنچه روی زمین است باید به صاحبش برسد و امشب شب تقدیر است ولی همه چیز در آفرینش در کتاب مبین مشخص شده است؛ آنچه که نامش تقدیر است عمل من است که انتخاب تقدیرم به دست عاقلم است؛ آنچه را به‌عنوان ثواب و گناه انجام می‌دهم با اراده و میل باطنی خودم است پس قلمی که امشب می‌نویسد خودم هستم که تقدیرات خوب و بد را برای خودم تقدیر می‌کنم؛ اگر به دنبال نفس برم نتیجه‌اش معلوم است و اگر به دنبال خدا بروم آن هم نتیجه‌اش معلوم ولی توبه‌کنندگان، امشب نامشان در صحیفه‌ی نور نوشته می‌شود و در پیشگاه پروردگار به طور امانت نگهداری می‌شود تا در قیامت به فریاد صاحبش برسد. کلید تمام مطالبی که گفتم تقوی است؛ با به کار بستن آن، خدا و پیامبر و کار گزارانش و خودتان را خوشحال کنید.»

خواهران و برادران، همان‌گونه‌ای که می‌دانید یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های این شب، نزول قرآن کریم است؛ خوشا به حال مؤمنانی که طبق فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) از چشمه‌ی علم سرشار و بی‌انتهای آن در این ماه نوشیدند و وجودشان را روشنایی بخشیدند و رحمت و احسانش را ذخیره‌ی جانشان نمودند که ایشان در این مورد چنین فرمودند: «برکات عالم در صبح دمی است که نسیم رحمت پروردگار عالم،

آغوش محبتش را بر منتظران علمی می‌گشاید که به طور پیوسته مهمان خوان قرآن کریم بوده‌اند، در کنار سفره‌ی گسترده‌اش جان گرسنه‌شان را از مائده‌هایی لبریز نمودند که انوارش سایبان رحمت بی‌منتهای پروردگار عالم است؛ آمدنشان در محور عالم، اعجاز خلقت بود و رفتنشان خبر اعجازی دیگر پس درودی همواره و پی در پی بر آستان کبریایی پروردگار که باب احسانش مسدود نگردد و ثروتش پایان نپذیرد و عشق به آستان کبریایی‌اش محدود نگردد.»

حال در آخرین ساعات این شب دست نیاز با دلی نادم و چشمی اشک‌بار و جانی مشتاق به سوی پروردگار کریم می‌گشاییم که اگر تا این ساعت از ماه مبارک رمضان توبه‌ی ما را قبول و گناهان و خطاهای ما را نبخشیده بر ما ترحم فرماید و ما را ببخشد. بار اله، این است دست‌های گناهکاری که نادم و پشیمان به امید بخشش به سوی درگاه با کرامت دراز شده؛ رحم کن بر این بنده‌ی ترسان از خشم و آتش عذابت؛ بین پریشانی و غصه و اندوهش را؛ بین وحشت از تنهایی و غربت قبر و قیامت را؛ بین فقری و بیچارگی و درماندگی‌اش را و بین شرمندگی و روسیاهی و گسستگی‌اش را؛ ترحم کن بر ضعف و کمی طاقتش بر آتش غضبت، سستی استخوانش و ضعف بدنش، نازکی پوستش و نرمی گوشتش؛ بپذیر عذرش را و درگذر از گناهانش؛ دور کن از آتش و داخل کن او را در رحمتت؛ روزی کن بهشتت را و در حال مسلمانی همیران و رضایت و خشنودیات را بر او ارزانی دار.

حال به صاحب این کوی عشق پناه می‌بریم.

مولا و سرور من، ولی نعمت و منجی و امام زمانم، امشب به کدامین اندوه و غم اشک خون‌بارم و به کدام مصیبتم فغان و ناله سر دهم؟ آه چه شبی است امشب! آیا به مصیبتی بگریم که شقی‌ترین جاهلان و کوردلان امت جدتان فرق پدرتان را در مسجدی که بهشت زمین است به تیغ زهرآگین جهل و نفس اماره شکافت و خورشید تقوا و ایمان و عشق را در خاک نجف مدفون کرد و زمین و بشریت را از بو و عطر دل‌نشین عدالت و حق و امامت محروم کرد که هرچه زمان بیشتر می‌گذرد بزرگی این خیانت و جنایت در حق بشریت بهتر درک می‌شود و ای مولای من و یا به مصیبتی

فغان کنم و ناله و اشک ریزم که امشب آخرین شب لیالی قدر، شبی است که کارنامه‌ها و تقدیرات و عملکردها خدمت وجود مقدستان عرضه می‌شود؛ وای بر من! وای بر من چه کنم با این همه قدر ناشناسی‌ام در مقابل این همه نعمت و لطف و دلسوزی شما در نجاتم از جهل و هدایت به سوی رستگاری به وسیله‌ی خطابه‌های گران‌قدرتان؟ اگر کارنامه‌ی اعمال من، شما را مکدر و غمگین نماید چه کنم که تکرار تاریخ نگردم؟ چون آن کور دل و سیه روز که بر فرق امیر مؤمنان علی (ع) پدر بزرگوارتان زخم زد خطابه‌های گهربار و بی‌نظیر و نجات بخش نهج‌البلاغه را از زبان امام شنیده بود و این جسارت و جنایت را انجام داد؛ وای بر من به خدا پناه می‌برم که تاریخ را تکرار کنم و با شنیدن و خواندن خطابه‌های گران‌قدر شما، با عملم و حرکت و اندیشه و فکرم قلب نازنین شما را با تیغ جهل و درکِ غلطم و نداشتن باور و یقین و اطاعت و پیروی از امام عصرم که شما یید زخم زخم؛ پس چه فرقی بین من و آن ملعون وجود دارد؟ ولی مولای من، امام مهربانم، شما شاهدید که من مشتاقانه و عاشقانه سعی کرده و می‌کنم تا از دستورات و نصایح شما اطاعت کرده و وجود مقدستان را خشنود سازم که خشنودی و رضایت شما خشنودی الهی را نیز به همراه دارد. پس در آخرین ساعات این شب بزرگ و مبارک، قبل از سحر، توبه خواهم کرد و با شما عهد و پیمان خواهم بست که در پیروی از دستورات قرآن و پدران‌تان و شما استواری و اطاعتی را داشته باشم که تا شب قدر سال آینده در کارنامه‌ی عملم جز آنچه شما را خشنود می‌سازد وجود نداشته باشد و در این امر مهم تقاضای بخشش از اشتباهات امسال و یاری و مدد شما برای اصلاح سال آینده‌ام دارم.

بار الها ما منتظران امام و ولی و نعمتِ آخرینت منتظریم تا آفتاب حق از پشت نیرنگ‌های باطل به درآید و عاشقان‌ش را در دامن محبتش به طرف تو ای پروردگار کریم رهنمون شود پس همگی در این شب بزرگ و پربرکت در این خانه‌ی عشق با صدایی که عرشیان و فرشیان بر آن گواه باشند فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید فطر

۲۹ مرداد ۹۱

سلام بر عید، عیدی که نامش فطر است و پروردگار عالم آن را پایان روزه‌داری امت مسلمان قرار داد تا عظمت فرمانش در اطاعت از قرآن کریم در دوران‌ها آینه‌ی عملشان باشد. جان‌های اطاعت‌گر، جان مادی خویش را در پرتو این انوار روحانی به فراموشی سپردند تا معنویتِ جانِ دوم را احساس کنند. لذت‌هایی را که به آن خو گرفته بودند را رها کردند تا انوار جانشان متجلی گردد. دهانشان را به تلاوت آیات پروردگارشان متبرک و عقلشان را به اطاعتش منور کردند. روزها از پی یکدیگر آمدند و به شب قدر رسیدند؛ شکمِ زمان باز شد تا تقدیرات وعده داده شده‌ی الهی را در درون خود جای دهد. تقدیرات نگاشته شد؛ قلمِ جان‌ها به حرکت درآمد؛ به خود نهیب زد: ای وای بر تو، فرصت تمام شد؛ بیدار باش، از آنچه در جهل جانت به آن پرداختی توبه کن. زبان‌ها به استغفار به درگاه الهی به سخن درآمد؛ کارگزارانِ قدر به تماشا ایستادند؛ پروردگارا، مخلوقاتِ خورنده‌ی روزی‌ات دست نیاز بر جلالت اسماء ات گشوده‌اند تا بر آنان از بارگاه با جلالت احسانی کنی؛ احسان آماده می‌شود؛ رحمت الهی، زمین را منور به لطف خود می‌نماید رحمتی که همگان را در آغوش کبریایی‌اش می‌پذیرد؛ خفتگان دهر مانند چوب‌های به دیوار تکیه داده شده به تماشا می‌آیند؛ جانِ سحر شده از گناهشان به اطراف می‌نگرد؛ کدام نجات را تقاضا کنند؟ جان مرده جز چاله‌ای که در آن نگهداری شود نیاز دیگری ندارد؛ می‌رود و جان مرده‌اش را درون این چاه متعفن زندانی می‌کند تا بوی تنش را از دیگران پنهان کند؛ مانند زمانی که زندگان پای بر قبر مردگان می‌گذارند و می‌گذرند و آنان همچنان در گور خفته‌اند، جانِ عاشق بر گور این خفتگان پای همتش را استوارتر می‌گذارد تا صدای پای حقیقت، در زمان ثبت شود و همواره حق پیروز گردد و باطل در پرده‌ی بیهودگی همچنان به راه خود ادامه دهد.

شمارِ رمضان به پایان آمد و هلالش کامل گردید؛ صبحدم اول شوال با خود آمدن روزی خاص از روزهای پروردگار را مزده داد؛ روزی که جانِ معطر از خوان پروردگار به

استغاثه طلب مزد خویش را می‌کند و مزدش استقامت در ایمان و اطاعت از فرامین قرآن کریم است.

پس به جانتان شربت گوارای فطر را بخورانید تا دهانتان از طعمش شیرین گردد. به عهد و پیمان‌های خویش وفا کنید تا شناسنامه‌ی جانتان را با نام زنده مهر کنند و خط باطل بر صفحه‌ی جانتان نکشند؛ اگر توانستید زنده بمانید پروردگار عالم بر عزت عمرتان می‌افزاید و اگر باز در گناه مُردید مانند اموات خویش هستید که با دادن صدقه‌ای از جانب شما نوری در ظلمات جانشان افروخته می‌شود و پس از پایانش باز در همان ظلماتِ عمل گرفتار می‌آیند پس، از عملتان جاودانگی را برگزینید تا رستگار شوید و رستگاران همان‌هایی هستند که پروردگارشان را در صبحگاهان و شبانگاهان تسبیح می‌گویند و از آنچه به آنان امر شده ملول نمی‌شوند.

اینک دست تضرع بر بارگاه ملکوتی پروردگاران می‌کشاییم و گنجینه‌ی زمان را همگی با هم می‌خوانیم و مزد روزه‌داری‌مان را در برآورده شدن حاجاتمان تقاضا می‌کنیم و با قلبی سوخته از هجران فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۲ شهریور ۹۱

خطبه‌ی شهادت امام صادق (ع)

سپاس از آن خداست؛ سپاسی آن‌گونه که شایسته‌ی اوست؛ سپاسی که تا عرش کبریایی‌اش بالا رود؛ سپاسی فراوان، پیاپی و بی‌زوال و پایدار به وسعت اقیانوس‌ها، به سنگینی کوه‌ها، به روشنایی خورشید، به تاریکی شب، به قطرات باران، بی‌شمار و بی‌پایان بر خداوند کریم که سلطنتش بی‌مثال، خدایی‌اش بی‌شریک، رحمتش واسع، نعمتش بی‌حساب، کرامتش بی‌دریغ پس پاک و منزّه است پروردگار عظیم؛ نیست معبودی قابل سپاس و ستایش غیر از او پس ستایش مخصوص خداست که ما را به ستایش خود راهنمایی فرمود و ما را شایسته‌ی ستایش خویش قرار داده تا از سپاسگزاران و شاکران لطف و احسان او باشیم.

سلام و درود بر رسول و نبی خدا، حبیب و خلیل خدا، صفی و امین خدا، خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی (ص) و بر خاندان پاکش که بهترین و برترین خلق خدا پس از او بودند و سلام بر دقایقی که همانند شب‌نم صبحگاهی بر جان منتظر، طراوت وصل را مژده می‌دهد تا سیاهی‌ی جانش با سپیده دم نور از ظلمات خارج گردد، طراوتش فضا را عطرآگین کند، پیچک‌های باطل از شاخه‌های استوار بریده شود و آثار حقیقت، در چهره‌ها نمایان گردد. صدایی جز بانگ جان منتظر شنیده نشود که همواره فریاد کند: ای پروردگارم، شکر همواره جاری و جاودانه بر درگاه کبریایی‌ات که ما را شیفتگان آل رسالت قرار دادی تا جامان مزین به انوار آفرینش گردد؛ نامشان بر زبان‌ها مژده‌ی نجات از آتش امیال نفسانی است و محبتشان سرچشمه‌ی وصل به درگاه با عظمت خداوندی، دست مهربانشان گیرنده‌ی جان‌های فرو افتاده در جهل و دل ملکوتی‌شان جایگاه محبت مؤمنان.

بله قلب‌های پر مهر و نازنین خاندان رسول خاتم همیشه جایگاه محبت و نام نیکوی آنان مایه‌ی عزت و نجات و افتخار مؤمنان بوده. شیعه نامی است که هرکس به آن مزین شود عزتش در دنیا و آخرت پایان نپذیرد که اگر عنوان منتظر را نیز مکمل آن

نماید و همواره حق جویی و حق مداری و مبارزه با باطل‌های درونی و بیرونی را چون اکسیژن هوا بر خود لازم بداند و منتظر بودنش را با پیروی از راه و روش و عملکرد و زندگانی امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندانش معنا دهد بی‌تاب و بی‌قرار دولتی می‌شود که رهبرش وارث همه‌ی فضایل و دانش و علم اجدادش است که حق را بر سر باطل خواهد کوبید و عدالت را همچون تاجی بر سر سلطنت خود خواهد گذارد که او آخرین فرزند رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س)، منجی عالم بشریت، سرور و مولا و امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) می‌باشد.

حال که در این روز حزن‌انگیز در این کوی عشق و معرفت به سوگ شهادت ششمین اختر آسمان ولایت و امامت، معلم راستین قرآن و عرفان، امام جعفر صادق (ع) دور هم جمع شده‌ایم باید که دست به دامن این امام همام شویم؛ امامی که پاک‌کننده‌ی انحراف از دین و باطل‌کننده‌ی روایت و احادیث جعلی و کاذب بودند. روایت‌هایی که به‌وسیله‌ی منافقین و جاهلین وارد اسلام شده بود و ایشان با جایگزین کردن احادیث و روایت‌های صحیح، به ما راه و رسم شیعه شدن و شیعه بودن را آموخت.

از وجود مقدسشان تقاضا می‌کنیم که ما را برای شیعه‌ی واقعی بودن و شیعه‌ی واقعی ماندن یاری فرمایند همان‌گونه‌ای که وارث و فرزند گرامی ایشان در آموختن راه و رسم انتظار ما را یاری می‌فرمایند.

اینک ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی و امام عصر و زمان، سرور و مولایمان اباصالح المهدی (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) با دلی پر خون و چشمی اشک‌بار ابراز می‌داریم:

که ای مولای ما، تا به کی روزهای شهادت پدران بزرگوارتان بر قلب شیعیان و منتظران قیامتان زخم خواهد زد؟ دعا می‌کنیم تا با ظهورتان و با انتقام از باطل بر دل‌های سوخته از مصیبت‌مان مرهمی گذارید چون در این زمانه که کفر و ظلم و فساد دنیا را پر کرده همچون عصر جد بزرگوارتان امام جعفر صادق (ع) بشریت مخصوصاً مسلمانان و شیعیان نیاز به سرپرستی و هدایت و نجات از گمراهی و کجی روی و آگاهی از اسلام راستین دارند. ای ریشه کن‌کننده‌ی ستمگران و برطرف‌کننده‌ی

نادرستی‌ها و کجی‌ها، ای نو کننده‌ی فریضه و سنت‌های دین و ای برگرداننده‌ی حدود قرآن و آثار دین، ای ویران کننده‌ی بنیان شرک و دو رویی و نفاق و دروغ، ای نابود کننده‌ی گردنکشان و گمراهان به فریاد امت جدتان برسید و ایشان را از سرگردانی بین حق و باطل، ایمان و کفر و نجات و تباهی رهایی ببخشید.

حال دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها کفر و ظلم و نفاق و فساد دنیا را فرا گرفته و از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نمانده پس به فریاد بندگان که در ایمان، پایداری و استواری دارند برس.

بار الها ما را شیعیانی تربیت شده در مکتب امام صادق (ع) قرار بده.

بار الها چشمان منتظر ما را به جمال مولایمان روشن بفرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۷ مهر ۹۱

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

سزاوار است حمد و سپاس بی‌پایان بر بارگاه جبروتی و کبریایی پروردگار حکیم و عزیز و کریم.

از رحمت بی‌منتهايش به‌وسیله‌ی برگزیدن پیامبران و اولیاءِ خود، آموخت معرفت و عشق به درگاه رحیم و رحمانش را تا بندگانش عاشقانه پیشانی بر خاک بسایند و او را در عظمت و رحمتش حمد و ستایش کنند و برای بازگشت به آغوش پر مهرش لحظه شماری کنند. نیست معبودی جز خداوند مدبر و متعال و برتر و بالاتر است از آنچه او را وصف کنند. شریکی ندارد در خدایی، ماندنی ندارد در بزرگواری، همتایی ندارد در کرامت و آشکار است عزتش.

سلام و درود بی‌پایان بر امین وحی، کلید برکت، امام رحمت، پیشوای خیر، رحمت للعالمین، خاتم انبیا، حضرت محمد (ص) و اهل بیت طاهرین و معصومین و پاکش باد که منور است زمین و آسمان تا قیامت به نور جمالِ بی‌مثال محمد (ص) و اهل بیتش، هر چند کافران و مشرکان را خوش نیاید.

درود و سلام بر هشتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت، معلم علما و مروج دین، معدن کلمات پروردگار، صندوق انوار الهی، ثامن الحجج، امام علی بن موسی الرضا (ع) که این ایام مصادف است با میلاد با سعادت ایشان؛ امامی که همچون اجداد طاهرین و فرزندان گرامی‌شان با وجود اینکه در حصار نگهداری و توسط ظالمانِ مکار و حيله‌گر تحت مراقبت شدید قرار داشتند در هدایت و نجات مردم و آگاهی دادن از دین و اصلاح باورهای غلط تلاش فراوان نموده و در این راه رنج‌ها و سختی‌ها و زخم زبان‌ها را به جان مبارکشان خریدند و از پاننشستند و مأمون و مأمونیان را در گودال مکر و نیرنگی که خود ساخته بودند مدفون نمودند.

ما در این شب مبارک به پیشگاه گرامی‌اش عرضه می‌داریم: یا امام رئوف که به‌واسطه‌ی نزدیکی بارگاه ملکوتی‌تان به ما شریک غم‌ها و شادی‌هایمان هستید به

فریاد امت اجدادتان و منتظران فرزند عزیز و ارجمندتان، جوهر هستی، منجی عالم بشریت، مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) برسید که کافران و مستکبران و ظالمان و دشمنانِ جد بزرگوارتان رسول خدا (ص) و فرزندتان امام عصر با دسیسه‌ها و یاری شیطان، دشمنی و کینه‌ی دیرینه‌ی خود را آشکار نموده و منافقان و زورگویان و دنیاپرستان نیز در لوای دین نسبت به کم‌رنگ کردن و ضربه زدن به باورهای دینی مسلمانان و شیعیان با آنان همکاری کرده و هر روز بر جسارت و بی‌حیایی خود افزوده و قلب ما را از این اعمال پلید و نکبت‌بار به درد آورده‌اند و فریاد یا محمدا بغضی در گلو، سوزی در دل شده و چشمان منتظر و اشک‌بار ما به آسمان رحمت پروردگار است که خداوند کریم ظهور منتقمِ باطل و تاج عدالت را بر ما عطا فرماید.

ضمن عرض تبریک و تهنیت این ایام، خدمت مادر گرامی‌شان، کوثر جاری الهی، ام‌ابیه‌ها، سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) از فرمایشات گهربار ایشان مدد می‌گیریم که فرمودند: برکات پروردگار عالم همواره بر مخلوقاتش چونان بارانی به وقت است تا جانِ عاشق را بر بار معنویت بنشانند، باری که تازگی و طراوتش گویای امری مدبرانه است؛ ندای وعده‌های قرآن کریم محقق شود و مؤمنان، به آنچه به آن دل بسته بودند دست یابند و مشرکان و منافقان از این سفره‌ی گسترده به برهوتی که خود آن را برگزیده‌اند داخل شوند و ندای پروردگارش را به گوش جان بشوند آنگاه صورت بر خاک ذلتِ خویش گذارند و به زبان عجز که خود مفهومش را درک می‌کنند پروردگارش را بستایند و پوسته‌ی جانشان از حقیقتش جدا شود و چهره‌ی مکرشان آشکار گردد.

چه زیبا به تصویر کشیدند حق و باطل را، عزت و سربلندی مؤمنان و ذلت و خواری و حقارت و زبونی مشرکان و منافقان را در قیامت، که حقیقت وجودها آشکار می‌گردد و مشرکان و منافقان چهره‌ی مکرشان دریده و وجود پلیدشان پدیدار گشته و همچون گوساله ساز سامری برای مخفی کردن بوی تعفن وجودشان فریاد: دور شو، دور شو سر

خواهند داد و مؤمنان در رحمت الهی به وعده‌های خداوند کریم وارد شده و به سعادت ابدی خواهند رسید.

باز در این شب مبارک به فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) متوسل می‌شویم که فرمودند: زمان، امانت‌دار صادقی است که طرفداران حق را می‌شناسد و به آنان عشق می‌ورزد و در برآورده شدن آنچه در آرزویش بودند آنان را یاری می‌کند، چون ایستادگی در مقابل حق، ستونی محکم و استوار است که سایه‌ی آن جاویدان است پس منتظر دولتی باشید که منتظران خویش را در لحظه‌ها جاویدان می‌کند؛ آنان را در زمان‌ها سیر می‌دهد تا به مولایشان پیوندند و حاصل انتظارشان را دریابند.

پس ما نیز در این زمانه‌ی کفر و نفاق ضمن استغاثه و تقاضای یاری از مولا و سرورمان امام عصر (عج) و برائت جستن از اعمال مشرکان و منافقان سعی کنیم حق جو و حق‌گو و حق‌مدار باشیم تا زمان، تلاش و کوشش ما را ثبت و جاویدان نماید.

حال اعلام می‌داریم: یا رسول‌الله، گواهی می‌دهیم که شما خاتم انبیا و افضل اوصیا هستید؛ به راستی که شما با بردباری و تحمل سختی‌ها و رنج‌ها نسبت به هدایت بشر و رهایی‌شان از جهل کوشا بودید و وجود مقدس شما رحمت و برکتی است که تا قیامت پابرجاست هر چند مشرکان و منافقان را خوش نیاید.

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم که:

بار الها درود فرست بر حضرت محمد و خاندان پاکش و برسان درودهای ما و همه‌ی مؤمنان و پیامبران و فرستادگان و فرشتگان و شایستگان و آسمانیان و زمینیان از گذشتگان و آیندگان بر ایشان و اهل بیت طاهرینش.

بار الها بارگاه ملکوتی امام رضا علیه‌السلام برکت سرزمین ما است؛ زیارت ایشان را همراه با معرفت نصیب ما گردان.

بار الها لطف و عنایت خاص مولایمان امام عصر را هر روز بیشتر روزی‌مان فرما و قلب نازنینشان را از ما خشنود بفرما.

آمین

به نیت ابراز نفرت از دشمنان و اعلام ارادت به ساحت مقدس پیامبر اسلام فریاد می‌زنیم:

لااله الاالله محمداً رسول الله

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ مهر ۹۱

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

حمد و سپاس، شایسته‌ی خداوند کریم است که خود گواهی داد که نیست معبودی قابل پرستش و ستایش جز ذات اقدس او؛ عالم و حکیم بود قبل از پیدایش علم و دانش و دانایی‌اش ابدی است؛ مقتدر و تواناست فرمانروایی ازلی و ابدی‌اش؛ بی‌نیاز است در آغاز و انجام و نهان و آشکار و نیست ستمی در داوری‌اش و انحرافی در اراده‌اش، نه ظلمی در عدالتش، نه گریزگاهی از حکومتش و نه پناهگاهی از خشمش؛ نیست معبودی جز خداوند رحمان و رحیم و پاک و منزّه است و بالا و برتر است از آنچه او را وصف کنند.

برکات پروردگار عالم در اسماء حسنی نشانگر رحمتی واسع و عظیم است تا گویندگان را به اسمی مبارک مزده دهد اسمی که آغاز رحمتی بی‌منتهاست پس جان عاشق به انوارش منور است و زبانش معترفِ محبتی که سرچشمه‌اش ضربان قلبش را در احاطه‌ی خویش گرفته تا گویای جانی جداشده از جایگاهش باشد، جایگاهی که درود و سلام فرشتگان را در خود به ودیعه داشت پس سلام بر غربتی که چراغش منور به لطف خداوندی است.

چه زیبا سخنی است از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که حمد و ستایش پروردگار، رحمت و نعمتی است بی‌منتها که جان بندگان عاشق را با آن سرشتند و این نعمت گویای عزتی است که خداوند در آفرینش انسان به او عطا فرموده و هر بار با ذکر نام‌های مبارک خداوند وجودش منوره به لطف ازلی پروردگار می‌شود.

درود بی‌پایان و بی‌شمار بر سید انبیا، افضل اوصیا، برتر اولیاء، حضرت محمد (ص) و بر خاندانش که همگی پیشوایان هدایت، کامل‌کنندگان دین، نجات‌دهندگان از گمراهی و شفیعان روز جزا هستند که آخرین ایشان، یادگار رسالت و امامت، سرور و مولا، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) هستند که به امید وجود مقدسش دنیا باقی است و به برکتش روزی داده می‌شوند اهل زمین که واجب و حتمی است

فرمان برداری و پیروی و اطاعت از ایشان و سلام بر نهمین خورشید امامت، شجاع در علم و دیانت، ابا جعفر ثانی، محمد بن علی، حضرت امام جواد (ع) که این روز حزن انگیز مصادف بود با شهادت این امام همام که همچون پدران و فرزندان بزرگوارشان در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی و نفاق همت والا داشته و در زمانه‌ای که حاکمان با جسارت بر علیه سنت و اهل‌بیت پیامبر دشمنی می‌کردند ایشان با عقل و درایت در راه هدایت مردم کوشا بودند. مأمون که لعنت خدا بر او باد بعد از آنکه امام رضا (ع) را مسموم کرد بسیار تلاش نمود که شهادت امام را طبیعی جلوه دهد ولی کم‌کم نیرنگش آشکار شد و علویان و شیعیان دانستند که خود مأمون دست به این جنایت زده است از این رو در گوشه و کنار، انتقاد و شورش علیه مأمون شروع شد و مأمون برای اینکه از این مسئله جلوگیری کند امام جواد (ع) را به اجبار از مدینه به پیش خود آورد و دخترش ام فضل را به عقد ایشان درآورد و هدفی که از این کار داشت این بود که اولاً به وسیله‌ی دخترش امام را تحت نظر بگیرد و ثانیاً از او صاحب فرزندی شود که به مقام امامت برسد و برای خود سندی از افتخارات به دست بیاورد به ویژه آن‌که مأمون از امامان پیشین شنیده بود که امام دوازدهم که تشکیل دهنده‌ی حکومت جهانی است از نسل همین امام می‌باشد اما او در این حسرت باقی ماند و دخترش ام فضل فرزندی به دنیا نیاورد. وا عجب از این مردم قدرت‌طلب و دنیا دوست و پلید که با آگاهی از شأن و مقام امامت در پیش خداوند با آنان دشمنی می‌کردند و دست جنایت‌کارشان را با شهید کردن ایشان آلوده به گناهی بس گران و عذابی که خود بر آن معترف‌اند می‌کردند. پس از مرگ مأمون ملعون، برادرش معتصم عباسی که مردی بد دل و ناپاک بود به جایش نشست و به خاطر خشم و کینه‌ی سختی که به امام جواد (ع) داشت به وسیله‌ی ام فضل لعنت الله ایشان را مسموم و شهید نمود.

ما دوستداران امامت، امام جواد (ع) را الگو و اسوه‌ی جوان شیعه می‌دانیم با یقین به اینکه امامت به سن و سال نیست، دیدیم که خود امام جواد (ع) و فرزند گرامی‌شان امام هادی (ع) در سن کودکی به امامت رسیدند ولی باید باور کنیم که نماد ایمان و تقوا در جوانان چه پسر یا دختر مانند امام جواد (ع) زیبا و چشم‌نواز است؛ باید شما جوانانی که در این کوی عشق حضور دارید به خود ببالید که صاحب این خانه‌ی

مقدس، امام و مولایتان تماشاگر شما جوانان پاک که زندگی امام جواد (ع) را سرمشق خود قرار داده‌اید هستند و سعی کنید هر روز بیشتر از روز قبل با پاکی و ایمان خود، زینت بخش این کوی ارجمند باشید. *إن شاء الله*.

حال در این شب غم و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس امام و مولا و سرورمان ابوالصالح المهدی (عج) و تقاضای تعجیل در فرج ایشان، دعا می‌کنیم تا با انتقامشان از باطلین و منافقین و ظالمین دل غم دیده‌ی ما از شهادت پدران بزرگوارشان را شاد فرمایند.

حال دست به دعا برمی‌داریم

بار الها جوانان ما را از گزند گناهان و فسادِ جامعه به حرمت جوانی امام جواد (ع) حفظ فرما.

بار الها دشمنان اسلام با کمک منافقین، با خدعه و نیرنگ سعی در انحراف جوانان این سرزمین دارند، به حرمت شهید این روز همه‌ی آنان را نابود بفرما.

بار الها در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان تعجیل بفرما و همه‌ی ما را مخصوصاً جوانان این خانه‌ی مقدس را از یاران و یاوران ایشان قرار بده.

ضمناً فردا اول ماه ذی‌الحجه مصادف است با پیوند ملکوتی خورشید و ماه، امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که ثمره‌ی این پیوند آسمانی ۱۱ گوهر تابناک و بی‌نظیر الهی است که تا ابد جهان منور است به وجود مقدسشان و زمین به خود می‌بالد که هم‌زمان دو رحمت و نعمت بی‌نظیر الهی را بر روی خود دیده، یکی امیر مؤمنان، ولی آدم، حیدر کرار، وصی بر حق پیامبر، اسدالله و سیف‌الله میدان جهاد و مرد مناجات و عرفان، بنده‌ی مخلص و امام منتخب الهی که زبان‌ها و عقل‌ها از بیان فضایلش قاصر است و دیگری همسر مهربانش، سرور عالمیان، کوثر جاریه‌ی الهی، حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که کسی را شایسته‌ی همسری ایشان به غیر از امیر مؤمنان علی (ع) نبود که در این مورد مدد می‌گیریم از سخنان زیبای ایشان که فرمودند: پروردگار کریم به حضرت آدم فرمود از شکوه‌های هجرانت کوثری پدیدار

شده که برکتش هموار نجات دهنده‌ی فرزندان از تاریکی جهل و گناه است و فرزندانش نجات دهنده‌ی عالم از نابودی لغزش‌های گناه پس مرا ام‌ابیه‌ها نام‌گذاری فرمود و به پدرم حضرت محمد (ص) فرمان داد که مادرت را که کوثرِ جانت است گرامی دار؛ امت تو در خواندن نامش رستگار خواهند شد و به محبتش به دریای محبت الهی متصل می‌شوند.

ما ضمن گرامی داشت این روز بزرگ از خداوند کریم به خاطر خیر و برکتی که از این پیوند خجسته شامل حال بندگانش فرموده شکرگزاری می‌کنیم با صلواتی بر محمد و آل محمد.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲ آبان ۹۱

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

ستایش مخصوص خدا است که پروردگار جهانیان است. بار الها ستایش تو را سزااست که پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمینی؛ ای صاحب جلال و عظمت و پروردگار و سلطان مطلق بر تمام سلاطین عالم وجود، تویی خدای یکتایی که جز تو هیچ خدایی نیست؛ یکتا و بی‌همتایی، کمال مطلق، بخشنده‌ی بی‌حدی، عظیم و بزرگی، بلند مرتبه و قادری، دانا و حکیمی و شنوا و بینایی؛ تویی خدای یکتایی که جز تو هیچ خدایی نیست؛ پیش از هر آغازی، پس از هر پایانی، صاحب زیبایی و جلال و کبریایی.

بار الها بر حضرت محمد (ص) که برگزیده و پسندیده و گرامی و مقرب درگاهت است بهترین دروذهای خود را بفرست و او را به کامل‌ترین برکات برکت ده؛ درودی که از آن پاکیزه‌تر و پسندیده‌تر و افزون‌تر نباشد و همچنین درود فرست بر اهل‌بیتش که پاک و منزّه از هر گونه آلودگی و گناه‌اند و گنجینه‌داران علم و نگه‌داران دین و جانشینان تو در روی زمین هستند. این خطبه را که مزین به حمد و ستایش از زبان سید و زینت ساجدان و عابدان امام سجاد (ع) نموده‌ایم با فرمایشی از مادر گرامی‌شان سرور عالمیان حضرت زهرا (س) زیباتر و کامل‌تر می‌کنیم که فرمودند: برکات الهی در جان‌هایی است که در لحظه‌ی برخاستن از قبر آنگاه که منادی ندا می‌دهد ای خفتگان سال‌های انتظار، برخیزید که جانانتان در صور محبت دمید تا خون‌های بسته شده یک بار دیگر نوید زندگی را در رگ‌های خفته احساس کند و با گرمی دعوت، به طرف جانان حرکت کند و بوی محبتش را در جان هجران کشیده‌اش به وصلی مجدد پایان دهد.

آری ۱۴ معصوم عاشقانه منتظرند که بار دیگر خون وصل در رگ‌های هجران کشیده‌شان به گردش درآید و تا ابد با جسم مطهرشان در قرب الهی متنعم از رحمت و نعمت‌های الهی زندگی کنند چیزی که دشمنانشان به خیال خام خود در این دنیا از آنان دریغ کردند که امشب مصادف است با شهادت گوهری از آن گنجینه‌ی الهی،

پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیا، ابا جعفر، محمدبن‌علی ملقب به باقر (ع) می‌باشد. ایشان نیاز و کمبود جامعه‌ی اسلامی آن عصر را و دلیل کج روی‌ها و فریب خوردن آنان از مکر و نیرنگ سران منافق و ظلم را در عدم برخورداری آنان از علم و فرهنگ غنی اسلامی تشخیص دادند و نسبت به پایه‌گذاری و نشر علم الهی همت شایان نمودند و در این رابطه شاگردان زیادی تربیت نمودند و چون علم و دانش امام مانند امامان دیگر از وحی سرچشمه می‌گرفت در نتیجه همه‌ی دانشمندان چه دوست و دشمن معترف به شخصیت علمی امام شده و از محضر درس ایشان کسب فیض می‌کردند و شکوه علمی امام چنان درخشان بود که هر کجا سخن از دودمان پیغمبر به میان می‌آمد امام محمد باقر را یگانه وارث علوم و کمالات پیغمبر می‌دانستند و اعتراف می‌کردند که اینان خاندانی هستند که خداوند به زیور علم و دانش ایشان را آراسته است. سرانجام امام محمد باقر (ع) پس از سال‌ها رنج و زحمت و خدمت به فرهنگ و معارف اسلام در هفتم ذی‌الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک ملعون مسموم و شهید شدند و بدن پاکشان در بقیع کنار امامان دیگر به خاک سپرده شد. ایشان می‌فرمودند: دروغ، از خرابی ایمان است. مؤمن ترسو و حریص و بخیل نمی‌شود. آن کس که به بندگان خدا ستم روا دارد از شیعیان ما نیست.

خواهران و برادران همان‌گونه‌ای که می‌دانید ما در دهه‌ی اول ذی‌الحجه یعنی ایام معلومات و میقات حضرت موسی (ع) و ساخت کعبه و طواف حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) واقع شده‌ایم، جای بسی سعادت است برای ما که امسال این ایام مطابقت گردیده با حج امام مولا و سرورمان، حاجی راستین صحرای عرفات و منا و مسجدالحرام، ابی‌صالح المهدی (عج). بار خدایا قرار بده در این زمان، مولا و سرورمان را پیشوا و امام بر حق ما همان‌گونه‌ای که حضرت ابراهیم (ع) را خلیل و امام قراردادی که به‌وسیله‌ی وجود با برکت امام عصرمان رستگاران رستگار شوند، توبه کنندگان توبه کنند، عبادت کنندگان عبادت کنند، نجات یابندگان نجات یابند، هلاک شوند ستمگران و قاتلان و منافقان، و پیروز شوند حق مداران که این ایام، زمان قربانی کردن نفس‌ها و آشکار شدن اخلاص در بندگی و سعی و کوشش و جهد به سمت

عبودیت است که باید به صحرای عرفات، قلبی را برد که آینه‌ی حق و جلوه‌ی عشق الهی و جدا از هرگونه آلودگی باشد همان قلبی که در الست خداوند کریم به انسان‌ها عطا فرمود؛ همان قلب حضرت ابراهیم و قلب رسول خدا حضرت محمد (ص) و فرزندان‌ش. همان قلبی که امام عصرمان به صحرای عرفات می‌برد؛ همان قلبی که حضرت موسی (ع) به میقات برد آنگاه پروردگار عالم امر فرمود: ای موسی، مرا نخواهی دید، به کوه طور بنگر؛ کوه از حرارت درون پیامبر ناپدید گردید و ندایی در کوه پیچید که: ای کوه، به چه گمانی مغرورانه محکم ایستاده بودی و هر ندایی را در خود ذخیره می‌کردی و نشان قدرت الهی بودی در استحکام؟ ولی پروردگار کریم اراده فرمود تا به همگان نشان دهد که اگر بنده‌ای درونش در محبت خالقش فنا شود محکم‌ترین کوه‌ها را به سست‌ترین مبدل می‌گرداند و هرگاه چشم از آن بردارد مجدداً در جای اولیه دیده می‌شود.

بله این عشق، در خانه‌ی دل است؛ ما که از خانه‌ی کعبه دور و از حاجیان نیستیم هر لحظه باید طواف خانه‌ی دل کنیم. ما که سعادت حضور در این کوی عشق در خانه‌ی امام عصر (عج) را داریم باید بدانیم و باور کنیم که مولا و امامان همانند جد بزرگوارشان حضرت ابراهیم که خداوند فرمود: ای ابراهیم، خانه‌ی مرا برای راکعان و ساجدان پاکیزه کن. ایشان نیز با فرمایشات گهربارشان سعی می‌نمایند خانه‌ی دل ما را از آلودگی گناهان پاک کنند و در ساخت خانه‌ی دلی محکم و استوار در مقابل شیطان و نفس ما را یاری فرمایند که به فرموده و سفارش زیبای ایشان توجه خاص می‌نماییم که فرمودند: برای ساخت خانه‌ی دل، مصالح خوب و محکم را انتخاب کنید تا خانه‌ای محکم و زیبا را به پیشگاه پروردگار عالم برید تا در وعده‌اش به حقانیت آنچه که به واسطه‌ی مأموران آسمانی برایتان آماده شده برسید و به خداوند عرضه دارید: ای خالق هستی، دست‌های ناتوانم مشتاق رسیدن به در خانه‌ای است که خود فرمودی که آن نور در خانه‌هایی است که خدا رخصت داد ارجمندش دارند و نامش در آنجا یاد شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیح گویند پس رخصت آن را با درک نعمتش به جانم بچشان تا همواره بر خاک درگاه با عظمتت در سجده‌ی شکر باشم.

در خاتمه‌ی خطبه همچون آغاز آن بهره می‌گیریم از مناجات زیبای امام سجاد در این ایام:

بار الها دل‌های ما را مشتاق طاعات و عبادات فرما.

بار الها ما را از آنچه موجب دوری از ثواب و برکات و مانع رسیدن به قربت می‌شود پناه ده.

بار الها ما را با کسانی که وعده‌های عذابت را سبک شمرده و از راه تو منحرف شده‌اند و عصیان کرده‌اند قرار مده.

بار الها میان ما و دشمنی که گمراه کند و هوسی که نابودمان سازد و عیبی که ما را از پا درآورد جدایی افکن.

بار الها ما را در این ایام شریف لباس رحمت و مغفرت خود بپوشان و آنچه را که به وفا کنندگان به عهده‌ت، تحمل کنندگان رنج و مشقت راحت و کوشش کنندگان جهت خشنودیات قرار داده‌ای به ما نیز عطا فرما.

بار الها از آنچه در این ایام به بندگان کوشا در عبادتت و به طواف کنندگان خانه‌ات عطا می‌کنی ما را هم بی‌نصیب نگردان.

بار الها درودها و سلام ما را همراه تهنیت به پیشگاه امام زمانمان برسان و قلب نازنین ایشان را از ما خشنود بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز عرفه

۴ آبان ۹۱

ستایش مخصوص آن خدایی است که هیچ کس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و غیر آن ذات یکتا هیچ خدایی نیست. مثل و مانندی ندارد و هر لحظه بر همه‌ی آفرینش بصیر و آگاه است و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل دارد. خدای من به یکتاییات گواه و به ربوبیت معترفم می‌دانم که تو مربی و پروردگار منی و بازگشت من به سوی توست، همان‌گونه‌ای که در اول نابود بودم به من نعمت وجود بخشیدی. ای خدای من به لقای تو اشتیاق دارم و می‌دانم به حال هر کس که به درگاهت تضرع و زاری کند ترحم می‌فرمایی.

خدایا، خدای مهربان با مولایم حسین چه کردی که این‌گونه برای رضا و لقای سر از پا نشناخت و دل بی‌تاب و شیفته و عاشقش همچون کودکی گمشده آرام و قرار نگرفت و برای رسیدن به آن هیچ ندید؛ خداوند کریم مرا نیز حسینی‌ام کن، عاشق و بی‌قرارم کن، آخه امام حسین (ع) مولا و امام من، پیشوا و معلم من است به حامی ترحم کن تا حسینی شوم همان‌گونه‌ای که مولایم حسین اعتراف کرد و فرمود: بار الها مرا به یاد خود و شکر نعمت‌های بی‌حد خویش، طاعت و عبادت متذکر ساختی و فهم علوم و حقایقی که پیغمبرانت به وحی آوردند به من عطا فرمودی و بر من قبول هر آنچه را که رضای تو در آن است آسان کردی.

خدای من بر من نیز چنان کن که خشنودی و رضای تو را در همه‌ی امورم همچون نفس‌هایم برای زنده بودنم بر خود لازم بدانم که امامم چه زیبا آن را به نمایش تاریخ گذاشت و تا آخرین نفس به دنبال آن بود و آخرین کلامی که ایشان فرمودند: الهی رضم به رضائک بود. مولای من یا ابا عبدالله، دل عاشق و سوخته از غم هجرانت مشتاق لقای الهی بود و حتی با تضرع و زاری و آبشار اشک‌های ذره‌ای از سوزش آن کم نشد؛ این عشق را در کدامین مکتب آموختی؟ از جد بزرگوارت رسول خدا یا پدر گرامی‌ات امیر مؤمنان یا مادرت آن گوهر یکتای الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س)

که این‌گونه ابراز بندگی فرمودی که: ای خدای من، هرگونه نعمت را بر من تمام کردی، هرگونه رنج و بلا را از من برطرف نمودی و هر وقت تو را خواندم اجابت کردی و چون از تو درخواستی کردم عطا فرمودی و اگر تو را اطاعت کردم پاداش کامل دادی و اگر شکر تو به جای آوردم بر نعمتم افزودی همه‌ی این لطف‌ها را فرمودی تا نعمت و احسانت را بر من به حد کمال رسانی.

بله مولای من امام حسین، کشته شدن یاران و نزدیکانت را رنج و بلا ندیدی و اجابت دعایت را در شهید شدنت در راه خدا دانستی که فرمودی: ای خدای من به تو می‌نامم پس اگر تو بر من قهر و غضب نکنی و بر من خشم نگیری باکی از خشم دیگران ندارم و آن هم ای ذات منزّه آسان است بر من اگر لطف و عافیت مرا زیاد کنی.

به قربان دل دریایی‌تان که در راه خداوند کریم همه چیز را زیبا دیدی و چنان در میقات عشق سرودهای عاشقانه سر دادی که عقل‌ها از درک آن عاجز و زبان‌ها از وصفش قاصر ماندند؛ زمانی که در مقام ابراهیم به جدت حضرت ابراهیم (ع) فرمودی که: جانم مشتاق لقای است که زمان را می‌شکافد پس یاری‌ام کن تا در طور عشق سرافراز باشم و در طواف کعبه به یاران فرمودی: ای حاجیان کوی عشق، طوافی را آغاز کنید که صفا و مروه‌اش دویدن به طرف فرمان پروردگارتان است و قربانی‌اش چهارپا نیست بلکه جانی است که در میقات، سر بر آستان اطاعت می‌گذارد و دوباره در مقام ابراهیم نشسته صورت مبارکتان را بر آن گذاشته و فرمودی: ای بت شکن دهر، به فرزندت بنگر که تبر به دوش به میثاق عشق می‌رود ولی آنچه را که می‌شکند سنگ نیست بلکه قلبی است که شیطان ربوده و نقش خویش را بر آن محک زده، دعایم کنید تا قبل از خرد کردنشان نقششان را از نفس شیطانی پاک کنم و اگر نتوانستم آن‌چنان بر فرقشان بکوبم که زمان تکرارش را به یاد نیاورد؛ و حضرت علی اصغر را در مقام گذارده و فرمودی که: ای خلیل خدا، به کوچک‌ترین سربازم قوت جهادی بده که نامش پرچم بت شکنان دهر شود و بازوی کوچکش تبر اطاعت را حمل کند و جان چنان گلش در خون پاکش بشکند تا زمان، گلی به زیبایی او را به یاد نیاورد.

کعبه و رکن و مقام، این نغمه‌ها و سرودهای عاشقانه و عارفانه را در خود ذخیره کرده و به شوق آن لحظات، آب زمزمش جاری است.

مولای من یا ابا عبدالله شما اعمال حج را تمام انجام دادید فقط قربانی را به منا نبردید تا اعمالتان کامل شود ولی به فدای قلب عاشق و زیبا پسندتان که برای قربانی، چهارپا را شایسته ندانستید، جان خود و فرزندان و یارانتان را به قربانگاه کربلا بردید. چه زیبا مادر گرامی‌تان کوثر هستی حضرت زهرا (ص) قصه‌ی آن را برای جدتان رسول خدا پیش‌بینی فرمودند که: در روز عید قربان پدرم رسول خدا پیامبر خاتم (ص) مرا در کودکی روی زانوان با عزتشان نشانند و فرمودند: فاطمه جان، عید قربان را برایم بازگو کن می‌خواهم آن را از زبان تو بشنوم و من گفتم: ای پیامبر الهی، مرا فرزندانی خواهد بود چنان اسماعیل نبی که گردن اطاعت بر اوامر پروردگار خواهند نهاد؛ خونی را به جای خود جانشان نخواهند پذیرفت؛ تمام آفریده‌های الهی به پیشکشی خواهند آمد و فرزندانم با پیشکش بالاتری بر آنان غالب خواهند شد تا همه ابراز دارند آنچه فرزندان فاطمه دارند در عالم یگانه است و پروردگارم پیشکشی‌شان را بپذیرد و آنان را جانشینان پیامبر خاتم اعلام فرماید. پدرم اشک از چشمان مبارکشان جاری شد و فرمود: چه زیبا عید قربان را برایم باز گفתי ای حبیب جانم. و شما یا ابا عبدالله در کربلا در میثاق عشق، این فرموده‌ی مادر گرامی‌تان را به نمایش گذاشتید و زمانی که سوار بر اسب باوفای خود شدید به او فرمودید که: همراه من، آنگاه که از زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود؛ پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون خود گل کنم و همه‌ی عالم را به تماشایش فرا خواهم خواند و خواهم گفت: به حسین بنگرید، آیا هنوز نتوانسته بنده‌ی لایقی باشد؟ قلبم گواهی می‌دهد که هرگز به شکر نعمت‌هایش دست نخواهم یافت.

حال مولای من یا امام حسین، ما منتظران و دل‌باختگان ساکن کوی عشقِ فرزند گرامی‌تان، امام و مولا و سرورمان ابوالصالح المهدی (عج) هستیم که قلب عاشق و زیبا و

دریایی شما را به تمامی به ارث برده‌اند و ایشان در این روز بزرگ در محل دعای شما ایستاده و دعایی که خواهر گرامی‌تان حضرت زینب به شما فرمودند که: ای جانشین پدرم، ما را به دعایی سفارش کن تا آمدنمان به کعبه جاودانه شود و کعبه آن را برای مهمانانش همچون گنجی حفظ کند و شما فرمودید: قبل از این که از سرزمین وحی خارج شویم همگی دعا خواهیم نمود تا امانتی باشد نزد مؤمنان، و یاران و نزدیکانتان در کنار شما ایستاده و دعای روز عرفه را خواندید و جاودانه شد و ما در این روز و این ساعت از امام و مولایمان به التماس تقاضا داریم همچون یاران جدتان امام حسین (ع) اجازه فرمایید در کنارتان دعای روز عرفه‌ی جدتان اباعبدالله را ما نیز همراه شما بخوانیم.

اینک با فرازی از دعای عرفه‌ی دستان گدایمان را به درگاه با جود و سخا و با کرامت پروردگار کریم بلند می‌کنیم: بار اله، ما را در این هنگام رستگاری و پیروزی ببخشا و از آنانی که از احسان و رحمت بهره‌مند شدند قرار بده و چشم‌امیدی که به فضل و کرمیت داریم ناامید مساز و از رحمت و اسعاهات ما را محروم نگردان؛ از درگاه کریمت ما را مأیوس نکن و روزی کن حجی با معرفت در رکاب مولایمان امام عصر و در ظهور دولت حقه‌ی ایشان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۵ آبان ۹۱

خطبه‌ی عید قربان

به نام آغاز کننده‌ی طلوعی متبرک؛ طلوعی که حکایت‌هایی شیرین را در لوح زمان نگاشته است تا شنوندگانش دریچه‌ی زمان را بگشایند و با چشم روح، در آن بنگرند؛ قلب‌های تپنده‌ای که با اشتیاق به سوی قربانگاه در حرکت‌اند تا به فرمان پروردگارشان ذبح پیشکشی را بر زمین منا بخوابانند و نام پروردگار را بر آن بخوانند آنگاه قربانی‌اش کنند، جانشان از بند احرام آزاد گردد و مجدداً به لباس دنیا مزین شود.

چه روز زیبایی است! دهم ذی‌الحجه، شوق رفتن به سوی محبوب، جان‌ها را مانند امواج دریا را می‌شکافد؛ می‌دوند، می‌ایستند، به شیطان سنگ می‌زنند، سر را می‌تراشند، نگران‌اند که روز تمام شود و آن‌ها از ساعتش عقب بمانند پس چه فلسفه‌ی عجیبی را در خود مخفی نموده؟ باید دست را بر این صحرای غریب کشید و خاکش را لمس کرد تا بوی اسماعیلِ نبی را از دلش استشمام کرد.

امروز آسمان به این صحرا نزدیک می‌شود تا راضی را در گوش ابراهیم خلیل (ع) زمزمه کند؛ ای ابراهیم، آنگاه که به آتش نمرودیان می‌نگریستی بر سوختن جانت، از شوق می‌گریستی و آنگاه که دست و پای میوه‌ی جانت را می‌بستی باز از شوق می‌گریستی. نام این اشک چیست؟ معمایش را فاش کن تا فرزندان، میراث بران حقیقی نبوت بر آن آگاه شوند و ابراهیم خلیل (ع) در پاسخ می‌فرمود: گنجینه‌ای را در صندوقچه‌ی جانم به امانت دارم که جز به آخرین فرزندم آن را به میراث نخواهم بخشید پس آسوده‌ام بگذار تا پسر احمد، محمود، محمد (ص) بیاید آنگاه آن را برای فاش خواهم کرد. او آمد؛ گنجینه آشکار شد؛ نامش اعلام گردید؛ امروز بر سنگی که سر اسماعیل را بر آن گذاشتی نشسته است. ای خلیل پروردگار عالم، بگو راز آن اشک چه بود؟ گریه‌ی میلیون‌ها دل مشتاق صحرای منا که بر غربت جانشان می‌گریند؛ جانی که قیامت را می‌چشد و طعمش را به خاطر نمی‌سپارد، می‌رود در بازیچه‌های خویش گم

می‌شود، باز به زمین پر افسون سقوط می‌کند و جانش در گرداب‌های تاریک نفس اماره به فراموشی سپرده می‌شود و من جانشین رسالت بر این جانِ فرو افتاده همان‌گونه که تو می‌گریستی می‌گیریم تا پروردگارم به ندایت آنگاه که فرمودی که: ای اسماعیل، صبور باش تا امر پروردگارم را اجابت کنم صبور باشم، در دل این صحرای پر رمز و راز بنشینم و به افق سرخ منا بنگرم و بر اشک‌های حاجیانی که از خاک و سنگ طلب گمشده‌ی خویش را می‌کنند، پیامبران را در جای پایشان می‌جویند نه در هدایتشان. افسوس، همان‌گونه که مأموران الهی فرمان بر آستان کبریایی خالق خویش بودند و بر آنچه مشیت امتشان بود صبر می‌کردند باید صبور بود تا امر پروردگار عالم امضا گردد و صحرای منا از قربانی‌های مشتاق گلگون گردد که از غربت زمین به آسمان عزت پروردگارشان صعود کنند و رازهای نهفته در جانشان را در بریدن سر نفس اماره بجویند و سرافرازانه از صحرای منا خارج شوند تا دیگر بتی برای شکستن یافت نشود.

امروز دل‌های خاشع، در بارگاه پروردگارشان قربانی قرآن کریم است پس ای امت ابراهیم خلیل، طناب اطاعت بر گردن بیاویزید و گلوی نفس شیطانی را ببرید تا حاجی باطنی مطهر شوید نه حاجی ظاهری مطهر. کمر همتان را محکم کنید تا احرام وجودتان گشوده نشود و جانتان مانند مولایتان حسین قربانی کوی حق گردد و باطل را همواره کف روی آب تلقی کند که زمان، آن را به فراموشی خواهد سپرد.

اینک با دلی مشتاق و چشمی گریان، باز، هم نوا با صحرای منا فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰ آبان ۹۱

خطبه‌ی ولادت امام هادی (ع)

حمد و سپاس از آن خداوند رحمان است. حمدی که زینده‌ی ذات کریمه‌اش باشد و با جلالتش برابری کند؛ حمد و سپاسی که غیر از خداوند عظیم را سزاوار نباشد؛ حمدی دائم و پیایی و بی‌شمار و ابدی شایسته‌ی خداوند رحیم، غفار و غفور است. بار الها تویی صاحب جلال و بزرگی که هر چه در زیر عرش تو است در برابر عظمت خاشع و در پیشگاهت خوار و خاضع است. پاک و منزهی تو؛ نیست معبودی غیر از ذات اقدس و کبریایی‌ات.

پس برکات الهی آنگاه که فرمود: ای آفریده‌های من، شاهد باشید من از مخلوق و جانشینم پیمانی گرفتم که مرا خالق خود نامد و جانش را با نام من زنده یافت و آمدن و رفتنش را در سایه‌ی لطف و احسان من پیدا نمود و به سخن درآمد و مرا ستایش کرد و محبت مرا به جان خرید پس من او را برگزیدم و جانشینم اعلام کردم و خوبی و بدی را به او الهام نمودم باشد که سپاسگزار باشد. بار الها حمد و سپاس مرا از لطف و احسانت بپذیر.

درود و رحمت بی‌پایان الهی بر خاتم انبیا، افضل پیامبران، حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاک و برگزیده و منزّه از هر گونه آلودگی‌اش که همگی از ستارگان درخشان هدایت‌اند پس سلام و برکات الهی بر جان‌هایی که زنده بودنشان مانند حیاتِ خورشید است در پرورش رویدنی‌ها و ضربان قلبشان نوید نجات است و نیایششان رمز بندگی پس سلام و صلوات ملائکه و آنچه در غیب است یا در ظاهر، بر ساعات و لحظه‌های عمرشان باد که همواره در سلامت‌اند از نفس اماره.

بله چه زیباست این سلام و مصداقش پیامبر و خاندان گرمی‌اش هستند که هر لحظه از عمرشان و گرمای وجود مطهرشان نوید نجات از گمراهی و عذاب را برای امت مسلمان و بشریت به ارمغان آورده است که امشب مصادف است با میلاد دهمین اختر امامت، خورشید ولایت، صابر، عادل عالم و هادی، حضرت امام علی النقی (ع)

ملقب به هادی. ایشان در نیمه‌ی ذی‌الحجه سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شد. پدر بزرگوارشان امام جواد (ع) و مادر گرامی‌شان بانو سمانه هستند که خامی با تقوا و فضیلت بودند. حضرت در سال ۲۲۰ هجری پس از شهادت امام جواد (ع) در سن هشت سالگی امامت امت را به عهده گرفتند. با وجود سن کم، چنان در علم و کمال و معرفت و تدبیر و رهبری از خود اقتدار و توانایی نشان دادند که مورد علاقه و توجه شیعیان قرار گرفتند و خلفای عباسی سخت از ایشان می‌ترسیدند و به تبعید و آزارش دست زدند و متوکل عباسی امام را از مدینه به سامرا آورد و تا پایان عمر در آنجا تحت مراقبت شدید قرار داد. با اینکه مدت زندگانی امام هادی با حکومت هفت خلیفه‌ی عباسی هم‌زمان بود ولی سخت‌ترین دوران زندگی امام هادی (ع) زمان متوکل عباسی به شمار می‌رفت زیرا وی مردی شهرت طلب و ناپاک و بی‌ایمان بود و اگر به مذهب تظاهر می‌کرد فقط به پیشبرد هدف‌های سیاسی‌اش نظر داشت به طوری که درون و افکار پلید و شیطانی خود را در سال ۲۲۶ هجری نشان داد؛ این ملعون دستور داد ساختمانی را که بر محل دفن امام حسین و شهدای کربلا ساخته شده بود را خراب کنند تا مردم را از فیض زیارت آن محروم سازد. متوکل لعنت الله و پدرانش و همه‌ی آنانی که وجود پلید شیطانی داشتند و در عصر حاضر نیز فراوان یافت می‌شوند می‌دانستند و می‌دانند که هر کدام از این بارگاه‌های ملکوتی، سنگری محکم علیه ظلم و کفر و فتنه و نفاق می‌باشد چون مبارزه و مخالفت امامان بزرگوار با ستمگران و فرمانروایان بیدادگر از افتخارات تاریخ اسلام و تشیع است؛ آنان با سازش‌ناپذیری با ظلم و افشاگری چهره‌ی منافقین و نیت‌های پلیدشان و دفاع از حق، خشم ستمگران را برمی‌انگیختند و راحتی را از این افراد پستِ دون صفت می‌گرفتند که هنوز نیز این بارگاه‌های ملکوتی امامان، تغذیه‌کننده و هدایتگر شیعیان فداکار و عاشقان حق است که اگر متوکل در ۱،۲۰۰ سال قبل این کار را انجام داد در عصر حاضر با مہب‌گذاری‌ها در این اماکن متبرکه که باعث آزار درونی آن‌ها می‌شود می‌خواهند سرپوشی بر اعمال ننگین خود بگذارند.

چه زیبا سخنی است توصیف صحرای کربلا که اکنون تبدیل به متاعی دنیایی شده که شهیدان در آن آرمیده‌اند، در باغ‌های رضوان و قاتلان اهل بیت در گودالی خطرناک در

آتشی از خشم الهی غوطه‌ورند و همه‌ی بدنشان مانند گوشتی بریان شده است و یک چشم آنان سالم است برای دیدن عذاب الهی خود و همه‌ی جنایتگران و همفکرانشان، و مرتباً فریاد یا محمدای آنان شنیده می‌شود. همان‌طور که شما به زیارت صحرای جنگ با باطل علاقه دارید اولیاء نیز به زیارت خاک آن علاقه‌مند هستند، از امام عصرتان تقاضا کنید تا زمان را به آن زمان منتقل کنند آنگاه با تلاوت آیات سوره‌ی منافقون عذاب آنان را شدت بیشتری ببخشید تا دعایتان در زیارت صحرای کربلا مستجاب شود و با یاد امام حسین (ع) بهشت و جهنم را در وجودتان به تصویر بکشید؛ در بهشت آن آرامش یابید و در جهنم آن دین خودتان را محکم کنید.

حال ضمن درود و سلام و تحیت و تبریک خدمت مادر گرامی امام هادی (ع) سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) و خدمت مولا و سرورمان بقیةالله ارواحنا لک الفدا به مناسبت مولود امشب، با نزدیک شدن ایام ماه محرم از وجود مقدسشان عاجزانه تمنا می‌کنیم در آن ایام بر ما منت گذارند و ما را از راهنمایی‌های خودشان در مورد نهضت عاشورای جدشان امام حسین (ع) محروم نفرمایند و ما را به لطف شایان خود مزین فرمایند اگرچه ما لایق آن نیستیم.

حال دست به دعا برمی‌داریم که

بار الها به حرمت مولود امشب، امام بزرگوارمان، امام هادی (ع) به ما ایمان و باور و یقینی استوار عطا بفرما.

بار الها همان‌گونه‌ای که متوکل عباسی امام هادی (ع) را مورد آزار قرار می‌داد متوکلین عصر حاضر نیز در لباس دین شیعیان واقعی را آزار می‌دهند و جنایت می‌کنند. با ظهور امام عصرمان دنیا را از لوث وجود پلیدشان پاک بفرما.

بار الها قلب نازنین امام عصر از جهل و سستی امت، غصه‌دار است؛ با امضا امر ظهور، قلب ایشان و قلب همه‌ی منتظران را شاد بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی عید غدیر

۱۳ آبان ۹۱

حمد و سپاس خداوند جلیل و جلال و جمیل را سزااست که ارجمند است در فرمانروایی، بی‌شریک و وزیر است در خدایی، شنوا و بینا و توانا و دانا و حکیم است؛ بخشنده و نیکوکار و عذر پذیر گنه‌کار و کریم است. نور زمین و آسمان‌ها و ستارگان و کهکشان‌ها است و آفریننده‌ی جانداران و گیاهان و زنده کننده‌ی مردگان است. پاک و منزّه است پروردگار بی‌همتا؛ نیست معبودی غیر از او.

و درود و صلوات خداوند بر پیامبر اعظم، رسول اکرم، نبی مرسل، حضرت محمد (ص) و بر خاندانش که همگی معدن رحمت، گنجینه‌های علم و دانش، ستارگان هدایت، پرچم‌های ایمان و تقوا و دعوت کنندگان به حق و پارسایی‌اند.

سلام بر امیر غدیر و غدیریان از غدیر تا قیامت.

غدیر، روز رحمت و روز کمال، روز فرقان، روز هدایت و نجات و شکوفایی، روز شکست باطل و شیطان، روز پیروزی حق‌طلبان و عدالت خواهان. سلام بر امیر منتخب، خلیل نبوت، جانشین پیغمبر، وارث انبیا، شمشیر ذوالجلال، شجره‌ی تقوا، میزان اعمال صالح، اوج ایمان و راه روشن، اختر رخشان، امیر مؤمنان علی علیه‌السلام که در غدیر، خداوند متعال یک بار دیگر همه‌ی زمین و آسمان و هر آنچه در آن است را به تماشای خلیفه‌اش امیر مؤمنان فراخواند که انسان‌ها با بیعتشان و همه‌ی هستی با سجده و اطاعتش عاشقانه به او عشق بورزند و سلام و برکات پروردگار بر آن لحظات، که حکمش ابدی و اطاعتش سرمدی است و سلام بر جان‌های مشتاق که همواره در فرامین قرآن کریم پا در رکاب اطاعت پروردگارش دارند تا جان ضعیفشان در پرتو انوارش از گردبادهای نفس اماره رهایی یابد آنگاه به زبان عجز به ناتوانی جانی معترف شوند که عالم هستی در چرخشش امانت‌دار آن بود آنگاه که پروردگارش او را ندا داده است که خلیفه‌ات را دریاب او اطاعت کرده و در مقابلش به سجده درآمده تا بر گرده‌ی علمش سوار شود و هر لحظه ورقی از دفتر خلقت به دستش

نگاشته شود آنگاه آفرینش به سخن درآید و او را خطاب کند: ای خلیفه‌ام، به تو نگریستم و از انوارت به آبادانی درآمدم؛ شب و روزم را به عشقت آراستم و در قامت نگریستم؛ به نجواهایت سختی را هم فراموش کردم؛ از سرچشمه‌ی روح خداوندی‌ات نوشیدم و جان معطرت را در آغوشم خوابانیدم، از عطرش گل‌های زمین را رویاندم و دانه‌ها را از غلافشان خارج کردم و به آن لحظه که این امانت را از دامنم بستانند اشک‌ها ریختم و سیلاب‌ها جاری کردم؛ آتش‌فشان‌ها را افروختم و باز شعله‌ی جانم فرو نشست؛ دست بر دامن ندای پروردگارم شدم که فرمود: آنگاه که آسمان بشکافد و زمین زیر و رو شود هر کس بداند که با خود چه چیزی را آورده است؛ آنچه همراه خلیفه‌ام باشد تمنای آفرینشی است که او را همواره ستوده است.

بله وای بر احوال انسان‌های جاهل و خودپرست و قدرناشناس که از سنگ و خاک هم کم ترند درحالی‌که زمین و کوه و همه‌ی هستی با زیباترین بیانِ عارفانه و عاشقانه فرمان‌برداری و اطاعت از خلیفه را ابراز می‌دارد آنان به پیمان خود وفا نکرده و عهد شکستند؛ نه تنها قلب نازنین امام و ولی و خلیفه‌ی راستین امیر مؤمنان علی (ع) را با جهل و ظلم به خود زخم زدند بلکه امر پروردگار مهربان و پیامبر رحمت للعالمین را نیز نادیده گرفتند که امیر مؤمنان علی (ع) درباره‌ی ایشان چنین فرمودند: این مردم طعم شیرین بیعت با امام و ولی را به زهری خطرناک تبدیل کردند و آن زهر در جانشان آن‌چنان اثر کرد که نجات از آن ممکن نشد و مرگ در وجودشان نمایان شد و تلاش من برای نجات ایشان بی‌حاصل ماند و آنان مُردند و بدنی مسموم را به قیامت می‌آورند تا سموم آن با آتش بسوزد و پاک شود.

در ادامه در مورد غدیر می‌فرمایند: زبان‌ها از شکر آن عاجز و فکرها از اندیشیدن به آن در حیرت است که خداوند بزرگ تکامل دین را در تکامل راه آن قرار داد؛ سر راهش ۱۲ چراغ فروزان که هر اختری نوری را ساطع نمود قرار داد و بسیاری از مردم در آن نور، راه هدایت را یافتند و آخرین اختری که باقی مانده اجرا کننده‌ی یحیی و یمیت است که طبق مثال‌های قرآن کریم بعد از هر باران، طبیعت زنده می‌شود و گیاهانی تازه می‌رویاند؛ در غدیر، طبیعت زنده شد و آنچه از گیاهان از آن روید همه

معطر و خوشبو بودند که هرگز خزان به آنها راه پیدا نکرد و آخرین امام، بهاری است که هرگز پاییزی ندارد و گل غدیر در آن برای همیشه باقی می‌ماند و احدی را جرئت چیدن آن نمی‌باشد ولی چه اندک‌اند آن‌هایی که با بهار غدیر گل دادند و چه بسیارند آنانی که با خزان غدیر زرد شدند و از بین رفتند و هرگز برایشان حیاتی مجدد نمی‌باشد؛ جز خزان رنگی را نخواهند دید و جز آتش خانه‌ای نخواهند داشت.

ایشان در توصیف شیعه‌ی واقعی چنین فرمودند که: اگر باور کنید که کسی بتواند کوه بزرگی را با یک دست بلند کند و از جا بکند آن وقت می‌توانید باور کنید که شیعیان را هم می‌شود با یک اشاره از راه بیرون آورد و اگر کار اولی دشوار بود کار دومی هم دشوار است. آن کس که خود را شیعه می‌نامد آن کوه است و اگر غیر آن عمل کند مانند دیوار شکسته است که هر آن با یک باد فرو می‌ریزد و سال‌ها می‌گذرد و بیعت کنندگان آینده‌ی ولایت، نام مرا دوست می‌دارند ولی دست مرا نمی‌گیرند بلکه از آن می‌ترسند، دستانشان را مخفی می‌کنند و نام مرا برای بیعت صدا می‌زنند و بیعت با صدا مانند نوایی در باد است که باد فقط باعث تکرار آن است و اثر دیگری ندارد؛ ظلم در نام من محو و نابود می‌شود و ظالم با نام من دچار عطش قیامت خواهد شد.

حال امامت و غدیر و امیر مؤمنان علی (ع) را از دیدگاه سرور عالمیان حضرت زهرا (س) بیان می‌کنیم که فرمودند: حی علی خیرالعمل در اذان یعنی ولایت امیر مؤمنان علی (ع) که در آغاز اطاعت از پروردگار کریم است نماز ستایش است و ستایش همراه با اطاعت می‌باشد و اطاعت، عمل به فرامین و بزرگ‌ترین فرمان در اسلام اعلام ولایت بعد از رسول خاتم است و خداوند کریم وعده فرموده‌اند که همه‌ی مخلوقات خود را هدایت می‌کنند و تا هدایتگری نباشد کسی را مؤاخذه نمی‌کنند و آن هدایت در رسالت و امامت تا قیامت ادامه دارد. در کنار ولایت بودن از ظلمات نجات پیدا کردن است و این بهترین لطف و ایثار الهی می‌باشد پس نمازی که بهترین عمل‌هاست بدون ولایت کامل نیست چون این دستور قرآن کریم است که فرمود: من دین را در جانشینی رسالت کامل کردم پس نماز بدون ولایت شبی تاریک و طوفانی است و عمل من در اطاعت از امامت در پنجره‌ی قلبم جاودانه شد و معنی **أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ** شکل

گرفت و به عمل درآمد و آن عمل پذیرفته شد. اطاعت از امیر مؤمنان اطاعت از تمام فرزندان امام می‌باشد پس در خدمت فرزندش قائم آل محمد (ص) بودن یعنی در خدمت امیر مؤمنان بودن پس باید امت آخر زمان از ولی امرشان اطاعت صد در صد داشته باشند تا عبادتشان پذیرفته شود و دینشان کامل گردد و اگر غیر از این بود مسلمانی در کار نیست.

و در مورد شخصیت والای امیر مؤمنان علی (ع) نیز چنین فرمودند: جان امیر مؤمنان آنگاه که در کالبدش جان گرفت و پروردگار عالم اراده فرموده تا روح را در علقه‌ی جانش بدمد جانش به سخن درآمد و در اولین تکانِ حیاتش ابراز فرمود: ای جانانم، مرا از خاک و گلِ بهشت به لخته خونی بیافریدی و من در هر تکانی به شکوه درخواهم آمد که من خاکم و در خون جانم به آن گواهی خواهم داد پس نامم را از پدرم و از خاکش جدا نکن تا ابوتراب باشم، به زمین بیایم و نامم را با خود همراه کنم و مجدداً همان باشم و به خاک بهشت برگردم و پروردگار عالم دعایش را مستجاب فرمود و او را مولود کعبه قرار داد تا همواره در بهشت، جاودان باقی بماند و وجودش معصوم آمد و معصوم رفت تا به مکانی که برایش مشتاق بود بازگردد و در جوار حق جای گیرد پس منتظر فرزندش ابی‌صالح المهدی (عج) باشید که همان ابوتراب است که درختان زمین منتظرند تا سایه‌ی امر الهی بر زمین سایه افکند و پروردگار عالم امر فرماید که: خلیفه‌ی من و جانشین من در زمین به خانه‌ی من تکیه خواهد نمود و خود را به‌عنوان خلیفه‌ی من معرفی می‌کند آنگاه درختانِ زمینی محو شوند و برگ‌های خود را بریزند و شاخه‌های خویش را فرود آورد تا سرو قامت، منجی پروردگار عالم حضرت مهدی را در سایبان وجودش از ملکوت آسمان تا انتهاالیه زمین به تماشا بایستد و تبارک الله احسن الخالقین را معنا کند. پس شما که در این کوی عشق در این روز بزرگ حضور دارید با قلبی محکم و مطمئن اعلام کنید که همه‌ی جان عالم به فدای امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و وارث و فرزند گرامی‌شان امام عصر و زمان بقیةالله ارواحنا لک الفدا و تقاضا کنیم که دست‌های بیعتمان را بپذیرند و در پایداری یاری‌مان کنند.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها ما را یاری فرما در این روز بزرگ و همه‌ی روزها بر عهد و پیمان و بیعتمان با امام عصر استوار و محکم باشیم.

بار الها نام شیعه‌ی امیر مؤمنان نامی بس بزرگ و افتخارآفرین است؛ ما را یاری فرما که لیاقت شیعه بودن را داشته باشیم.

بار الها ما امر تو را که به‌وسیله‌ی پیامبرت در جهت اطاعت از امیر مؤمنان و فرزندان‌ش مخصوصاً امام عصر بود را شنیدیم و اطاعت کردیم، از فضل و کرم خود ما را جز گواهان ابدی، قرار بده.

حال دست بیعتمان بالا می‌بریم و هم‌نوا فریاد می‌زنیم:

اللهم وال من والاه و عاد من عاداه

سلم لمن سامكم حرب لمن حاربكم

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی روز مباحله

۱۹ آبان ۹۱

شکر سپاس پروردگار کریم و قهار را سزاوار است که در روز مباحله جلوه‌ی حق را نه تنها به مسیحیان مدینه بلکه به تمام دنیا تا قیامت نشان داد. جلوه‌ی حقی که در پنج تن تجلی شده بود، چنان بر باطل جلوه‌گری کرد که باطل با وجود قدرت و جمعیت به عجز و ناتوانی خود اعتراف کرد و همان‌گونه‌ای که پیامبر (ص) زمانی که برای مباحله با مسیحیان که عناد و کفرشان باعث گردیده بود تا به آخرین مکر و نیرنگ متوسل شوند، به امام حسین (ع) فرمودند: «حسین جان برای مباحله می‌رویم و امام حسین (ع) پرسیدند: چه خواهیم گفت؟ و پیامبر (ص) فرمودند: تو خود بزرگ‌ترین حرفی و نامت امضای این مباحله است.»

در این زمانه نیز امام و مولایمان ابی‌صالح المهدی (عج) بزرگ‌ترین حرف علیه باطل و امضای نابودی همه‌ی کافران و منافقان است و به تنهایی ابراهیم وار بر تمامی باطل و بت‌های کفر قیام خواهد نمود پس بر ماست با عمل به فرموده‌ی حضرت زهرا سلام الله علیها، خود را با ابراهیم زمانه همراه کنیم که چنین سفارش کرده‌اند:

«با توکل به پروردگار یکتا با ابراهیمی زندگی کنید که شما را می‌بیند و شما او را نمی‌بینید و هیئات و هزاران هیئات که ندانسته برای سوختن جانش هیزم می‌آورید تا او را که بت شکن نفس‌های زمانه است، بسوزانید، نامش را دوست دارید ولی تبرش را نمی‌گیرید از تبرش می‌گریزید و مانند نمرودیان که مطمئن بودند بت‌ها قادر به حرکت نیستند به وجودش ایمان دارید ولی قلب مبارکش را در آتش گناهان خویش می‌سوزانید و او را که مانند جدش ابراهیم سلام‌الله‌علیه تنهاست را دور از حقیقت رسالتش می‌بینید پس امام زمان را در رؤیاهای خویش می‌ستایید و در حقیقتِ کردارهایتان از او می‌گریزید، پس چاره‌ی این نادانی را در کجا جستجو می‌کنید!! و چاره‌ی نادانی شما علایق کودکانه‌ای است که تفکر و تعقل را از جانتان گرفته است و شما را در رؤیایی وارد نموده که بیدار شدنش سخت گردیده صدای حق همواره بلند و گویا بوده و حق طلبان همان کسانی هستند که در راه خدا با جان و مالشان جهاد

می‌کنند و به پیرایه‌های زودگذر دل نمی‌بازند زندگی با رنج را به زندگی خوش و زودگذر ترجیح می‌دهند و زبان به ستایش پروردگارشان می‌گشایند تا با ابراهیم زمانشان باشند و ساعات را در کنار او سپری کنند و از فضایلش جان را جاودانه گردانند.»

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آبان، آذر و دی ۹۱

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۳۴ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۹۱ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۹۱

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷ آذر ۹۱

خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س)

شکر و حمد و سپاس بر خالق یکتای آفرینش، آفرینشی که خود فرمود آن را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشته بلکه از روی رحمت و تدبیرش بر همه‌ی امور محیط و مدبر است. نیست معبودی غیر از خداوند حکیم و کریم؛ اوست که عزت را از آن مؤمنان و ذلت و خواری را از آن منافقان و کافران اراده فرمود پس حمد و ستایش شایسته‌ی اوست و برکات پروردگار کریم در جان‌هایی است که همواره در جوش و خروشدن تا دست ید الهی پروردگارش را در جانشان مانند دمایی که در زندگان، به اندازه و میزان محتاج است و در مردگان بی‌نیاز مراقبت؛ پس جانِ زنده به سرچشمه‌ای متصل است که همواره می‌جوشد و حرارتش را در خزانه‌ی قلبش احساس می‌کند؛ خزانه‌ای که قفل و کلیدش، راز و نیاز است و ثروتش عشق؛ آیا می‌توان آن دست را گرفت و به ملکوت سفر نکرد؟ پس مسافران ملکوت، قلب‌هایی زنده است که ضربانش خالقش را می‌ستاید.

شکر خالق یکتا را که حرارت وجود را در منتهای رحمتش آفرید پس سینه و قلبتان را با یاد پروردگار عالم از حرارت معمولی خارج کنید تا آتش‌فشانی شود که غُرُشش، شیطان را به عجز می‌اندازد و ملکوتیان را شاد می‌کند.

چه زیباست فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در توصیف مسافران ملکوت که قلبشان از هجران و عشق پروردگار آتش‌فشانی بود که با گدازه‌های خود باطل و ناپاک را سوزاند و حرارتش برای عاشقان حق، همچون گرمایی دل‌چسب در سرماست.

ما امشب به دور حرارت قلبی می‌گردیم که به ظاهر کوچک بود ولی در باطن، خورشید را به شگفتی واداشت که خود ایشان خود را این چنین معرفی فرموده‌اند: من فاطمه‌ی صغری یا فاطمه‌ی ثانی، دختر حسین بن علی (ع) هستم که به رقیه ملقب شدم؛ پدرم تمام فرزندان خود را به نام پدر و مادر گرمی‌شان نام‌گذاری کردند و نام مرا به لقب مادرشان آراستند و فرمودند: تو را در آینده‌ی زمان، چونان مادرم می‌بینم

که در مدد امامت جان زیباییت به دل خاک می‌رود تا چون گلی در وعده‌ی پروردگار بشکافد پس برای آن وعده بی‌قرار باش تا آن را دریابی. پدرم امام حسین (ع) آن زمان که در مکه‌ی مکرمه بودیم مرا در آغوش گرفت و فرمود: دخترم، آیا به تپش قلب پدر گوش می‌دهی؟ گفتم: بله. فرمودند: برای دخترش چه تند می‌تپد! دلیلش را می‌دانی؟ گفتم نمی‌دانم تا از زبان پدر آن را بشنوم؛ فرمودند: دلیلش حوادثی است که باید با جان کوچک منتظرش باشی تا عمه را یاری باشی مهربان. به پدرم قول دادم که صبور باشم. لحظه‌ی موعود رسید و پدر مرا در آغوش گرفت تا قولی را که داده بودم را فراموش نکنم. به پاهای پدر آویزان شدم و آن‌ها را محکم در آغوش گرفتم؛ پدرم فرمود: دخترم، همواره قرآن را تلاوت کن و بر آنچه مقدر شده صبور باش تا وعده‌ی دیدارمان فرا رسد. پدر رفت و آن روز سخت به پایان رسید و ما همراه امام عصرمان به راه پدر ادامه دادیم. گاه برادرم مرا در آغوش پر مهر امامت می‌گرفت و می‌فرمود: آفرین بر خانه‌ای که از عزیزترین متاعش در راه پروردگارش گذشت.

بله می‌بینیم در خاندان نبوت، لالایی کودکان، قصه‌ی شیدایی و زمزمه‌ی محبتشان آموزش ایمان و حق‌مداری بود؛ باید از آنان آموخت که در تربیت فرزندانمان در عوض یاد دادن ترانه‌ها و شعرهای بی‌حاصل، تقوی و ایمان و قرآن و حق‌جویی را به آنان آموزش دهیم.

در چنین شب‌ها بود که حضرت رقیه (س) به عمه‌ی خود حضرت زینب (س) فرمودند: عمه جان، از قراری که با پدر داشتم یک روز گذشته است؛ شما چه امری می‌فرمایید؟ حضرت زینب (س) رقیه را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: زمان قرار را پدرت می‌داند؛ اینک بخواب، او خود امر می‌کند کی به دیدارش بروی. رقیه چشمان خویش را بر هم می‌گذارد. صدای مهربان و دل‌نشین اباعبدالله در فضای جانش به صدا درمی‌آید: دخترم، اینک به وعده‌ام عمل خواهم نمود؛ سکوت شب موقع خوبی برای جهاد است؛ تو بر ذوالجناح که در بیرون کاروانسرا منتظرت است بنشین و پیروزی را با خواندن قرآن کریم اعلام کن. رقیه آرام برمی‌خیزد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: کجا می‌روی؟ می‌گویی: بر سر وعده حاضر می‌شوم. امام سجاد (ع) او را در آغوش گرفته و

تا در کاروانسرا مشایعت می‌کند. ذوالجناح منتظر است. رقیه سوار بر ذوالجناح می‌شود و آن‌چنان آیه‌ی افوض امری الی‌الله را تلاوت می‌کند که در شام زلزله‌ای رخ می‌دهد؛ همگان مانند ابراهیم خلیل صدایش را می‌شنوند و ارکان کاخ یزید به لرزه درمی‌آید؛ دیوارهایش ترک می‌خورد و یزید لعنت الله علیه دلیل این سر و صدا را می‌پرسد می‌گویند: دختر حسین بن علی سوار بر اسب پدرش فریاد می‌زند. یزید فرمان می‌دهد تا کودک را به کاخ بیاورند؛ مأموران به طرف رقیه می‌روند؛ امام سجاد (ع) رقیه را از اسب در آغوش می‌گیرند؛ وقتی مأموران می‌خواهند کودک را از امام بگیرند، رقیه به دعوت پدر به ملکوت پرواز کرده و به دیدارش شتافته بود. امام، رقیه را به آغوش زینب (س) می‌دهند تا بر او نماز گذارند و رقیه را در همان محلی که کاروان توقف کرده بود به خاک می‌سپارند. امام سجاد (ع) می‌فرمایند: قبر رقیه با شکوه‌تر از کاخ یزید در شام خواهد شد پس دل آسوده دارید که ملکوتیان در عرش به پرواز درمی‌آیند و امانت‌دارانشان مانند پروانه‌ای بر گردش‌شان می‌چرخند تا نامشان را برکت روح و جان خویش سازند.

حضرت رقیه (س) بعد از عاشورا به امام سجاد (ع) گفت: آنگاه که پاهای پدر را محکم گرفته بودم تا مرا هم مانند علی اصغر به میدان جنگ برد او مرا نوازش کرد و فرمود: من در پایان سفر به دیدارت خواهم آمد؛ مراقب باش در بیعت من بمانی تا تو را نزد خودم ببرم؛ و حضرت رقیه (س) تا پای جان بر این بیعت، استوار باقی ماند و بر آن اصرار ورزید.

جان عالم فدای مولا و سرورمان امام عصر و زمان بقیة الله ارواحنا لک الفدا که با همان مهربانی جدشان امام حسین (ع) که به حضرت رقیه فرمودند: منتظرم بمان و در بیعتم استواری کن ایشان نیز هر جمعه در کنار منتظران واقعی و ندبه خوان خود می‌نشینند و می‌فرمایند: مرا ببین، اشک تو را با وصلی شیرین از چهره‌ات می‌زدایم پس منتظرم بمان من تو را تنها نمی‌گذارم؛ ایمانت را محکم کن، با شیاطین جانت بجنگ تا ملکوتیان، مناجات تو را به عرش ببرند.

ای منتظران کوی عشق، در این زمانه‌ی فتنه و نفاق و کفر در مقابل چنین لطف و مهربانی و سفارش مولایمان چه خواهیم کرد؟ آیا لحظه‌ای به هیجان آمده و بعد فراموشمان شده، دست بیعتمان را آماده‌ی بیعت با همه چیز و همه کس خواهیم نمود و یا تا پای جان بر این پیمان وفادار و استوار می‌مانیم؟ اگر ماندیم باید باور و یقین کنیم که فریاد کودکی سه ساله در راه حق چنان قوی شد که کاخ ظلم را به زلزله واداشت و آن را شکافت پس در این شب حزن و اندوه سر را بر سینه‌ی حق بگذاریم و فریاد بزنییم: ای خنجرهای باطل، اگر دینم با بریدن سر من، از تباهی نجات پیدا می‌کند پس بیایید و سری که هجران یارش او را بی‌تاب نموده از بدن جدا کنید تا هجران‌ها به پایان برسند و تاریکی‌ها از بین بروند، انتظارها تمام شود و خون عاشقان قلمی شود که عشاق، با آن بنویسند؛ زمان‌ها تکرار شوند و عاشقانِ مسافر طور در پایین کوه انتظار، تو را فریاد کنند که: ما گوساله‌ی سامری را نخواستیم ما منتظر ماندیم تا وعده‌ی پروردگاران محقق شود و زمان انتظار به پایان برسد و جمال آقایمان با ندای هل من ناصر ینصرنی هویدا شود پس همه‌ی منتظران فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ دی ۹۱

خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس خداوند عظیم، حلیم، غفار و ستار را سزاست. خداوندی که بین انسان و قلبش حائل است و از رگ گردن به او نزدیک‌تر. از خیانت چشمان و آنچه در سینه‌ها پنهان است با خبر و به رازهای نهان آگاه است. اوست آفریننده‌ی هستی و برپا کننده‌ی قیامت و پدید آورنده‌ی جان‌ها پس از نیستی. نیست معبودی غیر او، پاک و منزّه است خداوند کریم و رحمان.

درود و صلوات خداوند بر پیام آورنده‌ی رحمت، رسول امجد، نبی مکرم، ابوالقاسم محمد (ص) و بر خاندان مطهر و گرمی‌اش.

و سلام، سلام نام با برکتی است که پروردگار عالم فرمود: آنگاه که به فرمان من احسانی پیش رو قرار گیرد و ضربان‌های حیات آغاز شود، فرشتگان به خفتگان در زمان مژده دهند: ای منتظران حق، برخیزید تا مهمان وعده‌ای شوید که به آمدنش یقین داشتید؛ اکنون خاک از جان بشوید تا ندای جانتان را که فرمود: **سَلَامٌ قَوْلٌ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ** را در گوش جانتان بشنوید و لبیک گویان بروید تا جانی را که غربتش زمان را به فغان می‌آورد را به سرمنزل عشق برسانید.

بله چه زیبا و لطیف است احساس و نوازش خدای مهربان در مورد بندگان عاشق خود همان‌هایی که در عطش وصالش سوختند و تنها با فدا کردن هستی و جان خود به آرامش رسیدند، که ما در این شب به میلاد عاشقی قلبمان می‌تپد که با ذکر و دعا و سرودهای عاشقانه‌اش، مخوف‌ترین سیاه چال را به گلستانی با طراوت تبدیل نمود که هر گلش نشانه‌ی سوز دلش بود و ایشان هفتمین نور امامت و ولایت، عبد صالح، عالم و کاظم، باب الحوائج، امام موسی بن جعفر (ع) بودند.

حضرت در هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری قمری متولد شدند. مدت امامت آن بزرگوار سی و چهار سال بود و در این مدت غالباً یا زندان یا در تبعید به سر بردند، ولی با وجود این در میان مردم نفوذ کامل داشتند و همیشه در حال مبارزه بودند.

امام موسی کاظم (ع) وصی اوصیاء و پیشوای شیعه و محل بروز صفات خداوند متعال و وارث حکمت‌ها و علم‌های پدران‌شان بودند. هارون‌الرشید لعنت الله علیه خیلی آرزو داشت تا با اذیت و آزار و تبعید و زندان، ایشان را وادار به تسلیم کند ولی این آرزو را به گور برد.

یکی از مناجات‌های مشهور آن حضرت در زندان این بود که می‌فرمودند: خدایا جای خلوتی را برای عبادت می‌خواستم، شکر تو را که به من عنایت فرمودی.

بله چه غافل و نادان‌اند دشمنان اهل‌بیت، به خیال جاهل خود فکر می‌کنند که خورشید امامت را در حصار یا سیاه چال زندانی کنند و مانع تجلی نورش که نشئت گرفته از نور خداوندی است شوند درحالی‌که فقط خود را از رحمت الهی دور می‌کنند چون خیانت به عترت که مزد رسول خداست کفر و دوری از خدا را به همراه دارد.

چه زیباست فرموده‌ی مادر هستی سرور عالمیان حضرت زهرا ی مرضیه (س) که فرمودند: عترت را که امانت پروردگارتان است حفظ کنید از شداید نفس اماره که سلاحش یکتا پرستی است و منطقتش، توحید بدون واسطه است، درحالی‌که آن جانِ علیل، به زمین افتاده و نیازمند دستی پر توان است تا برخیزد و به پاهایش تکیه کند؛ با توجهات آن دست، به نیرو برسد و بتواند به امر پروردگارش عمل کند و اگر همان جان، به زمین افتاد و برای نجات، پروردگار را خواند همان خواهد شد که خداوند در قرآن کریم فرموده: ﴿چون به آدمی گزندی رسد چه بر پهلو خفته باشد چه نشسته یا ایستاده، ما را به دعا می‌خواند و چون آن گزند را از او دور سازیم چنان می‌گذرد که گویی ما را برای دفع آن گزندی که به او رسیده بود هرگز نخوانده است. اعمال اسراف‌کاران این چنین در نظرشان آراسته شده است.﴾

پس خطا در معرفت است که جانِ مضطر پس از نجات، پروردگار را فراموش می‌کند.

عترت آینه‌ای است که در خودش هزاران چهره از اعمال بندگان خدا را به ودیعه دارد؛ چهره‌های بیماری که سلامتی‌شان جز در اطاعت رسولشان درمان نمی‌شود، چون خاندان نبوت امانت‌داران گذشتگان و پیشوای آیندگان هستند؛ امانت پیامبران و پیروانشان را در صندوقچه‌ی جان انباشتند تا برای آیندگان گنجینه‌ای باشد که هرگز پایان نیابد؛ اکنون جان‌های مشتاق، خریداران این گوهر گران‌بهایند.

خواهران و برادران در این شب بزرگ در این کوی عشق ما نیز دور هم جمع شده‌ایم که جزء خریداران این گوهر باشیم و به ریسمان الهی که همان حبل‌المتین، وجود مقدس مولا و سرورمان امام زمان (عج) است چنگ بزنیم تا دینمان و توحیدمان محکم و استوار گردد و با دستان نیرومند امامان خداوند را عاشقانه بستاییم.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها ما را جزء کسانی قرار بده که به وصیت پیامبر گرامی‌ات در حفظ امانت‌ش قرآن و عترت کوشا هستیم.

بار الها در ظهور منجی عالم بشریت و برطرف کننده‌ی کج‌روی‌ها امام عصر و زمان اب‌الصالح المهدی (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز اربعین

۱۴ دی ۹۱

حمد و سپاس پروردگار یکتا و بی‌همتا را سزااست و از آن اوست اسماء حسنی که برافراشته شد بدان آسمان، گسترده شد زمین، استوار گشت کوه‌ها و روان شد آب‌ها، فرمان‌بردار شدند خورشید و ماه و ستارگان و شب و روز و آفریده شد مخلوقات؛ نیست معبودی جز ذات اقدس و عظیم و کبریایی او.

بار الها درود فرست بر حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش که همگی مولا و سرور و امام شیعیان هستند.

سلام بر آفرینش که در خود گنجینه‌هایی را ذخیره کرده که نامش ایام است؛ شب و روزهایی که معیار عمر آدمیان است تا بیایند و بروند نامشان را خود برگزینند و کردارشان را طبق آنچه درک کرده‌اند بیاریند، در دلشان زمزمه‌ی عشق باشد و در زبانشان نوای وحی که در روح خداوندی ذخیره کرده‌اند جانشان نشان آفریدگاری مدبر است که در تدبیرش احدی را به مدد نخواند؛ دست توانمندشان گیرنده‌ی دست‌هایی است که به سویشان گشوده شود و دیدگان‌شان بیننده‌ی عظمتی که انوارش بر قلب‌های خفته نوید زندگانی را زمزمه می‌کند؛ آنگاه که دست دعا بر درگاه کبریایی پروردگارشان بگشایند انوارش مرهمی بر زخم‌های هجران است هجرانی که صبر را به ارمغان آورد و آن را چونان طوقی خواند که بر جان عاشق مانند پیچکی است که بر گرد رویندگان در خاک می‌پیچد تا جان ضعیفش را در قالبی استوار به نمایش گذارد.

چه زیبا است فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) و مصداقش، کاروانیان و کاروان سالاران نهضت عاشورا، امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) و یاران ایشان است که زمان، حماسه‌شان را همچون گنجینه‌ای بی‌نظیر در خود ذخیره نموده چون در دلشان زمزمه‌ی عشق و بر زبانشان نوای وحی جاری بود و خاطره و انوارشان زنده کننده‌ی قلب‌های خفته در غفلت و نام‌های ماندگارشان را خود برگزیدند.

اینک در این روز اربعین که ۴۰ روز از عاشورا می‌گذرد روزی که نورهای پاکِ انوار نبوت در دفاع از حق، سر و جان باختند تا حق مداران به دنبالشان در حرکت باشند و روزی که روز مبارزه‌ی حق بر باطل، روز پیروزی، روز دلدادگی، روز ایثار جان عاشق بود و روزی که باطلین و قاتلین به تصور خام و جاهل خود کارشان تمام شده و پیروزی نصیبشان گشت و حق را کشتند ولی دیدیم که همان روز به اشتباه خود پی برده و شکست را با تمام وجود ذلیلشان احساس کردند چون کاروان پیام‌آوران عشق به رهبری امام سجاد (ع) با هر قدمی و سخنی چنان حق را بر سر باطل می‌کوبیدند که ناله و فغانش تا قیامت برای قلب حق مداران شادی و شمع را به همراه خواهد داشت. آنان عشق در وجودشان همانند حروف مقطعه‌ی قرآن کریم فقط یک کلمه بود و آن رضای پروردگار عالم از امانت‌داران حق علیه باطل ولی جای بسی تأسف است که دوستداران امام حسین (ع) نیز کار نهضت عاشورا را در غروب آن تمام شده تصور نموده و تمام شور و هیجان را تا اول محرم سال بعد از دست می‌دهند درحالی‌که خاطرات آمدن و رفتن فرزندان آل رسول به زمان محدود نمی‌شود اول محرم یا دهم محرم یا اربعین، محرم همه‌ی ساعت‌هایش زبانی شیوا دارد که شنوندگان را بر سفره‌ی احسانش دعوت می‌کند چون امانت‌داران نهضت عاشورا از خانه‌های سنگی کوچیدند، به همراه نور حرکت کردند آمدند و شاهد کوچی آسمانی شدند شاهدانی که سر پر شور عشاق را در آتش سوختن تماشا کردند و با هزاران خاطره از این عشق به خانه بازگشتند و ما نیز در این کوی عشق از اول محرم گوش‌هایمان شنونده‌ی زیباترین مناجات‌ها و عارفانه‌ترین سرودهای عاشقانه بود که آن را از دهان جان‌هایی شنیدیم که صدای ضربان قلب‌هایشان تکرار حق بود؛ زمانی که با خدای خود خلوت می‌کردند خالصانه‌ترین بندگی را در کمال عشق و اطاعت عرضه می‌داشتند و موقعی که با یاران و همراهان سخن می‌گفتند لطیف‌ترین و عالی‌ترین عاطفه را در قالب زیباترین احساساتِ مهر و محبت به نمایش می‌گذاشتند و زمانی که قرار بود از حق دفاع کنند و باطل را به زانو درآورند زبانشان تیزتر و برنده‌تر از شمشیر بود؛ امام سجاد (ع) به عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب (س) فرمودند: پرچم این امانت، در دستان شماست که ذوالفقار را بارها بوسیده‌اید و هر بار که لب مبارکتان را بر تیغ‌ی ذوالفقار

می‌گذاشتید امیر مؤمنان (ع) می‌فرمود: آفرین بر زبانی که برندگی‌اش از ذوالفقار خطرناک‌تر است جان کفر را می‌درد و جگرش را پاره پاره می‌کند. امام سجاد (ع) در مناجاتی زیبا رو به آسمان می‌کنند و می‌فرمایند: ای پروردگارم، آنگاه که پدرم حضرت آدم را از عرش به فرش فرا خواندی و او از هجرانت آن‌چنان نالید که آفرینش به حالش به فغان آمد توبه‌اش را پذیرفتی و او را به مقاماتش بازگرداندی و ما میراث داران پدرمان هستیم که در هجرانتان سینه‌ی آفرینش را به سوز و گداز مبتلا کرده‌ایم؛ آنچه قلب یارانم را از قرار خارج می‌کند آتش عشقی است که در حق نهاده‌ای پس مددمان کن تا از حریمت محافظت کنیم.

با اندکی تفکر و اندیشه در این سخنان و خطبه‌های محرم درک خواهیم کرد که اهل‌بیت پیامبر عبادتشان، ابراز محبتشان و مبارزه‌ی جسمانی‌شان و بُرندگی برهانشان سرچشمه از حق و عشق خداوندی دارد پس بیایید محرم‌ها و اربعین‌ها را چنان به باطن وجودمان وارد کنیم که در طول زندگی‌مان در کنار آل رسول زنده باشیم و در آن صورت است که پس از تمام شدن عمرمان در کنار آل رسول مرگی نخواهیم داشت و خداوند را شاکر باشیم در کنار مولا و سرورمان بقیةالله (عج) زنده بودن را تجربه کردیم و جهل و باطل را از خود دور کردیم پس بر خود وظیفه کنیم که به دیگران نیز کمک کنیم باور و یقین کنیم به این‌که شمع وجود ملکوتیان همانند شعله‌ای درخشان فرا راه تاریخ می‌شود تا گوش‌های غبار گرفته نجوهای عاشقانه را به گوش جان بشنوند و عقل را در محکمه‌ی جانشان به قضاوت وا دارند که چگونه می‌شود عزتی را که پروردگار عالم در کتاب آسمانی‌اش مخصوص اهل‌بیت نازل فرموده و آنان را بر تمام ادیان خویش پیروز نموده، برای عبرت تاریخ، خوار و زبون کند و دلیلش مشیت الهی باشد؟ وای بر جان سوخته از جهل جاهلانی که هنوز در ورطه‌ی اوهمات فکرشان غوطه ورنند و آنگاه که نام با برکت امام را بر زبان جاری سازند پاسخشان را نشنود و هرگز سلامشان پاسخ داده نشود؛ آنچه را که ساخته بودند ویران گردد و جز سرگردانی در برهوت، مسکنی نداشته باشند پس شکر پروردگارتان را به جا آورید که جانتان را از رسوایی جهل نجات بخشید و فطرتتان را در حق شکوفا فرمود تا بتوانید بستر جانتان

را آماده‌ی بذری کنید که آن را به فریاد می‌خوانید؛ بذری که در خود هزاران نوید شکوفایی دارد و ندایش زیباترین نداهاست پس همگی با هم او را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ۲۸ صفر

۲۱ دی ۹۱

شکر و سپاس پروردگار را سزااست که همه‌ی مخلوقات در برابر عظمت و جلالتش سر تعظیم فرود آورده و صورت خردی و بندگی خود را بر آستانه‌ی کبریایی و با کرامتش می‌سایند و دست یداللّٰهی‌اش از سر رحمت و مهربانی، گمشدگان در جهل و گمراهی را از تاریکی به سوی نور هدایت فرموده تا رستگار شوند و نجات را پیروی از قرآن و عترت نام برده که این دو گوهر و گنجینه‌ی بی‌نظیر را به بهترین بنده و برگزیده‌ی خود خلیل، نبی، صفی، رحمت، حبیب، نجیب، سید المرسلین و خاتم النبیین حضرت محمد (ص) از سر رحمت عطا فرموده که بندگانش با تمسک به آن دو در دنیا و آخرت عزت یابند که درود و صلوات خداوند تا ابد بر ایشان و خاندان طاهرینش باد اما افسوس که امت چنین پیامبری قرآن را مهجور داشته و به عترتش ستم کردند؛ حتی مدعیان پیروی‌اش نیز هر دو را در شأن و مقام واقعی‌شان نشناخته به جای اطاعت از دستورات قرآن کریم با جهالت و نفس خود آن‌ها را باور کردند که در این مورد بهره می‌گیریم از فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که چنین فرمودند: درحالی‌که اطاعت جز در هدایت، فرمان داده نشده و باید در آنچه که پروردگار کریم در کتاب آسمانی قرآن کریم به آن فرمان داده عمل نمود و آن اطاعت محض از پروردگار و پیامبر اسلام است در بقیه‌ی موارد، قرآن شما را دعوت به تعقل و اندیشیدن می‌کند اگر انسان اندیشه و اطاعت را در راه درست و صراط مستقیم آن نداشته باشد دچار هوای نفس می‌شود و خطر گمراهی و تباهی دارد؛ شما با فرامین قرآن کریم اولیاء را می‌شناسید و حق را از باطل تشخیص می‌دهید، اگر در آن اندیشه نکنید اطاعت شما دچار ضعف قوای عقلی می‌شود؛ آیا روش پیامبر، ابراهیم خلیل (ع) را در تربیت قومش که از خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کرد تا جامعه‌ای که در آن رفت و آمد می‌کرد را مورد بررسی قرار داده‌اید؟ زندگی مردم آن عصر در تکرار یک نوع باور که از پدرانشان به آن‌ها به ارث می‌رسید مانند ارث بردن از خانه و آنچه به‌عنوان لوازم زندگی مورد اهمیت است، اهمیت عبادت و پرستش خدای یگانه برای آن‌ها همان

اندازه بود که بقیه‌ی موارد زندگی‌شان در ظاهر برایشان اهمیت داشت و حضرت ابراهیم (ع) تلاش کرد تا آنها را از ظاهر باورهایشان جدا کند چون در باطن مطمئن بودند که بت قادر به حرکت نمی‌باشد ولی برای نگهداری از این باور حاضر شدند تا پیامبر را در آتش بیندازند و تمام عمر رسالت پیامبر خلیل (ع) در مبارزه با آن قوم در عوض کردن باور ظاهری آنها گذشت چون در باطن همان‌طوری که کتاب آسمانی قرآن کریم می‌فرماید اگر از آنها بپرسی پروردگار تو کیست می‌گویند: الله؛ باز در تاریخ حرکت می‌کنیم؛ در رسالت حضرت موسی (ع) سیر می‌کنیم، باز تلاش حضرتش در عوض کردن باور ظاهری مردم بود که عادت به یک اندیشه و باور داشتند و با دیدن معجزات متعدد نتوانستند تا از آن عادت ظاهری دست بردارند و تمام نعمت‌های خود را تبدیل به عذاب و غضب الهی کردند و همین‌طور رسالت حضرت عیسی بن مریم (ع) و تا رسالت آخرین پیامبر حضرت محمد (ص)، که در تمام عمر شاهد آن بودم که پدر بزرگوام چگونه برای عوض کردن این باورهای ظاهری تلاش کردند و هر بار با سنت و روش باطلی مواجه می‌شدند که برای تغییر آن حتی کلام وحی هم کارگر نبود و تلاش تمام جانشینان پیامبر خاتم حتی در انقلاب کبیر آخرین جانشینش هم صرف همین تغییر و رسالت خواهد شد. پروردگار کریم مرا به وسیله‌ی کتاب آسمانی و پیامبری که مبعوث کردند به ضرر و زیان و منفعت آگاه کردند و وجود پیامبر را به‌عنوان معلم زمان و دقیقه‌ها و ثانیه‌ها مورد تأکید قرار دادند و فرمودند: از من و رسولم اطاعت کنید؛ من امانت پدر بزرگوام را از دست مبارکشان که زمان رسالتشان در حیات طیبه‌ی خودشان بود گرفتم و متوجه شدم فرصت در ثانیه‌ها بسیار دقیق برنامه‌ریزی شده اگر من آنها را نگیرم آنها مرا می‌گیرند پس من آنها را یعنی ثانیه‌ها را گرفتم و اسیر خودم کردم و به رشد و تحصیل آنچه برای رسیدن به تکامل نیاز بود تلاش کردم.

پس با توجه به فرمایشات گهربار سرور عالمیان سعادت و نجات در اطاعت و اندیشه در فرمان صریح خداوند در قرآن کریم است که فرمودند: از من و پیامبر و ولی خود اطاعت کنید. پس چه شد که در عصر کنونی مدعیان مسلمانی از قرآن فقط به آواز و صوت آن و از پیامبرش به جشن و عزاداریِ بعثت و رحلت آن هم در قالب نفاق و

فریب بسنده می‌کنند. چه زیبا آن را حضرت زهرا (س) توصیف کردند که: در هر روزگاری انسان‌هایی هستند با ادعایی که از نفس اماره، چشمه‌ی تابناک دارد، نفسشان آن‌چنان نوری بر جبین آن‌ها می‌تابد که آن نور را برای خود چون گنجینه‌ای محسوب می‌دارند که از الطاف الهی سرچشمه گرفته درحالی‌که بت وجودی است که تابناک شده و نور را در جبین آن‌ها وارد ساخته و شیطان نفس اجازه‌ی تشخیص را از آن‌ها گرفته است؛ در هر لحظه‌ای که از عمرشان می‌گذرد خود را ستایش می‌کنند و نسبت به این مسئله نادان هستند و تمام موهبت‌های نفسانی را به حساب رحمت الهی می‌گذارند و بعد از مرگ، نور جبین آن‌ها خاموش می‌شود و آنچه را که می‌پرستیدند نابود می‌شود، باورها گم می‌شود، عمل‌ها در تاریکی ناچیز شده و نوری برایش باقی نمی‌ماند؛ پدرم در تمام دوران رسالتش با این اشخاص که جبینی از نفس اماره نورانی داشتند زندگی کرد و برایشان دعا نمود تا آنجا که پروردگار کریم فرمود: دعای پیامبر برای آن‌ها مستجاب نخواهد شد؛ اکنون که از رسالت پدرم می‌گذرد و دوران دین‌داری و اسلام‌شناسی و اطاعت از خدا و رسولش چهره‌ی دیگری پیدا کرده و این چهره دارای جبینی نورانی و درونی تاریک است که هر روز که می‌گذرد بت‌های نفس اماره بزرگ‌تر و ادعای رهروان طریقت رنگ خاصی می‌گیرد پس بسیار مراقب باشید که هرگاه زمانه شروع کرد تا رنگِ رنگ بازان را با شما بازی کند به دامن توحید حقیقی پناهنده شوید و پروردگار کریم را در عمق وجود ستایش کنید و جز برای رضای حق قیام نکنید؛ رنگ بازان طریقت را به خداوند بزرگ بسپارید تا به عدالت محاسبه شوند.

پس مهمانان کوی حق بیایید در این روزِ رحلت پیامبرمان به مصیبت قدر ناشناسی امتش بر سر و سینه بزنیم چون این امت از هیچ ظلم و جنایتی در حق اهل‌بیت دریغ نکردند که امروز نیز مصادف با شهادت یکی از آن عزیزان کریم اهل‌بیت، اسوه‌ی گذشت و صبر و استواری، امام حسن مجتبی (ع) است که دشمنان مشرک و کافر سابق که منافق گونه در لباس دین در بین مردم نفوذ کرده مانع از خداشناسی حقیقی و خودشناسی در نتیجه حق‌شناسی شدند ایشان با صبر و گذشت و صلحی که برنده‌تر از شمشیر بود بر فرق باطل کوبیدند و باطل برای نجات از رسوایی خود ایشان را شهید

کرد ولی باید باور کنیم که علی رغم تمام فتنه‌ها، رسالت پیامبر اسلام در برقراری حق و از بین بردن باطل آن‌چنان عمل کرد که وقتی رسول خدا از دنیا می‌رفت اسلام دینی درخشان در برابر تمام ادیان بود و با تمام دسیسه‌ها که شیطان به کار برد باز آخرین پرچم عدالت در دستان قوی و پر ابهت اسلام خواهد بود.

پیامبر خدا در به جا گذاشتن میراث نبوت، ستارگان درخشانی را معرفی نمود که همگی منتخب پروردگار عالمیان بودند و آخرین ستاره‌ی نبوت تاج نورانی عدالت را بر سر خواهد گذاشت و زحمات مأموران الهی در احیای رسالت در فرج منجی عالم، جوهر هستی، پرچم‌دار عدالت، اجرا کننده‌ی حدود الهی، منتقم از باطل، اباصالح المهدی (عج) شکل خواهد گرفت.

حال دست به دعا می‌داریم که:

یا الله، ای برپا کننده‌ی کرسی عدالت امت مسلمان، بر رهروان و عمل کنندگان به دستورات خودت رحم کن و جز یاد و ذکر ملکوتی خود یاد دیگری بر دل‌های ما مسلط مساز.

بار الها ما را از امتی قرار ده که در روز قیامت به خاطر ناسپاسی از پیامبر خود شرمنده نباشیم.

بار الها مودتی را عنایت بفرما که تو و رسول گرامی‌ات با داشتن آن از ما راضی شوید.

بار الها در ظهور دولت حقه، تاج نورانی عدالت، یادگار پیامبر، امام زمان (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

۲۳ دی ۹۱

حمد و ستایش خداوند یکتا و سبحان را سزااست که نیست معبودی جز ذاتِ اقدس و بی‌شریک او در پرستش و ثنا. ملک هستی و ستایشِ خلق، مختص اوست و همه چیز در تسلیمِ فرمانش. حکم و اقتدارش در همه‌ی کائنات جاری است. رحمتش واسع، برکاتش نازل، فضل و احسانش وافر، هستی و نیستیِ خلق به دست قادر و توانای اوست و همه‌ی موجودات، او را به بزرگی یاد می‌کنند آن‌گونه‌ای که خود فرمود آن سان که در خور ذاتِ بزرگوار و با عزت و جلال اوست.

صلوات و تحیت و سلامِ خداوند کریم بر واسطه‌ی فیض، حضرت ابوالقاسم، محمد مصطفی (ص) و بر خاندانِ پاک و گرامی‌اش، بر امامان و راهنمایان و هدایتگران و چراغ‌های تاریکی و پرچم‌داران علم و تقوا و کمال باد که آخرینشان، منجی عالم بشریت، امام و ولی مطلق و بی‌مثال، حضرت ابی‌صالح المهدی (عج) هستند.

و سلام، سلام گنجینه‌ای است که در سینه‌ی مؤمن نهفته است تا چراغی باشد که به واسطه‌ی آن، جان مرده منور گردد و انسان آرمیده، با نامش از دل خاک برخیزد و با کلامش به لحظه‌ای بپیوندد که وعده‌ی حق است، وعده‌ای که جان منتظر، در شوقش مانند رودخانه‌ای خروشان است که گاه با غرشش به دنبال نامش می‌گردد و گاه، دیگران را به تماشای خویش می‌خواند تا او را بشناسند و به هنگام دیدارش، خاطره‌اش را به ذهن بسپارند.

آری چنین عاشقانی را فقط در خاندانِ نبوت می‌توان سراغ کرد، مخصوصاً امیر مؤمنان علی (ع) و سرور عالمیان، حضرت زهرا (س) و امامان معصوم که هر یک در رسیدن به وعده‌ی حق، سر از پا نشناخته چنان عاشقانه و به یاد ماندنی به لحظه‌ی دیدار و وعده‌گاه شتافتند که زمان، آن لحظه را چنان جاودانه نمود که جز آن را به یاد ندارد.

حال در این روز، به زمان دیدار یکی از آن عاشقان نزدیک می‌شویم که ایشان هشتمین اختر آسمان ولایت و امامت، معلم و مروج دین، معدن کلمات پروردگار

کریم، صندوق انوار الهی، ثامن الحجج، امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌باشند که با جام زهری که لقاء و رضایت الهی را به دنبال داشت به دیدار حق شتافتند. در این فرصت گوشه‌ای از فضایل و شأن و مقام بزرگ ایشان را بازگو می‌کنیم.

دشمنانِ اهل‌بیت پس از رسوایی و ننگِ سنگینی که از حماسه‌ی عاشورا نصیب آنان شد از دشمنی آشکار و رو در رو با امامان دوری کرده سعی داشتند با فریب افکارِ عوام، خود را دوستدار اهل‌بیت و مورد تأیید ایشان معرفی نمایند؛ با مکر و حيله و به‌وسیله‌ی عوامل خود، این موضوع را بین شیعیان و دوستداران منتشر نمودند ولی این غافلان نه تنها آیه‌ی کریمه قرآن که خداوند فرمود: **وَ مَكْرُوا وَ مَكَّرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ** را نادیده گرفتند بلکه قرآنِ ناطقِ بودنِ امامان که برگزیدگان خداوند رحمان بودند را نیز باور نداشتند در نتیجه در دام نیرنگ و حيله‌ی خود با تدبیر امامت به مقتضای زمانه‌شان، گرفتار و رسوا شده و برای سرپوش گذاشتن بر این رسوایی، با نامردانه‌ترین حربه‌ی مبارزه که فقط از ترسویان بر می‌آید با مسموم کردن، آنان را به شهادت رساندند. امام علی بن موسی الرضا (ع) دوره‌ی امامتشان مصادف بود با مکارترین و جنایتکارترین غاصبین از خاندان عباسی، یعنی مأمون لعنت الله، امام نیز مانند پدرانشان عمل نموده و مأمون را با همه‌ی حيله و افکارِ شیطانی‌اش شکست داده و رسوا نمودند.

حال این خطبه را مزین می‌کنیم به فرموده‌ی سرور عالمیان، مادر هستی، حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که فرمودند: فرزندانِ رسول خاتم، شجره‌ی طوبی هستند که پروردگار عالم فرمود شاخ و برگش در بهشت است و همواره آنچه از آن شجره می‌روید توحیدی خالص است که هر کس بدان تکیه کند درختِ جانش از خطر پوسیدگی و نابودی در امان می‌ماند و همواره با طراوتی که از بهشت به همراه دارد زمینِ وجودش با طراوت است که خزانی را به یاد نمی‌آورد؛ پس باغبانِ جانی باشید که با شجره‌ی طوبی همراه است و به شاخه‌ی آن متصل، تا بتواند عجایبِ جانی را ببیند که از آن در غفلت است و همچنین جانتان را منتظرِ بارور شدن نوری کنید که سال‌های عمرتان را برای دیدارش برکت بخشیدید پس منتظرِ مأمورانِ الهی بمانید تا مژده‌ی

آمدنش را با عذابِ باطل بیاورند و جانِ جهان را منور به نوری کنند که در آن مرده‌ای یافت نمی‌شود، همگان زندگانی هستند که نسیمِ رحمت را بر جانشان خواهند نشاند.

خواهران و برادران، در این روز بزرگ از خداوند کریم عاجزانه بخواهیم همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرا (س) فرمودند در ظهور مولا و سرورمان، امام زمان (عج) که انتظار دولتش به عمرمان برکت بخشید را با عذاب و در هم شکستنِ باطل مزده داده و تعجیل فرماید تا جانِ مرده‌مان، با نسیمِ رحمت الهی زنده و شاداب گردد.

حال دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها امام رضا (ع) به واسطه‌ی واقع شدنِ بارگاه ملکوتی‌اش در این سرزمین، شریک غم‌ها و شادی‌های ما و زیارتش، تسلايِ دل غم دیده‌ی ما از ظلمی که به اهل‌بیت شده است می‌باشد. پس به حرمتِ ایشان، در ظهور مولایمان تعجیل بفرما.

بار الها ما را از شیعیانِ واقعی که در مودتِ اهل‌بیت کوشا بودند قرار بده.

بار الها ما را از معرفت و شناخت چهارده معصوم در دنیا و شفاعتشان در قیامت برخوردار بفرما.

بار الها چشمان گنه‌کار ما را با دیدار ولی و مولایمان منور بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۳۰ دی ۹۱

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

از آن خداست حمد و سپاس بی‌شمار و بی‌پایان، به مقدار قطره‌های باران، به سنگینی کوه‌ها، به وسعت اقیانوس‌ها، به دوری ستارگان، به حمد پیامبران و اولیاء و عابدان و به حمد ۱۴ خلیفه‌ی برگزیده الهی؛ نیست معبودی شایسته‌ی حمد و ستایش جز پروردگار حکیم، سُبح و قدوس و سلام و صلوات بر بهترین و افضل‌ترین بنده و رسولش حضرت محمد (ص) و بر خاندان گرامی‌اش.

سلام و رحمت الهی آن زمان که جان‌ها در تپش باطل به سوی نابودی قدم برمی‌دارد نوای جاء الحق و زهق الباطل طنین‌انداز می‌شود، جهان به این ندا جانش را به اطاعت حق درمی‌آورد؛ رهروان حق به سوی میعادگاه می‌شتابند تا دست ناتوانشان را به دست قوی و پر قدرت امامت بدهند جانشان در پرتوی حق می‌افروزد و پاهای مصمم‌شان به سوی می‌شتابند تاریکی جهل به عملی شکوفا بدل می‌شود که در شکوفایی‌اش نهان‌ها آشکار گشته و عقل‌ها در حیرت، سر انگشتان خویش را به دندان می‌گزند و ابراز می‌دارند: آنچه پروردگاران وعده فرموده بود برایمان آشکار شد.

چه زیباست توصیف دولت ظهور مولایمان امام عصر و زمان (عج) از زبان مادر گرامی‌شان. باید خداوند کریم را شاکر باشیم که بهترین نعمت و رحمتش را برایمان حفظ فرموده که با ظهورش، حق مداران در رکابشان به شکوفایی کمال رسیده و باطلین، انگشت حسرت به دهان خواهند گرفت؛ شاید این مقدمه‌ی دل‌نشین در شب شهادت پدر گرامی‌شان، گوهر و گنجینه الهی یعنی یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد، باتقوا و باوقار، با عفت و حیا، ابا محمد، ابن الرضا، حضرت امام حسن عسکری (ع) اندکی از غم و اندوهمان با وعده‌ی انتقام پروردگار از باطل برطرف شود. امام حسن عسکری (ع) به اعتراف دوست و دشمن، مظهر ابهت پروردگار عالم، ابهت اهل‌بیت و ابهت اسلام بود و دارای کرامات زیادی بودند که یکی از این کرامات فرهنگ‌سازی و تعلیم و آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند بزرگوارشان، امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج) بود. این مهم را با تحمل سختی‌ها و مشکلات و با

انجام تمرینات و دادن سفارشات خواص در زمانه‌ای که باطلین با حداکثر توان خود سعی در ریشه کن کردن امامت و ولایت داشتند و ایشان و خانواده‌ی گرامی‌شان را شدیداً تحت مراقبت و ظلم قرار داده بودند انجام دادند و به شیعیان آموختند که چگونه باید از وجود امام عصر خود کسب فیض کنند.

دشمن ظالم و پلید، معتمد عباسی لعنت الله علیه با وجود این همه ظلم و مراقبت‌های سخت، باز چون تحمل انوار و بزرگی شأن امام حسن عسکری (ع) را نیاورد ایشان را در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۰۶ هجری مسموم و به شهادت رساند لعنت خدا بر او و پدران قاصبش باد.

اکنون ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان، حضورشان اعلام می‌داریم که: مولای ما، چشمان پر اشکمان در انتظار ظهور است که با انتقام از باطلین، دل سوخته از ظلم به پدرانمان را شاد فرماید.

حال که به اولین روز امامت مولایمان نزدیک می‌شویم برای مرهم زخم قلب‌های غم دیده‌مان در وصف دولت ظهور از مادر هستی کوثر بی‌همتای الهی سرور عالمیان حضرت زهرا سلام‌الله روایت‌هایی را نقل می‌کنیم که ایشان فرمودند: که پدر بزرگوارم، حضرت رسول خاتم (ص) در قسمتی از وصیت‌نامه‌ی خود فرمودند: ای یاران و مددکاران دولت ظهور، بر خود افتخار کنید که نور قرآن را که از خزائن غیب است به سینه‌ی یاران و مددکاران حضرت مهدی وارد خواهند نمود و آن نعمت باعث خواهد شد تا همه‌ی آفرینش مخصوصاً یاران حضرت در هر لحظه که اراده کنند بتوانند بر عوامل زمین تسلط یابند.

همچنین سرور عالمیان از نشانه‌های ظهور که دانش آن فقط مخصوص راسخون به علم یعنی ائمه‌ی اطهار می‌باشد چنین فرمودند: اولین نشانه‌ی ظهور مانند به دنیا آمدن رحمت الهی وجود مبارک پیامبر (ص) ترک خوردن دیوارهای ظلم خواهد بود؛ در تمام دنیا ساختمان‌های بلند به زمین‌هایی مرتفع تبدیل خواهد شد و هرگز هیچ اراده‌ای نخواهد توانست تا مانع ویران شدن آن‌ها شود؛ بعد از نشانه‌ی اولی نشانه دوم که طوفان‌های شدید است آغاز خواهد شد و از هر محل بسته‌ای به درون خواهد آمد و

مشرکین و منافقین زمان را مانند قوم صالح بر زمین خشک خواهد نمود؛ طوفان از همه جا وارد خواهد شد ولی کسانی که جزء صدیقین راه خدا و پیامبر و ائمه‌ی اطهار باشند این طوفان را مانند یک نسیم بهاری احساس خواهد نمود و بی‌اعتنا به آنچه اتفاق افتاده آماده می‌شوند تا به دولت ظهور بپیوندند و در نشانه‌ی سوم کسانی مجدداً به حیاط کوتاه مدت برگشت داده می‌شوند تا در دولت ظهور زندگی کنند و مجدداً به عالم برزخ برگشت داده می‌شوند این افراد شامل انبیا و اولیاء هستند که زندگی و مرگ آن‌ها در زمان ثابت نمانده و هرگاه اراده کنند می‌توانند از نعمت‌های آن استفاده کنند پس وظیفه‌ی منتظران واقعی در قبل از ظهور چنین دولتی که به دنبال رضای الهی هستند عمل به دستورات قرآن کریم و انتشار معروف و نهی از منکر خواهد بود.

حال در این شب شهادت امام حسن عسکری (ع) یکی از مناجات‌ها و دعا‌های ایشان را که در وصف منتظرین فرزند گرامی‌شان ایراد فرمودند را نقل قول می‌کنیم:

بار الها قلبم، دریای اتصال به سرچشمه‌های لطف توست، چشمه‌هایی از اعماق وجودها پس نوشندگان جرعه‌ای بر می‌دارند تا لب سوخته از عطش را نمناک کنند؛ جرعه‌ی اول را می‌نوشند تا طعمش را حس کنند و سپس سر را بر چشمه می‌گذارند تا عطششان فرو نشیند و جانشان سیراب گردد و اکنون امت جدم بر سرچشمه‌ی لطف بارگاه پر عظمت نشسته‌اند تا لبی نمناک کنند و تو ای پروردگارم، جان عطشناک‌شان را مهمان سلسبیل لطفت بنما تا کویر سوخته‌ی سال‌های هجران، به گلستانی از وصل بدل شود و عطر و بوی بهشت، به مشام بهشتیان همچون پیراهن یوسف باشد که دیدگان نابینای دهر را بینا کند تا شیفتگان وصلت بر دامن حق چنگ زنند و سیاهی و تباهی را افسانه‌ای بخوانند که در داستان‌های گذشتگان، برای همیشه به فراموشی سپرده شود.

حال ای مهمانان کوی عشق دست و جان نیازمان را به سوی پروردگار کریم بلند می‌کنیم که: ای رب‌العالمین، فرمودی امانت را به کوه‌ها سپرده‌اید و آنان سر باز زدند و انسان، آن را در جهالت درکش پذیرفت؛ جهالتی که افتادن از آغوش پروردگارش بود،

از آغوشِ رحمتش به غربتی سقوط کرد و آن را به آب دیده آراست تا بازگشتش را بپذیری، بازگشتی که توبه ضامنش بود پس ای یاور بیچارگان، به ما امانت‌داران امانت ترحم کن تا امانتی را که به دوش کشیده‌ایم با توبه از جهالتمان به سرمنزلِ اولیه برسانیم پس در راه رساندنش ما را یاری فرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲ بهمن ۹۱

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)

به نام آفریدگار یکتا، آفریدگاری که در مورد جمال بی‌همتایش فرمود: از آنجایی که مرا نمی‌بینید من شما را می‌بینم و شکر بر آستان کبریایش که نگاه محبت آمیزش را بر جان آفریده‌های خویش صدقه و احسان نام برد تا هرگاه بر جان خویش نظر می‌کنیم حرارت محبتش را احساس کنیم پس ستایش می‌کنیم ای خالق جامان.

امروز نگاه پرمهر خالقمان را در دقیقه‌های زمان احساس می‌کنیم روزی که رمزش در جاء الحق جاودانه شد تا سال‌ها بگذرد و زمان‌ها طی شود، جان‌های مشتاق بیایند و بروند، نامی را حامی خویش بدانند که هرگز در خانه‌ی دنیا مهمانش نبودند؛ خانه‌ی مولایشان را در قلبشان به تصویر کشیده‌اند و خود را بر آستانش مهمان کردند.

امروز هزار و اندی از روزی که ردای امامت بر قامت آخرین وصی پیامبر پوشاندند گذشته است. آن روز سر مبارک امام حسن عسکری (ع) بر دامن منجی عالم بشریت چون گوهری می‌درخشید. نگاه پر محبت امام بر چهره‌ی آخرین وصی امامت مانند نگاه پیامبر (ص) بود بر چهره‌ی علی (ع) آنگاه که فرموده:

علی جان، چه خواهی کرد با ردایی که امانت قرآن کریم است؟ او را بر قامت چون گوهرت می‌پوشانی تا نامم همواره بر زمان، تا قیامت بدرخشد و جانشینانم انوار آن درخشش باشند، و اینک تویی که نامت همچون نام پروردگارم تاریکی و ظلمت را در هم می‌شکند و انوار رسالت را بر جان‌های مشتاقانش می‌نشانند پس به آغوشم بیا تا بویت را به ارمغان ببرم و امامت را بر جان شیرینت بچشانم تا هرگز طعمش را که طعم وحی است از جانت جدا نکنی و من صورتم را بر صورت امام عصم چسباندم تا نفس مبارکش تا قیامت همراهم باشد تا آنگاه که به امر پروردگارم از دیده‌ها در حریم غیبت قرار می‌گیرم و زمان‌ها را در روزها و ساعت‌ها می‌گذرانم، امام امت‌هایی می‌شوم که بوی ۱۱ امام را در نام من می‌جویند آن را به مشامشان برسانم پس امت من آنگاه که نام مولایشان را بر زبان می‌آورند مجموعه‌ی امامت را می‌خوانند و

همان‌گونه که در اسرار غیب می‌اندیشند و به امید وعده‌ی الهی صبر می‌کنند تا ظاهر امامشان آشکار شود و بتوانند چهره‌ی ۱۱ امامشان را در چهره‌ی آخرین وصی امامت ببینند باید شاکر خالقشان باشند که رودخانه‌ی خروشان امامت را همواره در جوش و خروش قرار داد تا تشنگانش بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و از طعام دل نشینش تناول کنند.

اینک برای شکرانه‌ی این نعمت بی‌پایان به حمد و ثنا نشستیم تا از این سرچشمه به سرچشمه‌ی سلسبیل لطف و احسان پروردگار عالم متصل شویم و او را به نام‌های نیکویش بخوانیم پس به انتظار وعده‌اش جانمان را در اطاعتش از شر نفس اماره محفوظ می‌کنیم و بر جانمان نهیب می‌زنیم که ای جان، تو را به امانت به غربتی فرستادند که تمام نعمت‌هایش نشانی از خانه‌ات بود پس دل‌تنگ خانه‌ات باش تا بر آن وارد شوی و بر تختی بنشینی که جایگاهت بود و از آبی بنوشی که به طعمش، جانت نام خویش را می‌یافت پس نامی جز آن نام را برمگزین تا زینت دولت ظهور باشی و همان‌گونه که دوست می‌داری در چهره‌ی مولایت بنگری و هر لحظه امام را در ذهنت به آن چهره می‌آرایی جانت را در بهشتی تصور کن که از آن به سرزمین غریب مهاجرت کردی پس مشتاق بازگشت باش و برای نزدیکی‌اش فریاد کن:

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۱۰ بهمن ۹۱

حمد و سپاس سزاوار پروردگار حی و قیوم است که در وصف خود به بندگانش چنین فرمود که: خدا نور آسمان‌ها و زمین است که موجودیت موجودات، حیات و ممات، بقا و فنای همگان در گروی آن است و از سر رحمت بی‌منت‌هایش با برگزیدن پیامبران و جانشینان، نجات و هدایت را بر بندگانش ارزانی فرمود تا عزتی که از روی حکمت و علمش بر خلیفه‌ی خود عطا فرموده را به یاد بیاورند؛ عزتی که همه‌ی هستی را به تماشای خود فراخواند و خلیفگانش در زمین نشان دادند آنچه خداوند کریم می‌داند برتر است چون هیچ چیز نتوانست از عشق آنان به خالقشان کم کند و شیطان و اداوار به اعتراف شد و گفت: ای وای بر جان رانده شده‌ام که قادر به درک پوست و گوشت چسبیده‌ی آنان به خالقشان نشدم و بر جانشان تاختم و آنان با توبه و ابراز پشیمانی از گناه، آن زخم را با رحمت الهی مداوا کردند و مجدداً به خانه‌ی خویش مراجعت نمودند.

سلام، مانند آغاز صبحی است که قبل از طلوعش نوید دهنده‌ی برکت انواری است که گرمایش زنده‌کننده‌ی مخلوقات عالم است؛ حرارتش مطلوب نیازمندان رشد است و سایه‌اش خنک‌کننده‌ی جان‌های پرحرارت؛ درونش مخفی و ظاهرش نشان از خلقتی مدبرانه؛ استواری‌اش در عظمت اطاعتش در صفح‌هی زمان گویای رمز و رازی است که گوش زمان، آن را می‌نگارد تا عمر انسان‌ها در پرتوی جانش نگاشته شود، عقل‌ها به کاوش جانش در حیرت بماند و پیچیدگی نامش را معنا کند.

بله چه زیبا و مبارک سحری! چه طلوع بی‌نظیری در نیمه‌های ربیع‌الاول با تولد وجود با برکت خاتم‌الانبیاء، رحمت للعالمین، حبیب‌اله‌العالمین حضرت محمد (ص) اتفاق افتاد که انوارش از خلقتی مدبرانه خبر می‌داد که عقل‌ها را به حیرت واداشت و زنده‌کننده‌ی مردگان جهل و شادکننده‌ی دل‌مشتاقان خسته از کفر بود و ما این روز بزرگ را با سخنان سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) آغاز کردیم که در ادامه در

توصیف این روز و تولد بزرگ و بی‌نظیر چنین فرمودند: آنچه در دیدگان رحمت عالمیان نورافشانی می‌کرد و مرتباً نام مبارکش را بر عالم القا می‌نمود هدایت رودخانه‌ی جان‌ها بود تا همگان را بر سرچشمه‌ی وصل برساند و آنگاه که زمان منتظر آمدنش در خود می‌پیچید و ثانیه‌ها و دقیقه‌ها را به یکدیگر می‌رساند تا لحظه‌ی موعود فرا رسد و امانت ارواح عالمیان قدم بر برهوت زمین گذارد روح القدس به بانگی ارواح عالم را فرا خواند و فرمود: ای انسان‌های اولین و آخرین، تهنیت به غیر از حساب بر شما باد که سفره‌ی احسان پروردگار در زمین گسترده شد و همگان بر طعامش مهمان شدند پس بر سفره‌ی رحمتش بنشینید و از طعامش تناول کنید تا جان جدا شده از سلسبیل پروردگارتان به سرچشمه‌ی وصل متصل شود و اسفل السافلین به افسانه درآید و به برکت آمدنش همگان بر عرش درآیند و انوار جانشان در قاب قوسین او ادنی معنا شود. چه سعادت‌مند هستند گوش‌ها و چشم‌هایی که خاک غربت جهل را از دیدگان خود زدودند تا گوهر دیدگان‌شان امانت‌هایی را بر کرسی خلقت پروردگارشان نظاره کند که نامشان جانشینان کرسی آسمان‌های هفت‌گانه بود. آن‌ها آمدند تا نام پیامبرشان را در قاب جانشان به نمایش درآوردند و در پرتو انوارش جهان را از غربتی که به آن مبتلا گردیده نجات بخشند که امروز تولد مبارک یکی از آن جانشینان منور به نور پیامبر یعنی میلاد ششمین اختر امامت، بنیان‌گذار راه و رسم شیعه، امام جعفر صادق (ع) است ایشان در روز تولد جدشان به دنیا آمدند روزی که بهترین بنده‌ی خدا و افضل‌ترین نعمت و رحمت خداوندی قدم بر زمینی نهاد که هر لحظه بر او درود و سلام می‌فرستد. امروز روزی است که کاخ‌های ستم شکافته شده و شعله‌های باطل خاموش گردید کلمه‌ی لااله الاالله در جهان طنین انداز شد؛ به دنیا آمد و عالم منور شد به قدوم مبارک عقل کل، نور مطلق، اول ما خلق الله، رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص).

این روز مبارک را به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم و خداوند رحمان و رحیم را شاکریم که ما را امت چنین پیامبری قرار داد و مودت اهل‌بیتش را با انتخاب امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندان‌ش به جانشینی ایشان به ما ارزانی داشت و سپاس و تشکر می‌کنیم از وجود مقدس و

مبارک معلم اخلاق و عرفان و قوانین و دستورات قرآن امام جعفر صادق (ع) که با آموزه‌های خود ما را با راه و رسم وفاداری به عهد و پیمان در مورد امانت‌های پیامبر یعنی اهل بیت و قرآن آشنا فرمود و همچنین شکر و سپاسی عظیم بر پروردگار کریم که از سر لطف، آخرین نور امامت، مولا و سرورمان امام عصر (عج) را که نشان و عطر و بوی جد بزرگوارشان و پدران گهربارشان را با خود همراه دارد را برایمان حفظ فرمود که اگر انتظار گوهر وجود یوسف زهرا، پسر حضرت فاطمه (س) در عالم نبود عالم از فراق دیدار خالقش از هم می‌پاشید و آسمان و زمین از هم می‌گسست ولی امید و انتظار، نوید دیدار گوهری را می‌دهد که لحظه‌ها به امید آن در صبر جمیل هستند.

حال دست به دعا بر می‌داریم که:

بار الها ما را از کسانی که قدر پیامبر گرامی و امانت‌های گران‌قدرش را دانسته و از آن‌ها پیروی می‌کنند قرار ده.

بار الها دشمنان و منافقان و خیانت‌کاران به امانت‌های پیامبر را نابود بفرما.

بار الها ما را از کسانی قرار ده که در قیامت، پیامبران گواه مودت و عملمان به دستوراتش باشد.

بار الها با ظهور دولت حقه‌ی مولایمان دین جدش را در تمام جهان گسترده و سربلند بگردان.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱ اسفند ۹۱

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

شکر و سپاس پروردگار غفار و غفور را سزااست که یاد خود را آرامش دل‌های هجران کشیده‌ی ذاکران و عاشقانش قرار داد تا حیات زمینیان مزین به صبری جمیل گردد و لحظه‌ها را با شیرینی علیه راجعون سپری کنند و پاک و منزّه است خداوند سبحان، نیست معبودی غیر او؛ قابل حمد و ستایش اوست که رحمتش جاری و لطف و کرمش نوازشگر بندگان است و سلام بر جان عالم، عالمی که بر عظمت آفریدگارش همواره در اطاعت است و جانش به ندایی زنده شد آنگاه که فرمود: سبح لله ما فی سماوات و ما فی الارض، صدایی به فرمانش پاسخ داد: ای آفریدگارم، چگونه تو را بستایم که مرا به عبادتت زینت دادی و با رحمت بی‌منتهایت کرسی‌ام را محکم نمودی، نامم را برگزیدی و جانم را به نعمت‌های آراستی؛ به سفتی و سختی جانم ترحم نمودی و از درونش دانه را رویاندی، با آب پاک غبارش را زدودی و با انواع گل‌ها، مطهرش نمودی پس شکر پروردگارم را سزااست که خود آن را برگزید و زمین و آسمان را با آن برپا داشت.

بار الها در این شب مبارک ما نیز تو را با آن شکر و حمد و سپاس می‌ستایم تا جان حقیرمان به زینت آن منور گردد و دانه‌های ذخیره شده در آن به آب رحمت بارور شود و نهالی استوار به بار آورد پس پروردگار کریم، به برکت این رحمت، درود فرست بر بنده‌ی برگزیده و رسول گرامی‌ات حضرت محمد (ص) و بر اهل‌بیتش که وجود مبارکشان نوری افزون بر نوری دیگر در ظلمات جهل هستند که امشب میلاد سیزدهمین نور ایشان یعنی یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد، با تقوا و باوقار و با عفت و حیا، حضرت امام حسن عسکری (ع) است که این امام همام در هشتم ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ هجری به دنیا آمد و مدت ۲۲ سال همراه با پدر بزرگوارشان امام هادی (ع) و شش سال امامت خود را در زندان و یا در تبعید به سر برد به همین دلیل شیعیان به سختی با ایشان ملاقات می‌کردند ولی با این وجود لحظه‌ای از هدایت مردم و آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند گرامی‌شان منجی عالم، جوهر هستی، اباصالح المهدی (عج) غافل نشدند. دوران زندگی امام حسن

عسکری (ع) با چندین خلیفه‌ی غاصب و سنگدل عباسی مصادف بود و همه‌ی آنان از آن حضرت کرامت‌ها دیدند ولی مایه‌ی تأسف است که به امامتش و شأن و مقام و بزرگی‌اش ایمان نیاوردند حتی معتمد عباسی دو نفر را که مشهور به قساوت و رذالت بودند برای آزار و اذیت امام مأمور نموده بود که بعدها آن دو نفر افرادی شایسته شدند معتمد عباسی علت را از آنان جویا شد، درباره‌ی امام حسن عسکری (ع) چنین گفتند: او کسی است که همیشه مشغول عبادت خداوند است؛ روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها تا صبح به عبادت است؛ کم‌حرف و باوقار و با ابهتی خاص که هر زمان به ما نگاه می‌کرد لرزه بر اندام ما می‌افتاد. نه تنها مأمورین زندان بلکه خود خلفای ملعون و اطرافیان آنان به عظمت و شوکت و ابهت و شخصیت امام اقرار داشتند ولی با این وجود بر آزار و زندان و تبعید و بالاخره شهادتشان اقدام کردند. لعنت الله علی قوم ظالمین و القاتلین.

برای شما دل‌باختگان پیامبر خاتم (ص) و اهل‌بیتش از سرور عالمیان حضرت زهرا (س) نقل می‌کنیم که ایشان فرمودند: زمان‌ها به هم خواهند رسید و دوستان و یاران خاندان نبوت بر چشمه‌ی احسان پروردگارشان خواهند نشست و از سفره‌ی گسترده‌ی اهل‌بیت، جانشان متعین خواهد شد و من روزی بر شانه‌ی محبت پدرم نشسته بودم؛ پدرم دستم را بر دو لب مبارکشان گذاردند و فرمودند: ای پروردگام، طعم کوثر را چشیدم همواره بر بوی مطهرش تو را سپاس خواهم گفت تا روزها و شب‌هایم بگذرد و من در چهره‌ی هدیه‌ی با شکوهت وعده‌ات را که فرمودی: بدخواه تو خود ابتر است را تماشا کنم پس ای عالم، هدیه‌ام را مانند گوهری گران‌بها در جانت نگهدار تا در چهره‌ی بی‌همتایش احسان پروردگار عالم معنا شود.

بله چه احسانی بالاتر از فرزندان رسول گرامی اسلام از مادر هستی سرور عالمیان که پروردگار کریم بر بندگان فرمود؟ هر چند که دنیاپرستان و جاهلان در زمان تولدشان به پیامبر لقب ابتر دادند و بعدها سعی در قطع این احسان داشتند ولی خداوند مهربان آخرینشان را برای مؤمنان حفظ فرمود.

حال ضمن عرض تبریک و تهنیت به مولا و سرورمان، امام عصر و زمان به مناسبت تولد پدر گرامی‌شان امام حسن عسکری (ع) دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها به حرمت مولود امشب بر ما مودت اهل بیت را احسان بفرما.

بار الها دشمنان گذشته‌ی اهل بیت را لعنت و دشمنان عصر حاضرشان را نابود بفرما.

بار الها وجود مقدس مولا و سرورمان را از ما خشنود بفرما و در ظهور دولت حقه‌ی ایشان تعجیل بفرما.

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ اسفند ۹۱

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

بار خدایا، پروردگارا، از آن توست پادشاهی و خاص توست حمد و سپاس. هیچ خدایی جز تو نیست. تویی خداوند بردبار، کریم، مهربان، بخشنده، صاحب جلالت و اکرام. تویی آفریدگار آسمان‌ها و زمین. بار خدایا از تو درخواست می‌کنم بر تاج پیامبران نگین برگزیدگان، رحمت زمین و آسمان، خاتم‌الانبیاء ابوالقاسم محمد و محمود و مصطفی (ص) و همچنین بر خاندانش که همه از نیکان و پاکان و برگزیدگان بودند درود فرستی. درودی که جز تو کسی را یارای شمارش آن نباشد؛ که خود در قرآن کریم چنین فرمودی: که سلام و درود بر مؤمنانی که رستگار شدند. بندگان که نشان هدایت را یافتند و آن را چون گوهری گران‌بها حفظ کردند. خاندانی که در میان امت پیامبر (ص) دارای امتیازی شدند که خود وجود مبارک پیامبر (ص) به آن‌ها عطا فرمود و آن عطا از جانب فرشتگان وحی به آنان نازل شد و آنان را مورد محبت و حمایت خود قرار داد.

خواهران و برادران امروز مصادف است با میلاد سپیدار بلند شکیبایی، تقوا و شجاعت و زلال مهر، محبت و صفا و نمونه و نمایشگر اطاعت همراه با عشق به ایزد متعال. پرورش یافته در مکتب امیرالمؤمنان و نور دیده‌ی مادرش حضرت زهرا سید بانوان دو عالم یعنی حضرت زینب کبری (س) است و چه زیباست شنیدن بزرگی و مبارکی روز تولد ایشان از زبان مادر ارجمندش خانم حضرت زهرا (س) در این باره چنین فرمودند: پدر گرامیم رسول خدا (ص) آنگاه که دخترم زینب را در آغوش گرفتند چشمان مبارکشان را به آسمان دوختند و زینب را محکم به سینه مبارکشان چسباندند و فرمودند: شکر پروردگار کریم را که همان‌طوری که وعده فرموده به هر کس بخواهد پسر می‌دهد و به هر کس بخواهد دختر می‌دهد و به هر کس بخواهد هم دختر و پسر می‌دهد و اکنون دامن دخترم زهرا از نعمت دختری پر شده است که رسالت مرا به صبر و استقامت زنده خواهد داشت. آنگاه که دشمنان سعی می‌کنند تا با دهان خود نور را خاموش کنند، او آن را منور خواهد کرد. سپس شال مبارکشان را از دور

گردن باز کردند و به دور زینب پیچیدند و آن را به آغوش من دادند و فرمودند: از خاندان من فرزندانى به دنیا خواهند آمد که دین خدا را با وعده‌های حقّه‌ی آن به زمان‌های گذشته و آینده نشان دهند و در رسالت مرا یاری کنند.

بانو و سرور هستی حضرت زهرا (س) دختر گرامی‌شان را در آغوش گرفته و چنین فرمودند: چشم‌های هر انسانی چشمه‌ای از حوض کوثر است و پروردگار کریم در هر چشمی از الطاف خود آبی را قرار داد تا فضای آن را نمناک کند و هرگز آسیبی به آن نرسد و اگر رسید فقط از نور ظاهری محروم باشد و باطن چشم، عجایب خاصه را ببیند. من در چشم‌های دخترم عرش را می‌بینم و عظمت خلقت را تحسین می‌کنم و بسیار سپاسگزار نعمت الهی هستم و عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت، پس حقیقت خلقت او، رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود بود.

پس بیاییم در این میلاد مبارک، عشق به زینب که همان عشق به حقیقت و حقّ بندگی خداوند است را بیاموزیم. زینب گونه فکر کنیم، زینب گونه صبر کنیم، زینب گونه عمل کنیم، زینب گونه حق طلب و کوبنده باشیم و زینب گونه در انتظار دولت حقّه‌ی بقیة الله، اباصالح المهدی (عج) باشیم.

اللهم عجل لولیک الفرج